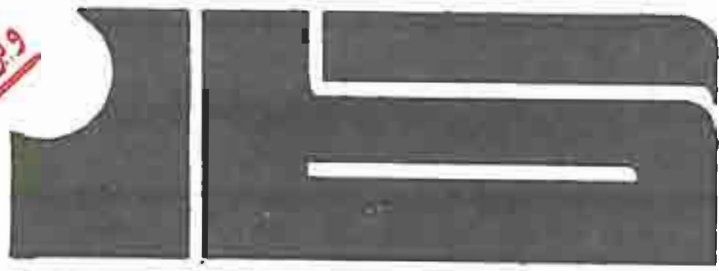


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ویژه اول ماه مه



مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) سال سوم - چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۶۰ شماره ۱۰۷ ۲۸ صفحه - ۳۰ رسال

اول ماه مه روز تجلی وحدت و همستگی کارگران و زحمتکشان جهان مبارک باد

طبقه کارگر ایران، ستون انقلاب

در صفحه ۲

درباره بودجه ۱۳۶۰ دولت رجائی

در صفحه ۱۸

یاد پیشگامان جنبش سندیکائی ایران را گرامی بداریم

در صفحه ۶

شهرهای شمال بار دیگر به تشنج و آشوب کشیده شد

تفرقه، جدائی و جنگ های خانگی خواست امپریالیسم است به درگیری ها پایان دهید!

در صفحه ۴

جهان سرمایه داری و مبارزات کارگران

● بحران گسترده نظام سرمایه داری جهانی و عواقب ناشی از آن، تشدید تورم، بیکاری، تشدید جریان نظامی گری، دامن زدن به مسابقه تسلیحانی و ... سبب اوج گیری مبارزه انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری شده است.

در صفحه ۱۴

با تو دل خوش جویم زیباست
گسترده بیکران جویم زیباست
ای روز خجسته گان پیروزی
با آمدت جان جویم زیباست

دعوت به میتینگ
جشن کارگران جهان
جمعه ۱۱ اردیبهشت
میدان آزادی ۴ بعد از ظهر
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

متحد شویم!
تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

اول ماه مه را پر شکوه تر از همیشه جشن می گیریم

طبقه کارگر ایران ستون انقلاب

پای درآورد.

جنبش کارگری ایران که دریافته بود که تحقق شعارها و خواستهای طبقاتی وی در گروی پیوند هرچه عمیق تر با جنبش کارگری، با جنبش میلیونی توده های غیر کارگر است، از اعتصابات اقتصادی، پراکنده و جدا از هم به اعتصابات سیاسی، همگانی و توده های تحول یافت. وزن خواستهای طبقاتی در مجموعه مطالبات طبقه کارگر افزایش یافت و همگام با بسط دامنه انقلاب، این خواستها با خواستهای دمکراتیک عموم خلق در آمیخت. و به این ترتیب با تلفیق ماهرانه مبارزه در راه تامین خواستهای صنفی و بهبود شرایط آبی کار، با مبارزه در راه ریشه کن ساختن سلطه امپریالیسم و پایگاه های داخلی آن که در حکومت مستبدانه و آمریکائی شاه تبلور می یافت، طبقه کارگر نقش تعیین کننده ای در پیروزی انقلاب برعهده گرفت.

این نقش عظیم طبقه کارگر در انقلاب، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به ویژه در ۲۶ - ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲ و ۳۳ آن انعکاس یافته است.

پس از پیروزی انقلاب نیز طبقه کارگر قهرمان ایران با مشروط شناختن مبارزه صنفی - سیاسی خود با مصالح عینی انقلاب همان نقش را در جریان تعمیق و گسترش انقلاب برعهده گرفت و با فداکاری های عظیم، مصمانه در راه انجام آن گام برداشت.

شرکت فعال و همه جانبه طبقه کارگر ایران در مبارزه علیه تجاوزات و توطئه های امپریالیسم به سرکردگی آمریکا و متحدان داخلی و خارجی آن، فداکاری ها و حماسه های غرور آفرینی که طبقه کارگر و زحمتکشان ایران در جنگ تجاوزکارانه رژیم جنایتکار صدام آفریدند.

پیگیری و استواری کارگران و زحمتکشان ایران در افشای دسایس ضدانقلاب داخلی و مبارزه پیگیر آنان علیه سرمایه داران و زمینداران بزرگ و وابسته، تجار عمده و سرمایه داران لیبرال که در دفاع پیگیر و قاطع کارگران و زحمتکشان از تداوم ملی کردن صنایع بزرگ، اجرای هرچه سریع تر اصلاحات ارضی و ملی کردن بازرگانی خارجی خود را نشان می دهد، جلوه هایی از نقش تعیین کننده ای است که طبقه کارگر ایران در حفظ دستاوردهای انقلاب و تعمیق و گسترش آن برعهده دارد.

امروز طبقه کارگر به نیروی اندیشه و کار خلاقانه خود با بازسازی و راه اندازی مجدد

طبقه کارگر ایران، هم آواز با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان خود را برای برگزاری هر چه شکوه مندتر عید بزرگ کارگری، اول ماه مه آماده کرده است. کارگران و زحمتکشان میهن ما در این روز، دیگر نه در انبار کارخانه ها، نه در باغ های متروک و نه در خانه های دربسته، به دور از چشم دژخیمان امپریالیسم و مزدوران ساواک بلکه در خیابان ها و میادین شهرها، در صفوف فشرده میلیونی، قدرت اتحاد و همبستگی نیروی کار را فریاد می زنند و جلوه های از دستاوردهای انقلاب را که قبل از هر چیز شمره مبارزات قهرمانانه خود آنان است، به نمایش می گذارند. خروش پرتوان طبقه کارگر ایران در اول ماه مه مصداق کوچکی از سخن یکی از رهبران اول ماه مه در ۹۵ سال پیش از این است. هنگامی که در بیدادگاه های سرمایه داران آمریکا، پس از شنیدن حکم اعدام توسط قضات فریاد برآورد:

"امروز اگر شما صدای حق طلبانه را به زور گلوله خاموش می کنید، مطمئن باشید که این صداها دیگر خاموش شدنی نیست و هر روز ظنبن آن رساتر خواهد شد."

طبقه کارگر که در مقیاس ملی و جهانی به پیروزی های عظیمی نایل آمده است، فرمان تاریخ را در دست دارد، به پشتوانه پیروزی های خود، که سیستم جهانی سوسیالیسم بزرگترین تجلی آن است، بر پیکر در حال فروپاشی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، هر روز ضربات مهلک تری فرود آورده و پرچمی را که در اکتبر ۱۹۱۷ توسط پرولتاریای روسیه برافراشته شد، می رود که در سراسر گیتی به اهتزاز درآورد. جهان توسط سوسیالیسم فتح می شود. فتحی خجسته، شایسته آدمی و مبارک!

نقش طبقه کارگر ایران در انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران و در جریان پیروزی، تعمیق و گسترش آن بارها مورد تحلیل قرار گرفته است. امروز دیگر برکسی پوشیده نیست که طبقه کارگر، ستون و نیروی محرکه اصلی انقلاب بوده است. ما بارها بر این نکته تاکید کرده ایم که رژیم منفور و آمریکائی شاهنشاهی قبل از هر چیز با مشت های پولادین کارگران و زحمتکشان ایران به گورستان تاریخ سپرده شد.

ما شاهد بودیم که جنبش طبقه کارگر و در راس آن جنبش نیرومند نفتگران قهرمان ایران به مثابه موثرترین و رزمجویانه ترین رکن جنبش توده های بساط شاهنشاهی پهلوی را آماج ضربات خویش قرار داد و سرانجام در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آن را از

از وسعت عشق عاشقان بشتری
و زنجش سرزمین من با خبری
از تو پیشش زمانه می آموزد
با ما ز دل سپیده های گدزی

کارخانه های آسیب دیده برای تداوم تولید و افزایش بازدهی کار می رزمد و در عین حال برای تحکیم صفوف خود مبارزه پیگیر و قاطعانه ای را برای تحقق شعارهای طبقاتی کارگران در چارچوب مصالح انقلاب به پیش می برد.

این مبارزه در درجه نخست متوجه آن است که اصول مصرحه در قانون اساسی که برای بهبود کار و زندگی کارگران و زحمتکشان مورد تاکید قرار گرفته است، اجرا گردد.

در راس مطالبات کنونی طبقه کارگر، مبارزه در راه تدوین یک قانون کار و تامین اجتماعی ترقی خواهانه و همچنین تدوین یک نظام مترقی جهت ارزشیابی مشاغل قرار دارد.

کارگران برای ارتقاء کیفیت سازماندهی خود و تجهیز هرچه بیشتر زحمتکشان برای تشکیل سازمان های صنفی - طبقاتی مبارزه پیگیری را به پیش می برند. آنها در راه اجرای اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی که آزادی تشکیل نهادهای سندیکائی، اتحادیه های و شورائی را برایشان به رسمیت شناخته است، مبارزه می کنند.

امروز بطور آشکاری جنبش طبقه کارگر بطور مستمر رو به اعتلاست، درک طبقاتی کارگران رو به تعمیق است و نطفه های اتحاد و شکل سندیکائی کارگران در حال رشد است.

این حقایق نشان می دهد که جنبش کارگری با گام های استوار در جهت احراز هویت طبقاتی مستقل خود حرکت می کند. بازتاب این حرکت عینی طبقه کارگر در پیکار مصمانه ای که سازمان ما برای غلبه بر پراکندگی در جنبش کمونیستی و کارگری به پیش می برد، تجلی می یابد.

در حقیقت آنچه که طبقه کارگر و پیشروان آن به انجام می رسانند، تجهیز هرچه بیشتر خلق برای پاسداری از انقلاب و تعمیق آن است.

طبقه کارگر که ستون انقلاب است، در حال تدارک نیروست. تا قادر شود انقلاب را برای زحمتکشان و کارگران ایران و جهان به فرجام نهائی رهنمون باشد.

این وظیفه مشخص انترناسیونالیستی طبقه کارگر و پیشروان آن در مرحله کنونی رشد و تکامل انقلاب ایران است که در جشن بزرگ کارگران جهان، اول ماه مه، طبقه کارگر بر آن تاکید می ورزد.

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

مروری بر تاریخچه جنبش سندیکائی در ایران

(قسمت سوم)

اعتلای مجدد جنبش سندیکائی در ایران
(۱۳۲۰ - ۳۲)

کارگری شدند. این کامیابی‌ها مرکز توجه کارگران را به سوی سازمان‌های اتحادیه‌ای واقعی آنها جلب نمود و موقعیت اتحادیه‌های ارتجاعی را متزلزل ساخت. نیروهای صدیق و مبارز درون این اتحادیه‌ها که دیگر به انحرافات موجود در رهبری تشکل‌هایشان پی برده بودند، سرانجام سران غیرمسئول و منحرف را از اتحادیه‌های خود اخراج نمودند و آمادگی خویش را برای اتحاد با سازمان‌های مترقی کارگری و در راس آنها "شورای مرکزی" اعلام نمودند.

پس از سقوط رضاشاه، علاوه بر "شورای مرکزی" و اتحادیه زیر رهبری "یوسف افتخاری" دو اتحادیه دیگر نیز به وجود آمد. موسسین این اتحادیه‌ها از فعالین با سابقه جنبش کارگری - سندیکائی در سالهای قبل از ۱۳۲۰ بودند. این اتحادیه‌ها عبارت بودند از: "اتحادیه کارگران راه‌آهن ایران" و "اتحادیه زحمتکشان ایران". در اول ماه مه ۱۳۲۳ با وجود مخالفت‌های شدید "یوسف افتخاری" و همراهانش، سه اتحادیه فوق و "شورای مرکزی" با یکدیگر متحد شدند و وحدت سندیکائی طبقه کارگر ایران را در چهارم - چوب "شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران" پی ریختند.

"شورای متحده مرکزی" در آغاز فعالیت خویش بالغ بر ۵۰۰۰۰ عضو داشت که پس از مدت زمان کوتاهی توانست بیش از ۹۰٪ کارگران متشکل ایران را در صفوف خود گرد آورد. در مرکز این سازمان، شورائی مرکب از ۵۵ نفر قرار داشت که از میان آنها ۱۵ نفر به عنوان هیئت مرکزی و ۵ نفر به عنوان دبیران انتخاب شدند. در سال ۱۳۲۷ اتحادیه‌های دیگری نیز از جمله اتحادیه‌های کارگران نفت جنوب تشکیل شد که آنها نیز به "شورای متحده مرکزی" پیوستند. در مقابله با گسترش کمی کارگران و اعتلاء کیفی سازمان‌های اتحادیه‌ای طبقه کارگر، سرمایه‌داران و دولت‌ها (کابینه‌های) مرتجع وقت از هیچ توطئه‌ای علیه تشکل‌های کارگری فروگذار نمی‌کردند. یکی از شیوه‌های رایج آنان در مقابله با رشد اتحادیه‌های مبارز کارگری، ایجاد اتحادیه‌های "زرد" در برابر سندیکاهای انقلابی بود که برای نخستین بار در ایران (با استفاده از تجارب ممالک سرمایه‌داری) در سال ۱۳۲۳ در اصفهان اتحادیه فرمایشی تحت عنوان "اتحادیه کارگران و کارفرمایان" (!) تاسیس شد. همچنین "حزب دمکرات" قوام نیز سازمانی به نام "اتحادیه سندیکاهای کارگران ایران" که با علامت اختصاری "اسکی" معروف شد، تشکیل داد. هدف این اتحادیه‌های فرمایشی که با تکیه بر کارفرمایان و دولت مرتجع وقت سازمان می‌یافت، مبارزه علیه "شورای متحده مرکزی" و ایجاد تفرقه و چنددستگی در صفوف متحد کارگران ایران بود. و اما یکپارچگی روزافزون صفوف مبارزاتی کارگران و پیگیری اتحادیه‌ها در تامین حقوق صنفی - سیاسی کارگران علیرغم تشبثات عناصر و نیروهای ضدکارگری توانست دستاوردهای ارزنده‌ای برای جنبش کارگری ایران به ارمغان آورد. ادامه دارد.

فعالیت اتحادیه‌های طبقه کارگر ایران در آغاز دهه ۲۰ با مشکلات عینی چندی روبرو بود که این مشکلات بیش از هر چیز ناشی از شرایط زمان جنگ و همکاری دولت ایران با متفقین بود. در این سالها، طبقه کارگر ایران وظیفه انترناسیونالیستی مهمی به عهده داشت و آن مبارزه با فاشیسم جهانی بود. کارخانه‌های اسلحه‌سازی و برخی کارخانه‌های دیگر برای رفع نیازمندی‌های متفقین کار می‌کردند لذا توقف کار در این واحدها بیش از همه به سود جبهه فاشیسم بود. بنابراین احقاق حقوق صنفی - سیاسی کارگران می‌بایست به گونه‌ای سازمان می‌یافت که حتی المقدور اعتصاب و توقف تولید در این کارخانه‌ها را در پی نداشته باشد و این یکی از محظورات و مشکلات جنبش سندیکائی در این دوره بود. با توجه به این مشکلات "شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری" نیز سعی در اتخاذ سیاستی هوشیارانه داشت ولی در مقابل، برخی از عناصر غیر مسئول و منحرفی که در راس "اتحادیه کارگران و برزگران" قرار داشتند، می‌کوشیدند بدون توجه به این مشکلات و به قیمت پاسخگویی به ذهنیت‌ها و تمایلات خودانگیخته توده کارگران، آنان را به اتحادیه‌های خویش جلب نمایند.

این شیوه‌ای بود که بخصوص از جانب "اتحادیه کارگران و برزگران" و حزب "رنجبر" تحت رهبری "یوسف افتخاری" و یارانش اتخاذ می‌گردید و تا حدود زیادی نیز مبتلا به اتحادیه‌های پیشروی کارگری و "شورای مرکزی" نیز شده بود. زیرا فشارهای کم‌رشدن تورم و کمیابی کالاها و ضعف قدرت خرید توده‌ها، مشکلات اقتصادی را حاد کرده بود. از این رو پاسخ به مطالبات صنفی، ضمن آنکه یک وظیفه ضرور برای اتحادیه‌ها محسوب می‌شد، ولی در عین حال می‌توانست زمینه عینی طرح انحرافی این مطالبات نیز باشد و برخی از سران اتحادیه کارگران و برزگران نیز این انحرافات را وسیعاً دامن می‌زدند. در رابطه با این جو، "شورای مرکزی" نیز در برخی موارد سیاستش تحت‌الشعاع خواست‌ها و حرکات خود - انگیزه توده‌ای قرار می‌گرفت. با این همه، اتحادیه‌های انقلابی و "شورای مرکزی" با سربلندی از این آزمایش بیرون آمدند و با افشای پیگیرانه فعالیت‌های عوام‌فربانه سران ارتجاعی اتحادیه‌ها، گام‌های اساسی در جهت تامین وحدت سراسری سندیکائی به پیش برداشتند. این افشاکاری‌ها عموماً با مبارزه در راه تامین حقوق کارگران همراه بود. اتحادیه‌های پیشرو و انقلابی با در نظر گرفتن تقاضای روزافزون کالاها در بازار و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، کارفرمایان را مجبور به پذیرفتن مطالبات کارگران می‌نمودند. در نتیجه اقدام متحدانه اتحادیه‌های کارگری در برخی از کارخانه‌ها، از جمله در کارخانه‌های اصفهان، دستمزدها تا چهار برابر افزایش یافت و در شرایطی که قانون کاری وجود نداشت، کارگران موفق به کم کردن ساعات کار تا ۸ ساعت، گرفتن یک روز تعطیل در هفته و ۱۵ روز مرخصی سالیانه شدند. تحت چنین شرایطی، کارفرمایان مجبور به پذیرش اتحادیه‌های مترقی و اصیل

با شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی دوم و با اشغال ایران توسط نیروهای متفقین و سرنگونی رضاشاه، تحولات سیاسی مهمی در ایران به وجود آمد. درهم شکسته شدن سد دیکتاتوری رضاشاه، فضای سیاسی جامعه را بالنسبه دمکراتیک کرد و مبارزات علنی و توده‌ای را در مقیاس گسترده‌ای امکان‌پذیر ساخت و جنبش کارگری - سندیکائی ایران پس از سالها رکود، بار دیگر مجال رشد و شکوفائی یافت. گسترش قابل ملاحظه صنایع داخلی (به‌ویژه در بخش دولتی) طی سالهای ۲۰ - ۱۳۱۰ موجب رشد کمی پرولتاریای ایران در سالهای آخر حکومت رضاشاه شده بود. بطوری که در آستانه جنگ جهانی دوم نزدیک به ۶۵۰ هزار کارگر در صنایع ایران مشغول به کار بودند. با سرکوب جنبش کارگری و سندیکائی و انحلال اتحادیه‌ها در فاصله سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰، امکان مبارزه سراسری، متشکل و موثر طبقه کارگر در جهت بهبود شرایط کار و زندگی و در جهت مقابله با سیاست ارتجاعی و ضدملی حکومت رضا خان به حداقل رسیده بود. این موضوع نیز از عوامل معینی بود که موجب شد در سالهای پس از ۱۳۲۰ شرایط زندگی کارگران وخیم و رقت‌انگیز گردد. با وجود آنکه هزینه زندگی در فاصله سالهای ۲۰ - ۱۳۱۰ به میزان دو برابر افزایش یافته بود، دستمزد کارگران بدون تغییر مانده بود. جنگ، احتکار اجناس توسط تجار بزرگ، و سیاست‌های اقتصادی مخربی که دولت داشت، سبب تشدید این وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی شد. اما علیرغم این شرایط اسفبار، جوانب امیدبخش بسیاری نیز در این مقطع تاریخی وجود داشت و آن، وجود فضای بالنسبه دمکراتیک جامعه و همچنین تجارب مبارزه سندیکائی کارگران از دوره‌های گذشته بود. صرف نظر از کارگران جوانی که طی سالهای ۲۰ - ۱۳۱۰ (یعنی در دوره خفقان) به کارخانه‌ها پا گذاشته بودند، بخش مهمی از کارگران ایران از مبارزات سه دهه گذشته و سالهای شکوفائی جنبش کارگری - سندیکائی ایران، تجربیات ارزشمندی داشتند که این مسئله، عامل مهمی در تسریع روند شکل‌گیری مجدد تشکل‌های سندیکائی نوین بود و از آنجا که این کارگران طی نخستین دوره اعتلاء و شکوفائی جنبش متشکل کارگری به درستی آموخته بودند که تجهیز به سازمان‌های اصیل اتحادیه‌ای ضامن موفقیت توده کارگران در مبارزه به خاطر احقاق حقوق صنفی - سیاسی‌شان است، جنبش سندیکائی توانست دوران بازسازی و احیای مجدد را با گام‌های بالنسبه سریعی پیماید. در سال ۱۳۲۰ سندیکاهای متعددی در واحدهای مختلف تاسیس شد.

در سال ۱۳۲۱ "شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری" با مساعدت "حزب توده ایران" ایجاد شد که تا آخر همان سال تعداد اعضای آن با توجه به گسترش شعباتش به سی هزار نفر رسید. هرچند

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

اجرای طرح ۱۰ ماده‌ای دادستانی، زمینه مناسبی برای پایان بخشیدن به درگیری‌هاست.

شهرهای شمال بار دیگر به تشنج و آشوب کشیده شد

تفرقه، جدائی و جنگ‌های خانگی

خواست امپریالیسم است

به درگیری‌ها پایان دهید!

موج جدید ناآرامی‌ها و برخوردهای خشونت‌آمیز در شهرهای شمالی، به ویژه قائم‌شهر و برخی دیگر از نقاط کشور را باید بمثابة زنگ خطری دانست که در بیخ گوش انقلاب به صدا درآمده است. در دو هفته اخیر بسیاری از شهرهای میهن ما در آتش درگیری و زد و خوردهای پر دامنه می‌سوخت و می‌سوزد. در قائم‌شهر ۴ تن کشته و تعداد بسیاری مجروح شده‌اند. در آمل، بابل، ساری، گلوگاه، شیراز، همدان و شهر کرد نیز درگیری‌هایی بین هواداران مجاهدین خلق با افراد سپاه کمیته‌ها و حزب جمهوری اسلامی روی داد.

مثل همیشه طرفین اصلی درگیری‌ها، حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین خلق هستند که قشریت و انحصار طلبی‌های اولی و انحرافات سیاسی دومی بستر مساعدی شده‌است که ضدانقلاب داخلی از هر دو سو برای تحقق هدف‌های شوم خود بیشترین بهره را از درگیری‌های فیما بین ببرد، آتش‌بیار معرکه شود و به گسترش دامنه تشنج‌ها و درگیری‌ها بیافزاید.

امپریالیسم و متحدین رنگارنگ داخلی آن، از بقایای ساواک و جاسوسان مائوئیست "رنجبر" گرفته تا لیبرالها، از همان آغاز با بهره‌گیری از سیاست‌های نادرست طرفین درگیر و با فرستادن عوامل خود به میان این درگیری‌ها بر آتش اختلافات می‌دمند و محیلانه بدان دامن می‌زنند تا پیکر زخم خورده انقلاب را به خاک و خون کشند و بر ویرانه‌های آمل و آرزوهای مردم زحمتکش ایران بار دیگر بساط ظلم و ستم خود را از نو بگسترانند درک این حقیقت به‌ویژه امروز دشوار نیست. تنها نگاهی واقع‌بینانه و خالی از تعصب به تجارب دوساله اخیر نشان می‌دهد که برنده واقعی خشونت‌ها، زد و خورد‌ها و درگیری‌ها کیست؟ تصادفی نیست که در فضای متشنج کنونی بار دیگر شاهد تشدید فعالیت‌های جنایتکارانه ضدانقلاب و یک رشته بمب‌گذاری در تهران و کرمانشاه هستیم که به از

دست رفتن جان تعدادی از هم‌میهنان ما انجامیده است امپریالیسم و ضدانقلاب به منظور تضعیف مقاومت قهرمانانه خلق در برابر تجاوز رژیم صدام و برای آفریدن جو ارباب و وحشت و ناامنی همواره از این فرصت‌های "طلائی" استفاده کرده و اقدامات ضدانقلابی خود را گسترش داده‌است.

در این مرحله از نبرد سهمگین، پرشکوه و تاریخ‌ساز مردم میهن ما با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی آنچه بیش از هر چیز برای تثبیت انقلاب و رشد و بالندگی آن ضروری است، حفظ آرامش و پرهیز از تفرقه و درگیری بین نیروهای است که به سرنوشت انقلاب و مردم می‌انديشند. حفظ آرامش و برقراری فضای مسالمت‌آمیز به منظور حل اختلافات نیروهای سیاسی ضد امپریالیست، برای گردآوری و بسیج قوای انقلاب علیه دشمن اصلی، برای یورش جدی‌تر به امپریالیسم و مواضع آن در میهن ما، برای مقابله با سازشکاری و خیانت بورژوازی لیبرال، در جهت انجام اصلاحات اقتصادی - اجتماعی... و گسترش وحدت صفوف خلق ضرورت حیاتی دارد.

به اعتقاد ما کنارتنهادهن سیاست‌های تنگ‌نظرانه، انحصار طلبانه و تفرقه افکن از جانب جمهوری اسلامی و اقدام جدی مجاهدین خلق در جهت تصحیح سیاست‌های

خود و کوشش در جهت حل مسالمت‌آمیز اختلافات تنها راه پایان بخشیدن به درگیری‌های نگران کننده کنونی و طریق مقابله با سیاست‌های امپریالیسم و لیبرالها که بر این زمینه گسترش می‌یابد، می‌باشد. فوری‌ترین اقدامی که در شرایط کنونی قادر است به جو متشنج جامعه پایان بخشیده، اختلافات را به مجرای مسالمت‌آمیز سوق داده و زمینه را برای تحکیم پایه‌های وحدت خلق فراهم

سازد، اجرای دقیق طرح ۱۰ ماده‌ای دادستانی در مورد آزادی احزاب و پذیرش آن از سوی گروه‌های سیاسی و من جمله مجاهدین است. بر اساس طرح ۱۰ ماده‌ای فوق می‌توان و باید بر اختلافات فائق آمد و آرامش را به میهن بازگرداند.

مسئولین جمهوری اسلامی! پاسداران!

مجاهدین خلق!

تجارب شیلی، اندونزی، کودتای ۲۸ مرداد و... پیش روی ماست. تجاربی که به قیمت خون صدها هزار انسان آزاده و زحمتکش به دست آمده‌است. به درگیری‌های داخلی پایان دهید! تنها امپریالیسم است که بر ویرانه‌های باقی مانده از یک جنگ داخلی، با چکمه‌های خون‌آلوده، بر قلب میهن عزیز ما ایران پای خواهد نهاد. به امپریالیسم و لیبرالها بیش از این فرصت توطئه‌گری ندهید! به سرنوشت خلق بیاندیشید و انقلاب را به مخاطره نیفکنید! تاریخ در باره آنها که می‌خواهند خطاهای صدها بار آزموده‌شده را از نو بیاموزند، قضاوتی سخت و بی‌رحمانه خواهد داشت.

*

اقدامات جدی در جهت تصحیح سیاست‌های کنونی خود به عمل آورد. همچنین تشکیلات آمل سازمان طی اعلامیه‌های برخورد‌های انحرافی طرفین درگیری را محکوم نمود. تشکیلات قائم‌شهر سازمان نیز به منظور تخفیف هرچه سریع‌تر تشنج‌ها، پیشنهادات سازنده‌ای ارائه نمود. رفقای ما در قائم‌شهر ضمن ملاقات با مقامات مسئول منطقه خواستار آن شدند که:

۱- برخورد‌های تحریک‌آمیز از جانب نیروهای حاکمیت قطع شده و برخورد‌های سیاسی، متین و معقول جایگزین آن گردد. ۲- مسببین جنایات اخیر دستگیر و مجازات شوند. ۳- از فعالیت ضد انقلابیون شناخته شده که در پناه این درگیری‌ها به فعالیت پرداخته‌اند، جلوگیری به عمل آید.

۴- سخنرانی آقای فخرالدین حجازی که قرار بود در اول ماه مه برگزار شود، به زمانی دیگر موکول شود.

۵- تزییناتی که در مورد توزیع کالاهای جیره‌بندی برای محله "مجاور محله" قائم‌شهر ایجاد شده بود، رفع گردد.

۶- شرایط برای برگزاری بحث‌های آزاد بین طرفداران گروه‌های سیاسی فراهم شود. مصالح انقلاب حکم می‌کند که موارد فوق هرچه سریع‌تر به اجرا درآید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران "اکثریت" - شاخه مازندران در رابطه با درگیری‌های اخیر شهرهای شمال اطلاعیه‌ای تحت عنوان "با قطع بدون شرط درگیری‌ها صفوف خلق را در مقابل امپریالیسم مستحکم کنید و آرامش را به منطقه بازگردانید" منتشر کرده است. شاخه مازندران سازمان در این اطلاعیه ضمن تاکید بر لزوم بازگشت آرامش به شهرها، خواهان قطع درگیری‌ها و اجرای موارد زیر شده‌است:

عقب‌نشینی نیروهای درگیر از خیابان‌ها، آزادی دستگیر شدگان. بازداشت و محاکمه مسببین تیراندازی و قتل‌ها. تعیین دقیق حدود اختیارات کمیته‌ها مطابق با قانون اساسی. تصفیه کمیته‌ها به‌ویژه کمیته قائم‌شهر از عناصر اوباش، ماجراجو، بدنام و ضدانقلابی. فراهم آوردن زمینه مناسب برای بحث و گفتگو بین نیروهای سیاسی. تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی.

شاخه مازندران سازمان تاکید کرده است که اقدامات فوق در صورتی می‌تواند ثمر بخش واقع شود که سازمان مجاهدین خلق ایران نیز



اتحاد
و سوسیالیسم

بزودی منتشر می‌شود

بزودی منتشر می‌شود

اسناد

جلسات مشاوره

احزاب کمونیست و کارگری

۱۹۵۲

۱۹۶۰

۱۹۶۹

از انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

بزودی منتشر می‌شود

اول ماه مه در "پیپلین"

★ کارگران قهرمان ایران روز اول ماه مه ، جشن همبستگی جهانی کارگر را علیه غم سلطه رژیم ترور و شکنجه پهلوی و فشار جنایت آمیز ساواک که نطفه هر حرکت را حتی در تجلیل کارگران و انسان زحمتکش در خون متوقف می ساخت . در تجدید عهد با سنت رزمجویانه پیشازان خود و میثاق وحدت با زحمتکشان جهان ، هر ساله پاس می داشتند و این روز را گاه به صورت نمایش های خونین خیابانی و گاه در هیئت مجلس جشن عروسی و عزا برپا می کردند . در سال های سیاه دیکتاتوری ، کم نبود روزهای اول ماه مه که کارگران علیه غم تهدیدات کارفرمایان و ساواک و خطر اخراج و زندان دست از کار می کشیدند و در میدان محقر کار ، عید بزرگ و انقلابی خود را جشن می گرفتند . قصه ای که در زیر می خوانید یادآور حوادث مربوط به یکی از همین روزهاست .

● سکوت وهم آلود دشت که در افق سربی رنگ صبح به تپه ها و کوه های افرائی رنگ " بختیاری " منتهی می شد ، حالا از صدای کمپرسورها و موتور جوش ها و نعره جراثقالی که عقب و جلو می شد و لوله " چهل و دو اینچ " را جا به جا می کرد ، درهم شکسته شده بود . ردیف چادرهای برزنتی که تخت سفری کارگرها در آن تاشده بود ، آن سوتر از وزش باد استخوانسوزی که از گردنه ها فرود می آمد ، انگار طبل صدا می کردند . کاروان سفید " مستر فولر " در میان چادرها ، انعکاس نارنجی خورشید را باز می تافت و به عمارت مرمرینی روئیده از دشت می مانست .

کار یک نفس پیش می رفت و " سوپروایزرهای " انگلیسی تا دم غروب کارگرها را از پامی انداختند . روزانه صد - صد و پنجاه لوله ۱۲ متری را سرهم جوش می زدیم و " خط لوله " انگار ماری که هر روز قد بکشد ، توی دشت می دویدند و ردیف چادرهای برزنتی را که محل استراحتمان بود ، پشت سر می گذاشت هر صبح برای شروع کار ، مجبور بودیم راه طولانی تری را بییمائیم اما امروز با همه روزها تفاوت داشت .

شب قبل ، بعد از آنکه شام را تمام کرده بودیم " ناصر " توی چادرمان آمده بود و به من و " شهیدی " گفته بود که برای فردا خودمان را آماده کنیم . قرارمان را که گذاشتیم ، به سراغ کارگرهایی که می شناختیم رفتیم و خبر را رساندیم طولی نکشید که خبر ، توی چادرها پیچید . به گوش همه رسید که فردا باید کار را خواباند . می دانستیم بزدل ها و دفتری ها خبر را به " فولر " می رسانند . از این مسئله ما باکی نداشتیم . بالاخره باید یکی خبر را می رساند . چه بهتر که یکی از بزدل ها باشد . وقتی آخرهای شب می خواستم آخرین خبرها را به " ناصر " برسانم ، " فولر " را که در آستانه کاروانش ایستاده بود و سیگار دود می کرد ، دیده بودم . پرتو ضعیفی که از نور فانوس درون چادر بیرون را روشن می کرد ، چشمهای آبی " فولر " را پشت آن دو شیشه ذره بین حیران نشان می داد . دو چشم آبی حیران از وقوع حادثه ای که شاید هیچ وقت فکرش را نکرده بود . ما هم لوله باورمان نمی شد . فکر کردن درباره این موضوع کمی دشوار بود . سابقه نداشت توی " خط لوله " بشود کار را خواباند . حتی جمعه ها را کار می کردیم . درباره موفقیت کاری که به آن دست می زدیم ، چندان اطمینان نداشتیم . بیشتر دلواپس این بودیم که کارگرها ، روی حرفشان نایستند . هرچند هیچ کس با تضمینی که گرفته شده بود ، آشکارا مخالفت نکرد ، اما توی چشم خیلی ها ، بلا تکلیفی و تردید را خوانده بودیم بیش از هر چیز چشمهای پر قروغ و امیدوار " ناصر "



کلبان شکسته هزاران چمنر
کایلو شب شمشان شکر
با تو همه نفس که مرخوانند
سیدترین ترا نه عصر منر

بود که دلداریمان می داد و پشتمان را گرم می کرد توی " کمپ " هیچکس به اندازه " ناصر " به کارگرها نزدیک نبود . اعتمادی که کارگرها نسبت به او داشتند ، کار را تا حدودی آسان می کرد . یعنی می فهمیدند که " ناصر " بی گذار به آب نمی زند . این را بزدل ها و دفتری های جاسوس هم می دانستند . بیخود نبود که " فولر " یک روز توی دفتر کارش به انگلیسی ها و ایرانی های همقطار خود گفته بود که اگر اینجا روزی آتشی بپا شود جرقه اش اول از چادر " ناصر " بلند می شود !

" ناصر " و دسته ما را به آسانی نمی توانستند اخراج کنند . بخصوص اینکه به خاطر سابقه و کار خوبمان ، صرفشان نمی کرد جایمان ، کارگرهای تازه وارد بیاورند .

صبح هنگام شروع کار همه چیز غیر عادی بود و خیر از وقوع حادثه ای می داد . شاگرد جوشکارها و " هلپر ها " ** موتورجوش ها و کمپرسورها را روشن نکرده بودند و راننده جراثقال ها با دستهای آویخته ، آرام کنار تیرک چادرهایشان تکیه زده بودند . من و " شهیدی " بر لبه تخت سفریمان نشسته بودیم و دو بر چادرمان را بالا زده بودیم تا میدان جلومان را ببینیم . وقتی " فولر " و دفتری ها و همقطاران از کاروان سفید رنگ که مقابل چادر کارگرها بود بیرون آمدند ، " ناصر " هنوز پیدایش نشده بود " فولر " سیگارش را که روشن کرد ، همه کارگرها به چادر " ناصر " چشم انداختند که هنوز برزنت جلویی آن پائین بود . " فولر " از پله های چوبی کاروان پائین آمد . بدون آنکه چشمهایش را از کارگرها که بی حرکت کنار چادرهایشان ایستاده بودند ، بگیرد ، وسط میدان آمد و همانجا ایستاد .

سیگار میان لبش نیم سوز می کرد . یکی یکی ، کارگرها را ورنه انداز کرد و نگاهش روی چادر " ناصر " ثابت ماند . پشت آن دو شیشه ذره بین می توانستم رگه هایی از تهدید را روی برآمدگی چشمهایش ببینم . بیشتر از این نمی توانست غرور خرد شده اش را مقابل کارگرها به نمایش بگذارد . بدون آنکه حرفی بزند ، سرش را پائین انداخت و راه افتاد . " سوپروایزرها " از کاروان پائین آمدند و دنبال " فولر " راه افتادند . دفتری ها چند لحظه همانجا سر چایشان ایستادند و بعد زیر نگاه سیخ کارگرها سرشان را پائین انداختند و داخل کاروان شدند . " فولر " و " سوپروایزرها " بدون آنکه پشت سرشان را نگاه کنند ، به طرف جراثقال ها و موتورجوش ها راه کشیدند . سابقه نداشت " فولر " قبل از کارگرها کاروانش را ترک کند . سعی داشتند وانمود کنند ، وضع عادی است و هیچ اتفاقی نیفتاده است . اما خوب می دانستند اتفاق ناخوشایندی افتاده و احتمالا اتفاقات بدتر از آن نیز خواهد افتاد .

کارگرها بدون آنکه حرفی بزنند ، توی صورت هم چشم دواندند . انگار هر کس جرئت دیگری را می خواست از چشمهایش بخواند . اول یکی از راننده های جراثقال راه افتاد و بعد یکی از " هلپر ها " سرشان را پائین انداختند و به دنبال " فولر " و " سوپروایزرها " که حالا از محوطه چادرها دور شده بودند ، راه افتادند دفتری ها از پشت پنجره کاروان ، حالات کارگرها را زیر نظر داشتند . نفهمیدم کی و چگونه " ناصر " بیرون آمده بود . قد کشیده اش از راستای تیرک چادر بلندتر بود . " شهیدی " چشمهایش می درخشید و شادی غریبی توی آنها موج می زد . کارگرها ، همگی چشمشان را به " ناصر " دواندند . مدتی همه چیز در سکوت

یادپیشگامان جنبش سندیکائی ایران را گرامی بداریم

مطابع (چاپخانه ها) تقدیم می‌کنم. همچنانکه در تاریخچه جنبش سندیکائی گفتم نخستین سندیکاها و اتحادیه‌ها را کارگران چاپخانه‌های تهران ایجاد کردند و ابتکار سازماندهی "اتحادیه مرکزی کارگران" (در سال ۱۲۹۹) نیز با رهبران اتحادیه‌های چاپ و در راس آنها سیدمحمددهگان بود. نخستین رهبران و پیشگامان جنبش سندیکائی طی سالهای ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۴ (که سالهای شکوفائی و اعتلای جنبش سندیکائی بود) سربرآوردند. ما ضمن تجلیل از خاطره مبارزات مجدانه آنها در راه تحقق اهداف طبقه کارگر، به معرفی چند تن از آنان می‌پردازیم:



محمد دهگان
بنیانگذار اتحادیه مرکزی کارگران ایران و نماینده کارگران ایران در بین‌الملل سندیکاهای سرخ (انترناسیونال)

سیدمحمد دهگان دهگان اولین نماینده و مدیر اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران، مدیر اتحادیه مرکزی کارگران ایران، اولین نماینده کارگران ایران در بین‌الملل سندیکاهای سرخ (انترناسیونال سوم) و مدیر روزنامه حقیقت (ارگان اتحادیه مرکزی) بود. او تحصیلات خود را در قفقاز تحت سرپرستی عبدالرحیم طالبوف (نویسنده انقلابی و دمکرات صدر مشروطه) به پایان رساند. دهگان که به زبان و ادبیات روسی آشنائی کامل داشت، هنگامی که به عنوان نماینده "اتحادیه مرکزی کارگران ایران" در بین‌الملل سوم شرکت کرد، توانست گزارش واقع بینانه‌ای از وضعیت اسفبار و رقت‌انگیز کارگران ایران ارائه دهد. شکرالهمانی جریان انتخاب دهگان به نمایندگی اتحادیه مرکزی در بین‌الملل سوم را چنین شرح می‌دهد:

"در سال ۱۳۰۳ (تاریخ تقریبی) از طرف بین‌الملل سوم دعوتی از اتحادیه مرکزی کارگران ایران به عمل آمد که یک نفر نماینده از تهران به مسکو اعزام دارند تا در کنفرانس سالیانه ملل شرق شرکت نماید. جلسه فوق‌العاده اتحادیه مرکزی دعوت و تشکیل گردید. پس از مذاکره، دهگان به سمت نماینده کارگران ایران در کنفرانس جهانی کارگران انتخاب و اعتبارنامه او به خط و امضای نویسنده این یادداشت (مانی) و مهر اتحادیه مرکزی، تهیه و در موم گرفته شد و در آستر لباسش روی بازوی چپ دوخته شد. صبحگاهان دهگان عازم راه گردید."

محمد دهگان اولین نماینده کارگران ایران است که در کنفرانس بین‌الملل سندیکاها شرکت کرده و خواست کارگران و وضعیت اتحادیه‌ها را در آن مجمع جهانی مطرح کرده‌است. او سه ماه بعد به ایران بازگشت و اعلام کرد:

"اتحادیه مرکزی کارگران ایران در کنفرانس چهارم بین‌الملل سوم به رسمیت شناخته شد. محمد دهگان نخستین کسی بود که "مانیفست کمونیست" را به فارسی ترجمه کرد. مانی در این باره می‌نویسد:

"دهگان بیانیه معروف کارل مارکس و فریدریش انگلس را با شیوه شیوائی به فارسی ترجمه کرد. ابتدا که هنوز پاکتویس نشده بود شادروان فرخی (شاعر انقلابی شهید) پیش نویس آن را به زور از من گرفت و در دو ستون روزنامه "طوفان" بطور مرتب تا آخر چاپش کرد. بعداً پاکتویس و

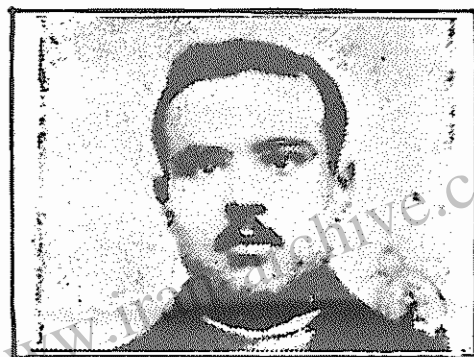
بقیه در صفحه ۷

جنبش سندیکائی در ایران، قدمتی ۷۵ ساله دارد. بررسی مسیر این مبارزه و اخذ تجارب و آموزش‌های لازم از آن، برای جنبش کارگری ما اهمیت خطیری دارد. از آنجا که آشنائی با رهبران و پیشروان جنبش سندیکائی ایران به اعتباری آشنائی با بخشی از تاریخچه این جنبش نیز هست، لذا ضروری می‌دانیم ضمن پاسخ به این نیاز مبرم، به مناسبت اول ماه مه یاد این راهگشایان فداکار و این مبارزان ثابت قدم و گمنام را که دوشادوش حیدرخان و یاران، جنبش کارگری ایران را با مشعل اندیشه پرولتاریا از کوره‌راه‌های دشوار به پیش هدایت کردند، گرامی بداریم.

در معرفی پیشگامان جنبش سندیکائی ایران، مهم‌ترین اثری که مورد استناد ماست، "تاریخچه نهضت کارگری در ایران" تالیف شکرالهمانی است این اثر ساده و کم‌حجم از جمله با ارزش‌ترین اسناد جنبش کارگری ایران است. این تاریخچه قطع نظر از اینکه متکی بر شواهد عینی و واقعی است، در عین حال اثری است مسئولانه و سرشار از عشق و عاطفه و وفاداری نسبت به کارگران و زحمتکشان.

معرفی شایسته این کتاب نیز بنوبه خود تجلیلی است از فداکاری‌ها و خدمات ارزنده پیشگامان جنبش سندیکائی ایران. چه نویسنده این کتاب (شکرالهمانی) خود یکی از پیشروان و فعالین جنبش سندیکائی بود. او که مدیر اتحادیه پارچه‌بافان و منشی اتحادیه مرکزی بود، در جوانی زیر فشار مشکلات اقتصادی و مالی دستگاه پارچه‌بافی خود را از دست می‌دهد و به صف کارگران پارچه‌باف می‌پیوندد. مانی به دنبال آشنائی با مضمون مبارزات متشکل کارگری (مبارزه سندیکائی)، دوشادوش نخستین پیشروان جنبش سندیکائی (دهگان و...) فعالیت سندیکائی خود را آغاز می‌کند. او کتاب "تاریخچه نهضت کارگری در ایران" را که شرح خاطرات او از جنبش کارگری ایران در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۸ است، در سال ۱۳۲۵ تالیف نمود که در همین سال به مناسبت اول ماه مه توسط کارگران چاپخانه‌های تهران تحت سرپرستی باقرنوابی (از پیشروان جنبش سندیکائی) چاپ و پخش می‌شود. بخش اعظم این کتاب بیانگر فعالیت و شخصیت رهبران مبارز و فداکار جنبش سندیکائی ایران است. هرچند این اثر بیانگر تمامی غنای مبارزاتی سندیکائی در این دوره نیست، ولی معتبرترین منبعی است که وجود دارد. خود مانی نیز در این مورد، مسئله را این‌چنین بیان می‌کند:

"نظر به اینکه تمام صورت‌جلسه‌ها و یادداشت‌ها و کتاب‌ها و ادبیات ما در سالهای پیش (سالهای دیکتاتوری رضاشاه) سوخته. اینک نمی‌توانم بطور صحیح هیچگونه مدرک از وقایع گذشته به دست آورم و ناگزیرم این یادداشت را از وقایعی که به خاطر من مانده است، به پایان رسانم... انتظار دارم هر یک از رفقا که خاطراتی از مبارزات کارگری دارند، قبول زحمت جمع‌آوری فرموده، به این یادداشت ناچیز من اضافه فرمایند تا یکجا تنظیم و با ترتیب صحیح‌تری به چاپ رسد. باشد که یادگاری از فدائیان طبقه زحمتکش بماند... این یادداشت را به پیشروان اتحادیه‌های کارگران ایران یعنی اتحادیه کارگران



مرتضی حجازی
نماینده اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران که در سیاه‌چال‌های رژیم رضاخان به شهادت رسید



استاد میرزا علی طرفدار
نماینده اتحادیه مرکزی و مدیر اتحادیه کارگران بنا. مبارز ثابت قدم و فداکار جنبش سندیکایی ایران



باقر نوابی
نماینده و مدیر اتحادیه کارگران چاپ نمونه قاطعیت و فداکاری انقلابی طبقه کارگر

یاد پیشگامان جنبش سندیکائی ایران را گرامی بداریم

بقیه از صفحه ۶

۵- حسین امید، ابوالقاسم رجائی و ابوالفضل لسانی نمایندگان اتحادیه معلمین. لسانی پس از توقیف "حقیقت" روزنامه "اقتصاد ایران" را منتشر کرد که مورد استقبال مردم قرار گرفت ولی این روزنامه هم خیلی زود توقیف شد.

۶- عباس مصداقی، حبیب‌المسعودی و علیرضا انصاری نمایندگان اتحادیه کارکنان وزارت پست و تلگراف

۷- منوچهر احمدی و محمود رامز نمایندگان رفندگان شهرداری

۸- استاد میرزا علی طرفدار و استاد محمد بنیسا نمایندگان اتحادیه کارگران بنای تهران. میرزا علی طرفدار بخاطر فعالیت انقلابی مدتها زندانی بود و شکنجه‌های بسیار دید و عاقبت نیز جان خود را در این راه فدا کرد.

۹- سیدحسین جلیل‌زاده، سید ابوالقاسم معروف به آقا کوچولو، سید علاء‌الدین تقوی نمایندگان اتحادیه کارگران بزاز تهران.

۱۰- سید عبداله موسوی، محمد باقر فخریان، مهدی رضا کاشانی و سید کمال مدرس یزدی، نمایندگان اتحادیه کارگران پارچه‌باف تهران

۱۱- میرزا محمد آخوندزاده نماینده اتحادیه باربران بندرانزلی. وی نماینده‌ای شجاع و فعال بود که اغلب در زندان‌ها گرفتار پنجه مامورین بود.

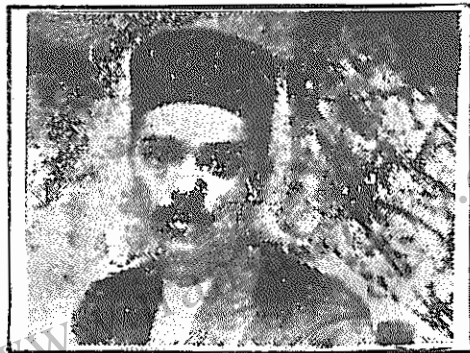
اینان از آغازگران و پیشگامان جنبش سندیکائی در ایران بودند. تجارب مبارزاتی آنها، نحوه فعالیت اتحادیه‌ها و پیگیری آنان در پیش‌بردها درخشان طبقه کارگر باید مورد توجه ویژه کارگران مبارز و رهبران تشکلهای کارگری ایران قرار گیرد.

غنا مبارزاتی جنبش کارگری - سندیکائی این دوره را می‌توانیم همچنین از ابعاد فعالیت‌ها و مجاهدت‌های سیاسی - فرهنگی اتحادیه‌ها و تلاش آنها برای معرفی ادبیات انقلابی و رزمنده کارگری به کارگران و زحمتکشان دریافت. نمونه‌ای که در زیر نقل می‌کنیم، شاهدی است بر این مدعا. این گزارشی است از برگزاری و اجرای نمایشنامه "کاوه‌آهنگر" توسط اتحادیه مرکزی دریکی از نمایشخانه‌های لاله‌زار تهران. مانی چنین می‌نویسد:

از طرف اتحادیه مطابع (چاپخانه‌ها) نمایشی به منفعت صندوق اتحادیه تهیه شده بود مطابق نقشه و دستور، مرتجعین اتحادیه پنج محل تصمیم گرفتند به نمایشگاه حمله کرده، کارگران را کتک بزنند و اثاثیه نمایشگاه را غارت نمایند. غروب شب نمایش آقای باقرنوبی که اداره این نمایش را عهده‌دار شده بود، از توطئه اجامر مطلع گردید. فوراً کارگران مطابع و سایر اتحادیه‌ها را در محل نمایش (لاله‌زار) جمع‌آوری و هریکرا تحت فرمان منظم به اطراف لاله‌زار و درب نمایشگاه قراول گذاشت... نظمی از وضعیت آن شب بیمناک گردید، مراتب را به اطلاع رئیس دولت رسانید... عده‌زیادی پلیس سوار و پیاده و جمع بی‌شماری نظامی به حفظ انتظام مشغول گردید. جلوی گیشه را اسداله‌نوائی که از فدائیان اتحادیه بود، از اشخاص مظنون جلوگیری می‌کرد و فروش بلیط به مسئولیت آقای محمد پروانه بود. سالن نمایش کاملاً با شعارهای کارگری تزئین شده بود. نمایش "کاوه" شروع گردید. پرده اول به بقیه در صفحه ۹



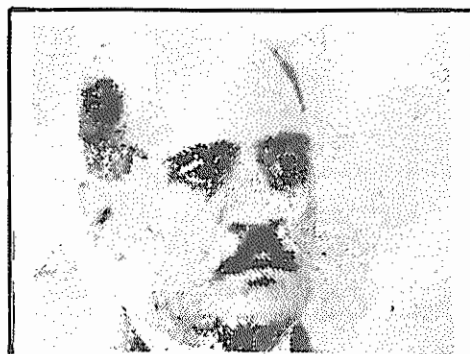
محمد پروانه
منشی اتحادیه کارگران چاپ و
نماینده اتحادیه مرکزی کارگران ایران



امامقلی بهرامی
منشی اتحادیه کارگران کفاش و نماینده
اتحادیه مرکزی کارگران ایران نمونه بارز
فداکاری صراحت گفتار و صداقت انقلابی



مهدی کیمرام
نماینده و مدیر اتحادیه کارگران کفاش و
نماینده اتحادیه مرکزی کارگران ایران
از بنیانگذاران "شورای متحده مرکزی"



محمد تقی ناصحی
نماینده کارگران دواساز و
نماینده اتحادیه مرکزی و مدیر مجله "جرقه"
مبلغ متعهد و پر شور جنبش سندیکایی

تکمیل گردید. نویسنده سه نسخه از آن کتاب ارجمند را نوشتم. تصور می‌کنم یک نسخه آن فعلاً نزد آقای لاهوتی خان (شاعر انقلابی) باشد و دو نسخه دیگر که در ایران بود، مانند سایر کتب و ادبیات سودمند در آتش بیداد سوخته و اثری از آنها موجود نمی‌باشد.

دهگان مدیر روزنامه "حقیقت" نیز بود. نوشته‌های او در این روزنامه، کینه و نفرت کارگران را علیه کارفرمایان برمی‌انگیخت و در عین حال خشم و وحشت کارفرمایان و حکام دولتی را موجب می‌شد. مانی می‌نویسد:

"مقالات این روزنامه مانند تیری به پهلو می‌ترسیدند و به هیچ عنوان نمی‌توانستند از انتشار روزافزونش جلوگیری و ممانعت نمایند. بالاخره مرحوم مدرس و همراهانش با کمک دولت در "پنج‌محل" تهران عده‌ای از اوباش و مردمان بیسواد و بارفروش‌های میدان و جمعی از کسبه مرتجع بازار را جمع کردند و "اتحادیه پنج‌محل تهران" را علیه روزنامه "حقیقت" تشکیل دادند مدتی جمعیت را برای سوزاندن روزنامه حقیقت تحریک و تشجیع می‌نمودند. تهیه حمله به "اتحادیه مرکزی" را می‌دیدند..."

آنها از هیچ کوششی برای ازهم پاشیدن اتحادیه‌های کارگری و تعطیل روزنامه "حقیقت" و دستگیری رهبران جنبش کارگری کوتاهی نمی‌کردند و سرانجام به کمک دولت موفق به توقیف روزنامه "حقیقت" شدند و فعالیت اتحادیه نیز توسط رضاشاه ممنوع اعلام گردید. پس از توقیف روزنامه "حقیقت"، دهگان که تجربیات و مطالعاتی در زمینه کشاورزی و خصوصاً کشت پنبه داشت، در مازندران به کشاورزی مشغول شد و بعد مدتی نیز در اداره پنبه‌همدان و خرم‌آباد کار کرد. ولی پس از چندی بخاطر دست‌بندی‌های اداری، دست از کار کشید و مدتی بعد به علت ابتلا به بیماری سل درگذشت.

بدین ترتیب جنبش کارگری نوپای ایران یکی از شایسته‌ترین رهبرانش را از دست می‌دهد. نام محمد دهگان به عنوان رهبر و پیشگام جنبش سندیکائی ایران و اولین نماینده کارگران ایران در انترناسیونال سوم در تاریخ پرافتخار جنبش کارگری ایران جاودان خواهد ماند.

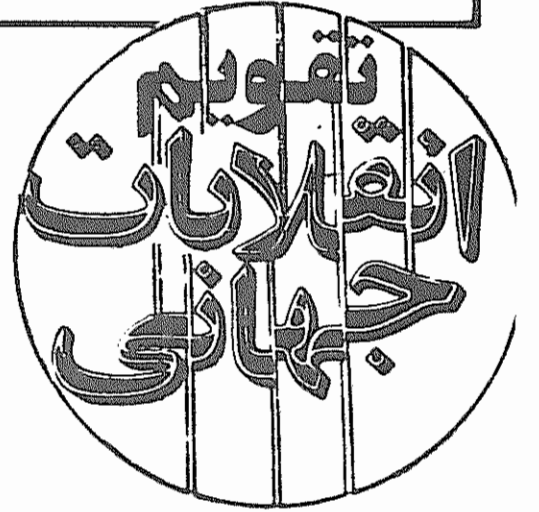
در کنار دهگان، فعالین دیگری نیز به مبارزه سندیکائی مشغول بودند. آنها در راس اتحادیه‌های اصناف خویش قرار داشتند، هر یک به انحاء مختلف تحت تعقیب و آزار و شکنجه قرار می‌گرفتند ولی به قول مانی همواره به جای آنکه "متنبه و پشیمان" شوند، در کارشان بیش از پیش تشویق و تحریض می‌شدند. ما ذیلاً نام برخی از این رهبران را ذکر می‌کنیم:

۱- باقرنوبی، محمد پروانه و عبدالحسین سادات گوشه‌ای نمایندگان اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران. این اتحادیه در راس اتحادیه‌های دیگر و در مقام رهبری آنها قرار داشت.

۲- مهدی حقیقت (کیمرام)، حسن مسگ -رزاده (بهرامقلی) و علی اکبر اسکافی نمایندگان اتحادیه کارگران کفاش تهران.

۳- شیخ‌رسول و میرزا عباسعلی نمایندگان اتحادیه کارگران نانوائی‌های تهران.

۴- محمد تقی ناصحی نماینده کارگران دواساز. وی مجله "جرقه" را به سبک نوینی منتشر کرد که خیلی زود توقیف شد.



به مناسبت ششمین سالگرد پیروزی
انقلاب شکوهمند ویتنام و فتح سایگون

ویتنام: پایگاه صلح و سوسیالیسم
در آسیای جنوب شرقی

۱۲ ایالت را به ویرانه بدل ساخته بود. راه‌های آهن و پل‌ها منهدم گشته و سیستم ارتباطات دریائی و رودخانه‌ای مختل شده بود. از کل تاسیسات آبیاری ویتنام، ۱۶۰۰ عدد از آنها نابود شده و صدها هزار هکتار از زمین‌های زراعی در اثر بمباران‌ها غیرقابل کشت شده بود. بطور کلی چنانکه جمع‌بندی کارشناسان ویتنامی نشان می‌دهد، ویتنام در اثر جنگ به اندازه دو برنامه پنج‌ساله آسیب دیده بود.

بنابراین ویتنام نوین با مشکلات بسیار جدی روبرو بود و این بار می‌بایست قهرمانی‌های بازهم بیشتری را در عرصه‌ای دیگر، عرصه کار و تولید از خود نشان دهد. اما حل تمام این مشکلات و غلبه بر تحریم اقتصادی کشورهای امپریالیستی و توطئه‌های مختلف آنها و بالاخره تامین شرایط لازم برای وحدت اقتصادی - اجتماعی دو بخش ویتنام به یک سمت‌گیری طبقاتی کاملاً مشخص و درک عمیق و علمی از مشکلات و نیازها بستگی

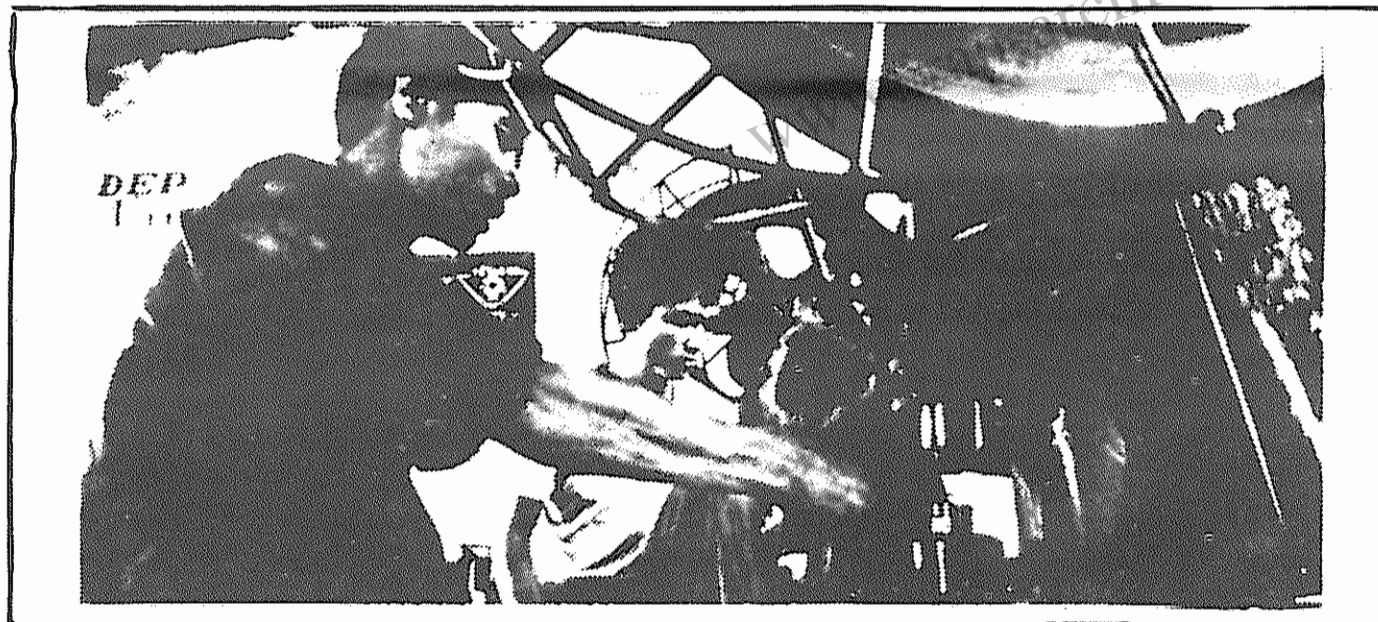
• مردم ویتنام پس از سی سال مبارزه قهرمانانه در راه استقلال ملی و سوسیالیسم تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام، سرانجام در ۳۰ آوریل ۱۹۷۵ رژیم امریکائی مستقر در ویتنام جنوبی را واژگون کردند. شکست امپریالیسم امریکا که قصد داشت ویتنام را یا در اسارت خود نگهدارد و یا به کلی نابودش سازد، یکبار دیگر پوسیدگی امپریالیسم را به مردم سراسر جهان و قبل از همه خود مردم امریکا، که تبلیغات دراز مدت و رنگارنگ امپریالیستی اذهان آنها را در هاله‌ای از افکار نژادپرستانه و شوونیستی فرو برده بود، نشان داد و سیاست خارجی امریکا را برای یک مرحله تاریخی کامل با بحران روبرو ساخت. تاثیر شکست امپریالیسم در ویتنام بر اذهان زحمتکشان امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی بقدری عظیم بود که از آن زمان به بعد، امپریالیست‌ها دیگر نمی‌توانند به سادگی و با خیال آسوده به مداخله مستقیم در کشورهای تحت ستم بپردازند. مخالفت گسترده زحمتکشان امریکا با کمک دولت امریکا به دار و دسته نظامی حاکم بر السالوادور موید این امر است. شکست امریکا در ویتنام همچنین در توده‌های شدن نهضت مخالفت با سیاست جنگ‌طلبانه امپریالیست‌ها و هواداری از صلح جهانی، تاثیر بسیار مهمی داشته است.

غلبه بر عواقب ناشی از
استعمار و جنگ

مردم و دولت ویتنام پس از به سرانجام رساندن موفقیت‌آمیز یک مبارزه طولانی، به از بین بردن عواقب ناشی از سالیان دراز سلطه استعمار و فئودالیسم و سالیان طولانی مداخله امپریالیستی و ساختن جامعه‌ای نوین، جامعه‌ای عاری از هرگونه ستم و استثمار پرداختند. مداخله امپریالیستی و نواستعماری در ایالات جنوبی ویتنام اثرات بسیار ناگوار و مخربی بر اقتصاد جنوب گذاشته بود. اقتصاد ویتنام جنوبی تنها به صورت زائده اقتصاد امپریالیستی وجود داشت. هیچ سیکل اقتصادی در هیچ رشته‌ای، تمام مراحل خود را در داخل کشور طی نمی‌کرد. بلایای اجتماعی ناشی از گذشته استعماری و جنگ نیز بر این نابسامانی اقتصادی افزوده می‌شد. پس از آزادی، بیش از یک میلیون دوره گرد و دست‌فروش در ویتنام وجود داشت، تعداد کارمندان دولتی نیز در همین حدود بود، از مجموع ۹/۵ میلیون جمعیت قادر به کار، تنها کمتر از ۵۰٪ در بخش تولیدی اشتغال داشتند و یک‌سوم از کل نیروی کار آن در بیکاری بسر می‌برد. چهارمیلیون بیسواد، ۸۰۰ هزار یتیم، حدود یک میلیون بیوه و ۵۰۰ هزار نفر معتاد، دزد و میراث شومی بود که رژیم امریکائی سایگون با همدستی اربابانش از خود برجای گذاشته بود. کشاورزی ویتنام نیز در اثر جنگ صدمات بسیار جدی دیده بود. بمباران به تمام شهرها آسیب رسانده بود و

مردم ویتنام معین کرد. ویتنام در چهارسالی که از کنگره گذشته، شاهد تلاش عظیم و سازنده‌ای از طرف مردم خود بوده است. در بخش کشاورزی که بخش عمده اقتصاد است، مساحت زمین‌های زیر کشت به میزان ۱/۵ میلیون هکتار افزایش یافته، ۱۲۸ مزرعه دولتی جدید احداث گشته و بر میزان تولید محصولات غذائی ۱۹/۵٪ افزوده شده است. صنعت نیز پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است. به عنوان نمونه، تولید برق به میزان ۱۵۰٪، تولید فولاد ۲۰۰٪ و تولید صنایع مهندسی حدود ۶۰٪ بیشتر شده است. اقدامات زیادی برای اصلاح ترکیب و تجدید سازماندهی تولید، توزیع مجدد منابع کار و استفاده صحیح‌تر از نیروهای تولیدی و از جمله منابع طبیعی به عمل آمده است. این موفقیت‌ها به‌ویژه وقتی برجسته و قابل ملاحظه می‌شوند که به خاطر داشته باشیم که ویتنام نوین در این فاصله از طرفی به خاطر حمله برتری‌طلبان پکن به آن کشور و از طرف دیگر به خاطر بلایای طبیعی و از جمله سیل‌های بی‌سابقه سال‌های ۷۸ و ۱۹۷۷ مجبور بوده است با مشکلات و مسائلی غیر از عواقب ناشی از گذشته استعماری و جنگ برخورد کند و بخش بزرگی از نیروی خود را به مقابله با این مشکلات اختصاص دهد.

در عرصه فرهنگی در حال حاضر بیسوادی بطور کامل از بین رفته است و ارتقاء سطح دانش و مهارت فنی عمومی، با اولویت دادن به کارگران و اشاعه فرهنگ انقلابی که بدون آن مبارزه با فرهنگ منحط نواستعماری و بورژوائی و فئودالی غیرممکن است با جدیت و سرعت تمام ادامه دارد.



ویتنام در عرصه جهانی

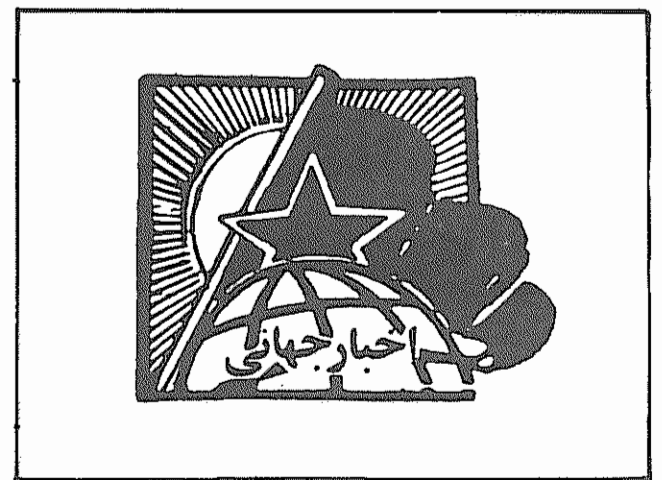
دستاوردهای مردم ویتنام، پیشروی هرچه بیشتر آنها را در راه سوسیالیسم و دفاع آنها از دستاوردهای خود در مقابل امپریالیست‌ها و برتری‌طلبان پکن، به تحکیم مواضع سوسیالیسم در منطقه آسیای جنوب شرقی کمک می‌کند. سیاست خارجی جمهوری سوسیالیستی ویتنام در منطقه، مبنی بر تبدیل این منطقه به یک منطقه صلح، اراده نیرومند مردم ویتنام در دفاع از دستاوردهای انقلاب خود و برای ساختمان سوسیالیسم در شرایط صلح را نشان می‌دهد. این سیاست از حمایت تمام نیروهای مترقی جهان برخوردار است.

مبارزه حماسی مردم ویتنام و پیروزی‌های آنها در تمام مراحل انقلاب و از جمله مرحله ساختمان سوسیالیسم به خوبی نقش عظیم و تعیین کننده حزب کمونیست را، حزبی که به مارکسیسم - لنینیسم

داشت و حزب کمونیست ویتنام که در کوران سالیان دراز مبارزه آبدیده شده بود، بخوبی توان آن را داشت که با تمام این مشکلات روبرو شود و آنها را بخوبی حل نماید.

کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام

ارگان‌های حکومت خلقی بلافاصله پس از رهایی جنوب، تدابیر مهمی اتخاذ نمودند تا زندگی اقتصادی و فرهنگی جنوب را بهبود بخشند و شرایط لازم برای اتحاد مجدد دو بخش ویتنام را فراهم سازند. مجلس ملی ویتنام متحد که در دوم ژوئیه ۱۹۷۶ با رای عمومی تشکیل شده بود، ایجاد جمهوری سوسیالیستی ویتنام را اعلام نمود. کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام منعقد در دسامبر همان سال نیز تبدیل ویتنام به یک کشور سوسیالیستی دارای صنعت و کشاورزی و فرهنگ پیشرفته، کشوری بهره‌مند از آخرین دستاوردهای علم و تکنولوژی و دارای قدرت دفاعی نیرومند را به عنوان وظیفه اساسی خود و



سالروز انقلاب افغانستان

در آستانه سالروز انقلاب افغانستان (۲۷ آوریل ۱۹۷۸) پیام شادباشی از جانب حزب دمکراتیک خلق افغانستان خطاب به خلق برادر افغانستان انتشار یافت. در این پیام از همه زحمتکشان و مردم دعوت شده است که تمام مساعی خود را بکار برند تا برنامه ایجاد جامعه‌ای عاری از استثمار فرد از فرد را عملی سازند. از سوی دیگر ببرک کارمل رهبر افغانستان طی نطقی از مردم افغانستان خواست که متحد و یکپارچه از دستاوردهای انقلاب شور دفاع کنند ببرک کارمل ضمن سپاسگزاری از کمک‌های بیدریغ و برادرانه شوروی یادآور شد که: "اگر این کمک‌ها نبود امروز افغانستان آزاد و مستقل وجود نداشت کارمل همچنین گفت:

"نیروهای ارتجاع بین‌المللی شامل امپریالیسم و برتری‌طلبان پکن در صدد ضربه‌زدن به انقلاب افغانستان می‌باشند". علی‌رغم تمام توطئه‌های ضدانقلابی، مردم افغانستان در طی سه سالی که از انقلاب می‌گذرد به پیروزی‌های چشمگیر دست یافته‌اند. امروزه قدرت فئودال‌ها و مالکین بزرگ‌از میان رفته است و دهقانان به زمین دست یافته‌اند و مدارس و بیمارستان‌های بسیاری در کشور گشوده شده است.

فیدل کاسترو:

((کوبا از تهدیدهای ریگان هراسی ندارد))

بیستمین سالروز شکست مقتضانه تجاوز ضدانقلابی آمریکا به کوبا با شکوه فراوان در این کشور جشن گرفته شد. در سال ۱۹۶۱ امپریالیسم

آمریکا به منظور سرنگون ساختن حکومت انقلابی کوبا بیش از ۱۵۰۰ تن از ضدانقلابیون کوبایی را که مدت‌ها در مراکز نظامی آمریکا تعلیم دیده بودند به خلیج خوکها گسیل داشت، لیکن بار دیگر توطئه درهم شکسته شد و خلق کوبا مشتی محکم بر دهان امپریالیسم کوبید. در مراسمی که به همین مناسبت در کوبا برپا گردید، فیدل کاسترو رهبر این کشور ضمن اشاره به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا گفت:

"امریکا صحبت از محاصره دریایی و احتمال حمله نظامی می‌کند، اما به نظر می‌رسد شکست حمله به خلیج خوکها را فراموش کرده است" او سپس گفت:

"کوبا از تهدیدهای ریگان هراسی بخود راه نمی‌دهد".

فیدل کاسترو سپس از کمک‌های شوروی به کوبا یاد کرد و گفت:

"طی ۲۰ سال گذشته هیچ‌موردی پیش نیامده که از شوروی تقاضای کمک کنیم ولی آن را دریافت نکنیم".

اعتصاب ۱۶ هزار معدنچی آمریکا

همچنان ادامه دارد

پس از گذشت قریب به یک ماه معدنچیان قهرمان آمریکایی همچنان در اعتصاب بسر می‌برند. بر اثر اعتصاب، تولید معادن به نصف رسیده است و علی‌رغم مذاکراتی که صورت پذیرفته نتیجه‌ای حاصل نشده است.

کارگران معدن که از پیشروترین بخش‌های جنبش کارگری آمریکا هستند در طی سالهای اخیر در چندین اعتصاب بزرگ شرکت جسته‌اند اعتصاب اخیر تنها بخش کوچکی از قدرت طبقه کارگر آمریکا می‌باشد که این چنین سرمایه‌داران را به لرزه درآورده است.

نام سیدمرتضی حجازی کارگر مبارز چاپخانه در میان فعالین این دوره جای ویژه‌ای دارد. پس از شرکت دهگان در کنگره جهانی سندیکاهای سرخ بنا به توافق کنگره، قرار بود هر ساله کارگرانی از ایران برای آموزش و کسب تجارب جدید، از جانب اتحادیه مرکزی کارگران ایران به شوروی اعزام شوند. سیدمرتضی حجازی از نخستین کارگرانی بود که در این رابطه به شوروی اعزام شد. مأمورین دولتی مدتی پس از سفر او به شوروی مطلع شده و برای بازگرداندن و مجازات او توطئه نمودند و از جانب مادر حجازی، تلگرافی جعلی برایش مخابره کردند به این شرح که "همسرت شدیداً بیمار است هرچه زودتر برگرد". مرتضی حجازی به مجرد بازگشت به ایران در بندر انزلی دستگیر شده و در سیاهچال‌های رژیم رضا خان محبوس می‌شود. مدتی بعد در اثر فشار و شکنجه‌های سخت زندان انفرادی به شدت بیمار شده و در زندان شهربانی جان می‌سپارد. مزدوران رژیم رضاخان حتی اجازه برگزاری مراسم عزاداری نیز به بستگان و دوستان وی ندادند. یاد سیدمرتضی حجازی کارگر شهید چاپخانه، مبارز ثابت قدم و فداکار جنبش کارگر-ری-سندیکائی ایران همواره زنده خواهد ماند.

سیدمحمداسماعیلی کارگر حروفچین نیز توسط مأمورین رژیم ددمنش رضاخان تحت شکنجه و آزارهای مداوم شجاعانه ایستادگی کرد و در دفاع از آرمان‌ها و اهداف طبقه کارگر به شهادت رسید.

جاودان باد خاطر شهیدای راه‌پرولتاریا
گرامی باد خاطر هر شکوه‌پیشگامان
جنبش سندیکائی ایران

بقیه از صفحه ۷

یادپیشگامان جنبش...

اتحادیه‌های محلی و فعالیت مرتجعین با همین کشیده به آخر رسید و دیگر تظاهری از آنان مشاهده نشد.

اما مخالفین اتحادیه‌ها و درراس آنها رژیم خودکامه رضاخان از هر فرصتی برای سرکوب اتحادیه‌ها و دستگیری رهبران آنها استفاده می‌کردند.

در ماه مه ۱۳۰۶ باقرنوابی و محمدپروانه از اتحادیه‌چاپخانه‌ها، مهدی‌کیمرام و حسین بهرامقلی و سلمان‌قالب‌تراش از اتحادیه کفاشان و... به جرم برگزاری جشن اول ماه مه عید کارگران جهان توقیف و زندانی شدند. در سال ۱۳۰۸ نیز پس از جشن اول ماه مه که در باغ معینیه برگزار شده بود، بازهم باقرنوابی، محمد پروانه، مهدی‌کیمرام و مسگرزاده بازداشت شده و به زندان محکوم گشتند. همچنین استادمیرزا علی‌طرفدار از اتحادیه بناها، میرزاباقر فخریان سیدمحمدیزدی و میرزاحبیب‌الله یزدانیان از اتحادیه پارچه‌بافان نیز در این رابطه زندانی شدند.

در کنار نام تمامی پیشروان و فعالین جنبش سندیکائی ایران که مختصراً شرح آن رفت بجاست از دو تن از شهدای کارگر نیز که در جریان مبارزات این دوره در سیاهچال‌های رژیم رضاخان جان سپردند، یادکنیم:

پایان رسید. ابتدای پرده دوم یک نفر از اوباش عربده بی‌موردی کشید که آقای نوابی مانند برق جهنده رسیده و با یک کشیده او را خفه کرد و با پس گردنی از سالن اخراجش نمود. خلاصه آنکه نمایش کارگران در کمال انتظام و نهایت شکوه خاتمه یافت و تیر مرتجعین در این موقع هم کاملاً به سنگ خورد و به مقصود پلید خود موفق نشدند. بازیکنان نمایشی که شرح آن رفت همگی از اعضای اتحادیه چاپخانه‌های تهران بودند. رضا قلی‌آرش عضو فعال اتحادیه نقش ضحاک، محمد دهگان نقش فریدون، اسداله‌نوائی نقش شهربان و... را بازی می‌کردند. در اینجا واقعه دیگری که منجر به ورشکستگی و تعطیل فعالیت اتحادیه‌های ارتجاعی محلی شد، قابل ذکر است: "نمایندگانی از همان اتحادیه پنج محل به نام شیخ حسن، ارادل را تحریک می‌کرد که روزنامه "حقیقت" را از روزنامه‌فروش گرفته و آتش بزنند. یک روز عده‌ای را برای حمله به اداره روزنامه "حقیقت" آماده کرده بود. در همان صحن مسجد شاه از دست آقای باقرنوابی یک کشیده مردانه خورد که از رو به زمین درافتاد!... چنانکه شهرت داشت این شخص به پهلوی گفته بود که با این ننگ که از دست کارگری در ملاء عام کتک خورده‌ام دیگر نوکری نمی‌کنم و بعد از این از خانه بیرون نمی‌آیم! خلاصه، عم—

گفتگویی با رفیق کارگر حاج قاضی تهرانی بمناسبت اول ماه مه



"کار" در مصاحبه‌ای که به مناسبت "اول ماه مه" با رفیق حاج قاضی تهرانی داشته است، به اعتبار سوابق مبارزاتی طولانی رفیق در جنبش کارگری - سندیکائی ایران، از وی خواست تا خاطراتش را از سنت‌ها و مراسم برگزاری اول ماه مه در ایران پس از سالهای ۱۳۲۰ شرح دهد.

س: رفیق حاج قاضی، به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه از شما می‌خواهیم که شمهای از خاطرات خود را در رابطه با سابقه برگزاری این عید کارگری در سال‌های گذشته برایمان بگوئید.

ج: قبل از آغاز سخن وظیفه خود می‌دانم فرارسیدن اول ماه مه، عید همبستگی بین‌المللی کارگران را به همه رفقا، به همه کارگران و زحمتکشان و به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) پرچمدار راستین طبقه کارگر ایران تبریک بگویم. من طی این گفتگو سعی می‌کنم ابتدا اشاره‌ای به ایجاد تشکلهای کارگری از سالهای ۱۳۲۰ به بعد بکنم و بعد به چگونگی برگزاری اول ماه مه در آن سالها بپردازم. چون سنت اول ماه مه در دوران دیکتاتوری رضاشاه تقریباً برای توده کارگران داشت فراموش می‌شدبار دیگر به همت تشکلهای کارگری این دوره سندیکاهای اتحادیه‌ها (احیاء گردید) بعد از تاسیس حزب توده و همچنین با بوجود آمدن اتحادیه‌های کارگری در بعضی از مراکز بزرگ صنعتی بتدریج دوتشکل مهم کارگری شکل گرفت یکی "اتحادیه کارگران و زحمتکشان" بود که بیشتر زیر نفوذ حزب توده بود و رهبری این اتحادیه را نیز رضا روستا به عهده داشت که نشریه‌ای هفتگی به نام ظفر را منتشر می‌کرد. دیگری اتحادیه‌ای بود به نام "اتحادیه کارگران و کشاورزان" که رهبر آن "یوسف افتخاری" بود و نشریه‌ای به نام "گیتی" منتشر می‌کرد که صاحب امتیازش "خلیل انقلاب" (خلیل آذرفعلی وکیل دادگستری) بود. یوسف افتخاری از فعالین اعتصاب معروف ۱۳۰۸ نفت جنوب بود که با "آردش اوآسیان" (آردشیر) و "علی امید" و چند تن دیگر توسط رژیم رضاشاه دستگیر شدند و تا شهریور ۱۳۲۰ در زندان بودند. از اواخر سال ۲۰ و اوایل سال ۱۳۲۱ کوشش‌های بسیاری از طرف رهبران این دو اتحادیه به عمل آمد تا مرکز واحدی به وجود آورند و اول ماه مه را نیز مشترکاً برگزار نمایند. سرانجام این کوشش‌ها به ثمر رسید. این دو مرکز کارگری با یکدیگر متحد شده و تحت عنوان "شورای متحده کارگران و زحمتکشان ایران" اعلام موجودیت کردند. در آن سال، اول ماه مه با شکوه و شادی بسیار برگزار شد. در سالهای بعد هم مراسم اول ماه مه با شکوه هرچه تمام‌تر از طریق برگزاری میتینگ در کلوپ‌ها و بخصوص کلوپ اول ماه مه و همچنین دمنستراسیون‌های بزرگ که در آنها خواست‌های صنفی - سیاسی کارگران اعلام می‌شد، برگزار می‌گردید. کلوپ اول ماه مه قبل از نام‌گذاری به این نام، در دست اطرافیان سیدضیاء فرامسون معروف بود که به وسیله کارگران عضو "شورای متحده مرکزی" تصرف شد. بطوریکه از فعالین کارگری در زمان رضاشاه شنیدم این محل در سالهای قبل از ۱۳۱۰ نیز به همین اسم (اول ماه مه) نامیده می‌شد.

معمولاً پس از برگزاری میتینگ‌ها و

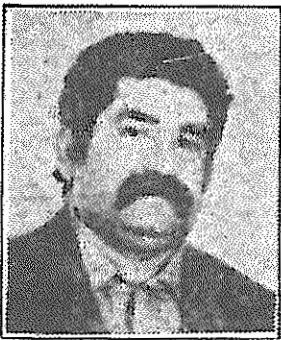
می‌کردند. لیدر حزب ملیون، "اقبال" و لیدر حزب مردم، "علم" (غلام خان‌زادشاه) بودند. شاه می‌خواست با تشکیل این حزب‌های فرمایشی و با نفوذ عوامل خود در درون تشکلهای کارگری جنبش کارگری را به انحراف بکشاند. عوامل حزب "مردم" نظیر دکتر "محمدباقری"، "پرویز خانلری"، "عبدالرسول پرویزی"، "جلال جهانمیر" "مقدم مراغه‌ای"، "نعمت‌الهجهانبانویی" (صاحب امتیاز مجله فردوسی)، "صمدنامور" و "صاحب دیوانی" و عده‌ای دیگر با تبلیغ این مسئله که دیگر بگیر و ببندها تمام شده و می‌شود، سندیکا و اتحادیه تشکیل داد. به محیط‌های کارگری و روشنفکری می‌رفتند و با این مانور سعی داشتند از ایجاد سندیکاهای مستقل که در سالهای احیای نسبی جنبش سندیکائی (۴۲ - ۱۳۳۷) شرایط مناسبی برای شکل‌گیری آنها به وجود آمده بود، جلوگیری کنند. در همان سالها تعدادی سندیکای فرمایشی (وابسته به احزاب فوق) به وجود آمد. البته چند سندیکای مستقل نیز تشکیل شد و به مبارزه صنفی - سیاسی پرداخت.

در آن سالها مجدداً روز اول ماه مه در بسیاری از مراکز کارگری جشن گرفته شد. البته این مراسم دیگر جنبه سراسری و همگانی نداشت. در آن سالها یک مرکز واحد که سندیکا را متحد کند وجود نداشت. در اینجا لازم است از رفقای شهیدمان اسکندرصادق نژاد و جلیل انفرادی ذکر خیری بنمائیم. در آن دوره، اسکندر مسئول کمیسیون تبلیغات و جلیل در یک دوره دبیر سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک بود. پس از سرکوب و کشتار جنبش ۱۵ خرداد ۴۲ و اختناق شدید پس از آن، هیئت حاکمه روز اول ماه مه را که جزو تعطیلات رسمی کارگران در قانون کار بود لغو کرد و بجای آن روز ۲۴ اسفند (روز تولد رضا شاه) را روز کارگر اعلام کرد! البته کارگران مبارز و آگاه همه‌ساله این روز را به طرق مختلف جشن می‌گرفتند تا اینکه بالاخره رژیم مزدور شاه نیز دو سال قبل از سرنگونی‌اش، زیر فشار مجامع داخلی وجهانی مجدداً اول ماه مه را به عنوان روز کارگر به رسمیت شناخت ولی این بار "حزب رستاخیز" با مسخرگی بسیار و با کمک دلقک‌هایش نظیر "عباس میرزائی" (معروف به شیخ فاشیست) این مراسم را در استادיום صدهزار نفری برگزار می‌کرد. یک چیز دیگر را که می‌خواستم یادآوری کنم، این بود که اولین قانون کار در سال ۱۳۲۴ پس از مبارزات کارگران و به‌ویژه اعتصابات کارگران نفت جنوب (۲۳ تیرماه) تدوین شد و همچنین در آن، روز اول ماه مه به عنوان تعطیلی رسمی کارگران اعلام گردید.

س: برگزاری مراسم اول ماه مه امسال به نظر شما باید از چه خصوصیات برخوردار باشد؟ نقش کارگران در این رابطه چیست؟

ج: همانطور که می‌دانید، طبقه کارگر ایران بخصوص کارگران صنعت نفت از پیش از قیام بتدریج با تشکیل شوراها و سندیکاها فعالیت انقلابی و مبارزه طبقاتی خود را گسترش دادند و دوشادوش مردم قهرمان ایران مبارزه ضد دیکتاتوری و ضدامپریالیستی را عمیق‌تر کردند. در این میان نکته شایان توجه این است که

دمنستراسیون‌ها، مردم به دشت‌ها و باغات اطراف تهران می‌رفتند و سراسر روز را با شادی و سرور می‌گذراندند. در این روز کارگران با پیمان اتحادیه‌های تازه‌تر میان خود، همبستگی‌شان را مستحکم‌تر می‌کردند. تا سال ۱۳۲۵ کارگران و زحمتکشان نسبتاً آزادانه مراسم روز کارگر را برگزار می‌کردند. از سال ۱۳۲۵ به بعد، به خاطر هجوم نظامی دولت قوام به آذربایجان و کردستان و به دنبال آن سرکوب سازمان‌های دمکراتیک در تمام ایران، روز اول ماه مه به وسعت سال‌های قبل برگزار نشد. البته کارگران و زحمتکشان کماکان از طریق پخش اعلامیه‌ها و تشکیل اجتماعات محدود، این روز را ارج می‌نهادند و جشن‌هایی برپا می‌کردند. پس از اولین ترور محمدرضاشاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و غیرقانونی شدن حزب توده، مراسم اول ماه مه هم با مشکلات بیشتری روبرو شده و از طرف تشکلهای کارگری مبارز (سندیکاها) بطور مخفی و نیمه مخفی برگزار می‌شد. اما بتدریج با اوج‌گیری جنبش نفت و مخالفت روزافزون مردم مبارز ایران و بخصوص کارگران مبارز نفت با تجدید قرارداد استعماری "گس - گلشائیان" در سال ۱۳۲۸، جنبش کارگری نیز رو به گسترش نهاد. تشکلهای سندیکائی از نو شروع به فعالیت نمودند. در سال ۱۳۳۰ سندیکاهای کارگری تحت نام "هیئت متولفه سندیکا" مراسم باشکوه اول ماه مه را برگزار کردند. بجاست در اینجا یادای از "نقی باقری" نماینده شجاع و پیشرو کارخانه دخانیات بکنم که در آن سالها در متحد نمودن کارگران در سندیکاها تاثیر شایان توجهی داشته است. یادش همواره در خاطره کارگران رزمنده و انقلابی جاویدان باد. از سال ۳۰ تا ۳۲ هم جشن اول ماه مه باشکوه تمام در سراسر شهرها و حتی برخی از روستاهای ایران نیز برگزار شد. از آن سالها که اوج اعتلاء جنبش ضدامپریالیستی و ملی مردم میهنمان بود، شرایطی به وجود آمده بود که امکان رشد و تکامل تشکلهای کارگری افزایش یافته بود. در این شرایط روز اول ماه مه به عنوان "عید کارگران سراسر جهان" حتی برای بسیاری از زحمتکشان روستاها هم روز شناخته شده‌ای بود و مردم مبارز و زحمتکش، این روز را گرمی می‌داشتند. البته باید یادآوری کنم که در آن سالها هم این مراسم برزگداشت بدون درگیری و برخورد تمام نمی‌شد. مثلاً درگیری و کشتار کرمانشاه در اول ماه مه یکی از آن نمونه‌ها است. پس از کودتای شاه و زاهدی که با پول و نقشه امریکا صورت گرفت، سرکوب نیروهای ملی و ضداستعماری شروع شد. تشکلهای کارگری ضربات سختی خوردند و رهبران آنها اعدام، زندانی و یا تبعید شدند. تا سالها، حکومت کودتا مانع از برگزاری مراسم اول ماه مه شد. سرکوب آن سالها و اختناق حاکم بر جامعه موجب می‌شد که رژیم شاه با هرگونه فعالیت صنفی - سیاسی کارگران و زحمتکشان به شدیدترین وجه مقابله نماید. تا سال ۱۳۳۶ این وضعیت همچنان ادامه داشت. در اواخر سال ۱۳۳۵ که بتدریج جنبش کارگری نفسی تازه کرد و نطفه‌های تشکلهای تازه‌ای بسته شد، شاه دستور تشکیل دو حزب فرمایشی به نام‌های "ملیون" و "مردم" را داد. ملیون رل اکثریت و مردم رل اقلیت را بازی



گفتگوئی با رفیق کارگر ناصر خاکسار بمناسبت اول ماه مه

ما به اتفاق ۶ نفر دیگر از کارگران به عنوان مسئولین اعتصاب ۵ مقرر حکومت نظامی بردند و ما موج دستگیری کارگران دیگر و احدها را دیدیم، شوق و غرور، همه وجود ما را فراگرفت. می دیدیم که چگونه همبستگی و حرکت کارگران ایران به نیروی عظیم و تاریخ ساز بدل می شود. بدون این حرکت، بدون این شرکت فعال کارگران ایران یقیناً انقلاب نمی توانست پیروز شود.

س: موقعیت و شرایط انقلاب ایران و وضعیت جنبش طبقه کارگر و وظایف آن را در شرایط کنونی چگونه می بینید؟

ج: انقلاب ما اکنون مرحله طوفانی و سرنوشت سازی را می گذراند. تاکنون ما با توطئه های رنگارنگی از جانب غارتگران جهانی روبرو بوده ایم. این توطئه با هشیاری مردم ما تاکنون خنثی شده است. ولی امپریالیسم به ویژه روی سلاح تفرقه و نفاق میان نیروهای انقلاب اصرار دارد. پس از اینکه سعی کردند مردم را به اسم بادین و بی دین از هم دور کنند، همانطور که در کنفرانس طائف شنیدیم، به فکر جدائی سنی و شیعه و جنگ حیدری و نعمتی افتادند. اکنون موقعیت ما قبل از هر چیز اتحاد همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را طلب می کند. هشیاری و اتحاد ما، همه دشمنان را به گور خواهد سپرد.

در مورد وظیفه کارگران نیز باید بگویم که این وظیفه ای بسیار سنگین است. حفظ انقلاب و حرکت به طرف پیشرفت اجتماعی از جانب طبقه کارگر تنها در شکل های آن یعنی سندیکاها واقعی و شوراها عملی می شود. ما باید در این زمینه و تسریع سازمان یابی طبقه کارگر کوشش بیشتری بکنیم.

به هر حال زندگی در این ۳۸ سال کار به من آموخته است که چرخ تاریخ در دستان ماست. انقلاب در سایه تلاش ما کارگران و زحمتکشان به این مرحله رسیده و برای آنکه به پیروزی نهائی دست یابیم، سازمان یابی و تشکلهای ما مهم ترین نقش را دارد. مهم ترین این تشکلهای ما هم حزب طبقه کارگر است. طبقه کارگر خواهان حزبی است انقلابی که بتواند مبارزات او را سازمان دهد و اعتماد سایر اقشار و طبقات خلق را به او جلب کند و در عرصه پیچیده مبارزه طبقاتی رزمنده و استوار پیشاپیش خلق برای تحقق آرمان زحمتکشان بکوشد. آرزوی من و تمامی کارگران، این است!

سعی می کردیم قبل از هر چیز، کار آگاه گرانه بکنیم. برای کارگران بخصوص کارگران جوان توضیح دهیم که اول ماه مه چه روزی است. بعد سعی می کردیم کارگاه را تعصیل کنیم و یک سخنرانی های موضعی و کوتاه انجام می گرفت. مثلاً سال ۴۹ که به نصب تلمبه خانه های شهرهای کرمانشاه و نفت شاه سابق و پل ذهاب کردند مشغول بودیم، به وسیله گروه کثیری از کارگران جنوب، جشن اول ماه مه به همان شکلی که گفتم، انجام شد.

س: لطفا اشاره ای به نقش طبقه کارگر در سرنوشتی رژیم شاه بکنید:

ج: در این مورد باید بگویم که مسئله را باید قدری وسیع تر دید. در عصر کنونی که عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است، ما هیچ قیام و انقلابی را از مناسبات جهانی اش نمی توانیم جدا کنیم: فریاد خشم ما کارگران و زحمتکشان ایران در دوران انقلاب ضد امپریالیستی میهنمان در فریاد ستم دیدگان و کارگران دنیا گره خورد. هم اکنون نیز این فریاد از گوشه و کنار جهان از نیکارا گوه، السالوادور، ایرلند، افریقا و آسیا بلند است. فریاد رزمندگان فلسطینی و صحرا و همه مبارزان جهان که خواب خوش از چشمان امپریالیسم جهانی ربوده است. ما همه یک هدف واحد داریم. ما کارگران ایران خودمان را جدا از کارگران ویتنام و شوروی، کوبا و شیلی، فرانسه، امریکا، انگلیس، مصر و... نمی دانیم. پیروزی آنها پیروزی ما و مشکلات آنها مشکلات ماست. به وضعیت کارگران ایران قبل از انقلاب کاملاً واقف هستیم. صنایع مونتاز، ظلم، حق کشی، زورگوئی، اداره های حفاظت ساواک، کپرنشین و خانه خرابی و همه مصائبی که شاهد بودید. این مسائل آن عواملی بود که علیرغم سرکوب خشن پلیسی، بتدریج اعتراضات و حرکات خودانگیخته کارگری را باعث شد. حرکاتی که هر روز شتاب بیشتری می یافت. در ماه های قبل از قیام نقش طبقه کارگر دیگر کاملاً محسوس بود. می دانید که اقتصاد و درآمد ما تا چه میزانی به نفت بستگی داشت. اعتصاب کارگران نفت، امپریالیسم و رژیم شاه را واقعا به هراس انداخت. پایه های رژیم را لرزاند. گلوی رژیم هنگامی بیشتر فشرده

شد که اعتصابات کارگری، سراسری شد. یاد می آید آن روزها در صنایع فولاد اهواز بودم و فریاد هزاران کارگری را که با نفرت، خواهان آزادی زندانیان سیاسی بودند، می شنیدم. وقتی

رفیق کارگر ناصر خاکسار با ۳۸ سال سابقه کار در نفت، پتروشیمی، کارخانه های قند، تلمبه - خانه های نفت، اسکله و... بهشتوانه سالها مبارزه پیگیر و مداوم با رژیم شاه و امپریالیسم را نیز با خود دارد. نقش ارزنده رفیق در مبارزات اعتصابی کارگران صنایع فولاد اهواز در زمان اوج گیری جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران و نیز فعالیت موثر رفیق در شکل گیری و فعالیت سندیکای کارگران پروژه های آبادان بیانگر تداوم فعالیتها و تلاش های خستگی - ناپذیر رفیق است. به مناسبت اول ماه مه پای صحبت او می نشینیم:

س: با توجه به جشن اول ماه مه روز جهانی کارگر که در پیش است، ممکن است توضیح دهید که در سالهای گذشته و رژیم اختناق این جشن چگونه برگزار می شد؟

ج: قبل از پاسخ دادن به این سؤال لازم می دانم که جشن اول ماه مه روز همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را به تمامی کارگران و زحمتکشان ایران تبریک بگویم و پیروزی های هر چه بیشتر و عظیم تری را برای آنان آرزو کنم و اما در مورد سؤال، اول ماه مه شاید هر کارگری را بخصوص ما کارگران قدیم را به گذشته و به سالهای دور می برد که شاهد طوفان های گذرا و آرامشی توام با درد و ستم و نیز فریادهای در دل تاریکی برای شکستن سکون و سکوت بوده ایم و بالاخره این روز یادآور خروش اقیانوس مانند خلقهای ایران در انقلاب بهمن ماه است که کاخ های ستم رژیم ددمنش را سرنگون ساخت. ما کارگران هر روزمان و هر حرکتیمان، مبارزه ای بود برای رهائی. ما در هر جا و هر کارخانه که بودیم و هر کجا که امکان ساده ای به دستمان می رسید، تمام تلاشمان را در جهت وحدت و همبستگی، برای مبارزه با توطئه کارفرمایان و در جهت گرفتن خواسته های صنفی به کار می بردیم. روز اول ماه مه منجمه روز مناسبی بود. من به سالهای قبل از ۳۲ که حدوداً می شد آزادانه جشن را برگزار کرد، اشاره ای نمی کنم ولی پس از کودتا تا مدت ها فشار پلیسی روی کارخانه ها بسیار شدید بود. این فشار به اضافه پراکندگی صفوف کارگران، و نبود تشکلهای واقعی کارگری باعث شد که جشن اول ماه مه به شکل خاصی برگزار شود. به اشکال موضعی و محدود. تبه علنی و بخصوص مخفی و تازه این بیشتر در کارخانه های بود که کارگران قدیمی در آن کار می کردند. ما در این سالها

توضیح دهند. این کاریست خطیر که به زمان نیز احتیاج دارد. به نظر من در شرایط کنونی مهم ترین وظیفه کارگران متحد شدن در سندیکاها مستقل و شوراها انقلابی و کوشش در راه تجهیز به آگاهی طبقاتی است. این آگاهی و تشکل، آنچنان سلاخی است که می تواند طبقه کارگر را در حفظ دستاوردهای انقلاب و تامین منافع طبقاتی اش و مبارزه علیه امپریالیسم، متجاوزین عراقی و عوامل و مزدوران رژیم گذشته و همچنین لیبرالهای سازشکار و ورشکسته ای که جاده صاف کن امپریالیسم اند، پیروز گرداند.

پیروز با دهمبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان

شاه فراهم آمد. اینجاست که بایستی به نیروی تعیین کننده و لایزال طبقه کارگر ایران پی برد و ارج شایسته و در خور آن را بدان داد و بیش از پیش درصد ارتقای سطح آگاهی، تشکل و توان مبارزاتی آن برآمد. یکی از وسائلی که می تواند به تشکل طبقه کارگر کمک نماید، همگامی و هماهنگی تشکلهای کارگری در برگزاری و بزرگداشت هر چه پرشکوه تر جشن اول ماه مه است علاوه بر این بایستی عناصر پیشقراول طبقه کارگر در محیط های کارگری تبلیغ وسیعی را در شناساندن این روز تاریخی و این سنت انقلابی به عمل آورده و ضرورت تحکیم اتحاد و پیوند همسه کارگران و زحمتکشان را با بردباری انقلابی

بقیه از صفحه ۱۰

گفتگو...

رفیق حاج قاضی تهرانی

با وجود اینکه ماهها نیروهای غیرپرولتاری شهری به میدان مبارزه آشکار با رژیم قدم گذاشته بودند، ولی نتوانسته بودند موجبات واژگونی قطعی دستگاه جهانی پهلوی را فراهم آورند ولی با پیوستن نیروی یکپارچه و نیرومند طبقه کارگر انقلابی ایران به جنبش، شرایط سقوط قطعی رژیم

روز معلم

و سالگرد شهادت خانعلی گرامی باد

● معلمان همچون سایر مردم تحت ستم میهن سالهای سال زیر فشار امپریالیسم و رژیم سرسپرده پهلوی بسر بردهاند. معلمان در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دستنشانده آن نقشی بسزای مهم ایفاء کرده و امروز نیز به عنوان بخش وسیعی از روشنفکران و کارکنان فکری جامعه انقلابی ایران مسئولیتی هم بر عهده دارند ما ضمن گرامیداشت ۱۲ اردیبهشت وتهنیت به معلمان سراسر میهن به مناسبت این روز، روند مبارزات معلمان را قبل و بعد از انقلاب به اختصار مرور می کنیم. برای این منظور ابتدا مبارزات صنفی - سیاسی معلمان، سپس تلاش آنان در مدرسه و کلاس و آنگاه مساله پاکسازی آموزش و پرورش را مرور خواهیم کرد.

مبارزات صنفی - سیاسی معلمان

از سال ۳۸ به بعد، با توجه به تشدید تضادهای درون جامعه از جمله بالا گرفتن تضادهای درونی جناح های وابسته حاکمیت، جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه وسیعی در سطح جامعه تدریجا رو به گسترش نهاد. کارگران و زحمتکشان شهری هر روز فشار بیشتری بر کرده خویش احساس می کردند و دهقانان که بیش از نیمی از جمعیت کشور ما را تشکیل می دادند زیر یوغ فئودالها و مالکان بزرگ در فقر و نکبتی خردکننده فرو می رفتند خفقان و از آن بالاتر فشار اقتصادی، معلمان زحمتکش را نیز به نوبه خود بستوه می آورد. بر بستر چنین زمینه های از سال ۳۹ بدین سو معلمان با شعارهای صنفی - اقتصادی وارد میدان شدند و مبارزات آنان رفته رفته شکل جمعی و مشخص تری بخود گرفت.

در این هنگام، آنان نه گنجینه سرشاری از تجارب مبارزاتی گذشته در اختیار داشتند و نه از تشکل و سازماندهی ورهبری کارآمد و آبدیده ای برخوردار بودند. در نتیجه، مبارزات آنان در آغاز کار تا حدود زیادی

جنبه خودانگیخته داشت و عمدتا در مطالبات اقتصادی و در راس آن ترمیم حقوق خلاصه می شد.

سرانجام روز ۱۲ - اردیبهشت معلمان با شعارهای صنفی اقدام به راهپیمایی می کنند و در پایان راهپیمایی در میدان بهارستان گرد می آیند. پلیس برای متفرق کردن معلمان و دانشجویان و دانش آموزانی که به حمایت از معلمان گرد آمده بودند اقدام به تیراندازی می کند و در این میان سرگرد شهرستانی فرمانده مزدور پلیس، معلم مبارز دکتر ابوالحسن خانعلی را در حال سخنرانی هدف گلوله قرار می دهد و به شهادت می رساند. اما علیرغم این حمله ددمنشانه رژیم به اجتماع مسالمت آمیز معلمان، مبارزه آنان نه تنها فروکش نمی کند بلکه بر عکس اوج تازه ای می یابد. آنها با شعار "معلم نان می خواهد نه گلوله" دست به راهپیمایی می زنند و مدارس به پشتیبانی از آنان یکپارچه تعطیل می شود.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز در طول این مدت معلمان حق طلب را همراهی می کنند و به افشای اعمال جنایتکارانه رژیم ادامه می دهند و بدین ترتیب سقوط کابینه شریفامامی تسریع می گردد و دولت امینی مزدور بر سر کار می آید. درخشش که در راس "جامعه معلمان" قرار دارد و تا آن لحظه از انقلابی نمانی، و خنجر از پشت زدن به معلمان فروگذار نکرده است، روز ۲۲ - اردیبهشت در باشگاه مهرگان برای معلمان سخنرانی می کند و فریبکارانه اعلام می دارد که مبارزات معلمان تنها و تنها جنبه صنفی و رفاهی داشته و هر شعار دیگری جز این زیر سر اخلاط لگران است. درخشش و شرکا با تمهیدات رنگارنگ و از جمله تاکید بر

این نکته که دولت به افزایش حقوق معلمان گردن نهاده است به اعتصاب پایان می دهند.

طرح افزایش حقوق معلمان که زیر فشار مبارزات آنان در کابینه قبلی توسط مجلس به تصویب رسیده بود، با روی کار آمدن امینی، این مهره کهنه کار آمریکا و با همدستی درخشش به دو بخش تقسیم شد و پرداخت نیمی از آن به تأمین بودجه ششماهه دوم موکول گردید.

به دنبال این تجربه ماهیت لیبرالی و سازشکارانه درخشش و دارو دسته وی در پیش توده معلم آشکار گردید اما رکود عمومی جنبش توده های و فشار دیکتاتوری لجام گسیخته رژیم، مجال تشکل معلمان را بیش از پیش

خویش می کردند، هیچگاه از یادها زدوده نخواهد شد.

سال ۵۶ همزمان با شروع فصل نوین از مبارزات قهرمانانه خلق های ایران علیه رژیم سرسپرده پهلوی، معلمان مبارز و انقلابی نیز جوش و خروش تازه ای آغاز می کنند آنان با شور مبارزاتی میلیونها دانش آموزی رویارو می شوند که با اتکاء به جنبش توده ها قاطعانه مصممند که از آموختن فرهنگ رژیم "آریامهری" سرباز زنند و مدرسه را به سنگری برای مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم مبدل نمایند.

با آغاز سال ۵۷ در بسیاری از شهرها و روستاها، معلمان آگاه و مبارز دوشادوش نیروها و روشنفکران انقلابی و ضد -

خاطره تابناک معلمانی که در اوج اختناق و دیکتاتوری، کودکان و جوانان وطن را با دانش نوین و علم مبارزه آشنا می ساختند، هیچگاه از یادها زدوده نخواهد شد.

محدود ساخت. از سال های ۴۲ تا ۵۶ معلمان مبارز در گوشه و کنار مملکت، از مدارس کوره دهات گرفته تا شهرهای بزرگ به اشاعه دانش و آگاهی و از این طریق به ایجاد پیوند استوار با توده های زحمتکش می پرداختند. معلمان انقلابی بر حسب درک و توان خویش از اشکال گوناگون مبارزه بهره می گرفتند. و با ایثار و فداکاری در راه ساختن ایرانی مستقل و آزاد و رها از فقر و جهل به جان می کوشیدند. خاطره تابناک معلمانی چون صمدبهرنگی، مرضیه اسکویی و... خاطره معلمانی که در ظلمت اختناق و دیکتاتوری، کودکان و نوجوانان وطن را با دانش نوین و علم مبارزه آشنا می ساختند و آگاهی را روشنی بخش خانه های محقر و نقاط دور و نزدیک میهن

ایدئولوژی و مشی سیاسی به خصوص، بلکه اساسا حول مطالبات صنفی سیاسی صنف معلم و در جهت ارتقاء آگاهی توده این صنف صورت می گیرد. براین اساس ضروری است که اصول عام اتحادیه ها یعنی توده های بودن، به صنف معینی تعلق داشتن، علنی و حتی الامکان قانونی بودن مورد توجه کامل قرار گیرد. کانون مستقل معلمان تهران که اساسنامه و پراوتیک سیاسی آن سرمشق کانونهای مشابه معلمی و کارمندی سایر شهرستانها قرار گرفت برعم تلاش صادقانه و راهجویانه بسیاری از گردانندگان و فعالین آن سرآغاز حرکتی انحرافی در زمینه ماهیت و عملکرد کانونهای دمکراتیک و اتحادیه صنفی معلمان گشت.

در پیچ و خم های حرکت کانون، معلمان پیشگام با جمع بندی و پندگیری از خطاهای گذشته به درک روشن تری از محتوای نادرست کانون دست یافتند. و به موازات آن نسبت به مضمون و حد و مرز یک اتحادیه واقعی شناخت همه جانبه تری پیدا کردند. و بدین ترتیب صف خود را از نیروهای چپ روکه با برداشتی سطحی و آنارشستی از اتحادیه، کانون را جولانگاه فرقه گرایی و سیاست بازی می خواستند، جدا کردند. اما گذشته کانون و اثرات سویی که ذهنیت معلمان به جای نهاده بود و از سوی دیگر وضعیت و عملکردهای جاری آن، چیزی جز بن بست و سقوط برای آن باقی نمی نهاد. بدین لحاظ ترک کانون به عنوان صحیح ترین و شایسته ترین راه پیش روی پیشگامانی قرار گرفت که هرگز و در هیچ شرایطی نمی خواهند وابستگی به اشتباهات گذشته را جایگزین پایبندی به اصول و حقانیت منافع توده ها نمایند.

ادامه دارد

بسط روابط اقتصادی با رژیم امریکایی ترکیه، به زیان انقلاب ایران است

انجام گیرد (انقلاب اسلامی ۱ - اردیبهشت). اما کیست که نداند چنین تفاهمی بین انقلاب ایران و یک رژیم نظامی که در سایه سیاست امپریالیستی احاطه انقلاب ایران قدرت را به دست گرفت ممکن نیست.

در مراسم امضای پروتکل بازرگانی بین دو کشور اعلام شد که دو کشور برای همکاری های نزدیک در ایجاد طرح های مشترک برای راه اندازی کارخانجاتی که بکار افتاده اند توافق کرده اند. به اعتقاد ما این چاره خروج از مشکلات اقتصادی کنونی (و از جمله تراکم راه های ورودی کالا) نیست، بلکه درست در جهت مخالف مصالح انقلاب است.

روابط اقتصادی را باید با کشورهای که در شرایط محاصره اقتصادی ایران از جانب امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا درکنار ایران ایستادند گسترش داد. تنها چنین سیاستی است که به سود انقلاب و تحکیم و تعمیق آن است.

خود را برای ایران تضمین می کند (انقلاب اسلامی ۱ - اردیبهشت) بیانگر برداشت خوشباورانه ای نسبت به مسئله است. چنین تضمینی در رابطه با امپریالیسم و رژیم های سرسپرده آن نمی تواند پایدار و قابل اطمینان باشد. امپریالیسم جهانی عدم پایبندی خود به قوانین بین المللی را در اقدام به مسدود کردن سپرده های بانکی ایران و خودداری از تحویل کالاها و تسلیحات خریداری شده مابه روشنی نشان داد و نیازی به آزمون مجدد تضمین های آن کشورها نیست. امپریالیستی یک دشمنی خود را با انقلاب ایران به اثبات رسانیده اند و توسعه روابط همکاری اقتصادی با آنها و رژیم های سرسپرده شان به صلاح انقلاب نیست.

پاسخ حسین نمازی "وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران به وزیر بازرگانی ترکیه درست است که مسائل اقتصادی و سیاسی از هم جدا شدنی نیستند و گسترش روابط اقتصادی و سیاسی ایران و ترکیه طبعاً بر اساس تفاهم سیاسی بین دو کشور باید

فعالیت های اقتصادی در ترکیه به حقیقت نزدیک باشد"

(جمهوری اسلامی ۳۰ فروردین ۱۳۶۰)

وی همچنین در مراسم امضای پروتکل بازرگانی ایران و ترکیه اظهار داشت:

"مذاکرات این چند روز نشان داد که علائق دو کشور برای ادامه همکاری در یک مسیر است و هیچ نوع اختلاف سلیقه وجود نداشت و این نشان دهنده آن بود که دو ملت زیر سایه اسلام فکر می کنند... امضای این پروتکل مشروع خواهد بود و بعد از امضای این پروتکل در آینده می توانیم روابطمان را بیش از پیش توسعه دهیم"

(انقلاب اسلامی ۳ - اردیبهشت ۱۳۶۰)

این اظهار امیدواری ها نسبت به رژیمی که با کودتای نظامی و به قصد تحکیم پیوند ترکیه با امپریالیسم جهانی و تقویت نقش آن در ناتو بر سر کار آمد قطعاً نمی تواند نگرانی برانگیز نباشد.

تیترو درشت روزنامه انقلاب اسلامی که "ترکیه استفاده از راه های ترانزیت

" پنجره " را در سر می پروراند. وزیر بازرگانی ترکیه در ملاقات با وزیر بازرگانی آمادگی کشور خود را در " اجرای طرح های مشترک در زمینه سیمان، شکر، دخانیات و صنایع نظامی...!!" اعلام کرد.

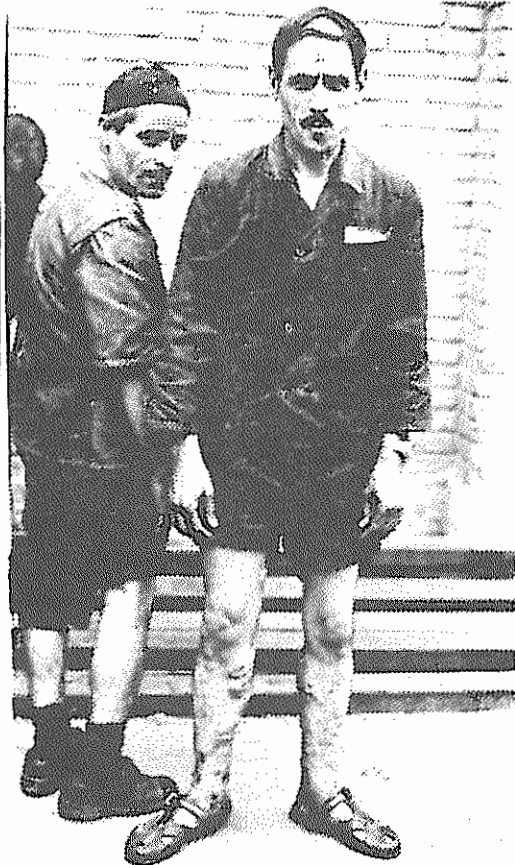
(جمهوری اسلامی ۳۰ فروردین)

معنای این پیشنهاد روشن است. امپریالیسم از مشکلاتی که خود برای اقتصاد وابسته ایران بوجود آورده با خبر است و با این پیشنهاد جمهوری اسلامی را می آزماید که زیر فشار این مشکلات کمر خم کرده است یا نه. پاسخ مردم ایران به این بازمآزمایی مذبحخانه امپریالیسم قاطع و آشتی ناپذیر است. این قاطعیت به هیچوجه در اظهارات وزیر بازرگانی ایران انعکاس نیافت.

"کازم پوراردبیلی" وزیر بازرگانی ایران در پاسخ اعلام آمادگی ترکیه گفت: " دولت جمهوری اسلامی ایران در طرح هایی که متکی به مردم و احیای تفکرات اسلامی باشد، با ترکیه همکاری خواهد کرد و امیدوار است مردمی و اسلامی بودن

در هفته گذشته هیات بازرگانی ترکیه به سرپرستی وزیر بازرگانی آن کشور به ایران سفر کرد و طی چهار روز مذاکره با مقامات اقتصادی دولت رجایی یک پروتکل بازرگانی را به امضاء رسانید. رژیم نظامی و سرسپرده به امپریالیسم ترکیه از بسط روابط اقتصادی با ایران دو هدف را دنبال می کند. اقتصاد سرمایه داری وابسته ترکیه از مشکلات گوناگون و از جمله ناتوانی در پرداخت بهای کالاها و وارداتی خود رنج می برد. وزیر بازرگانی ترکیه در این سفر خواستار آن شد که ایران نیازهای نفتی ترکیه را تامین کند و به عوض دریافت بهای آن، واردات و خریدهای خود از آن کشور را افزایش دهد. این نخستین هدف ترکیه از این مذاکرات و مستقیماً مربوط به مشکلات اقتصادی داخلی آن کشور است.

هدف دوم هیات، تلاش برای گشودن راه نفوذی تازه و احیای روابط ضربه خورده وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم جهانی است. بد عبارت ساده تر امپریالیسم جهانی نقشه بازگشتن از

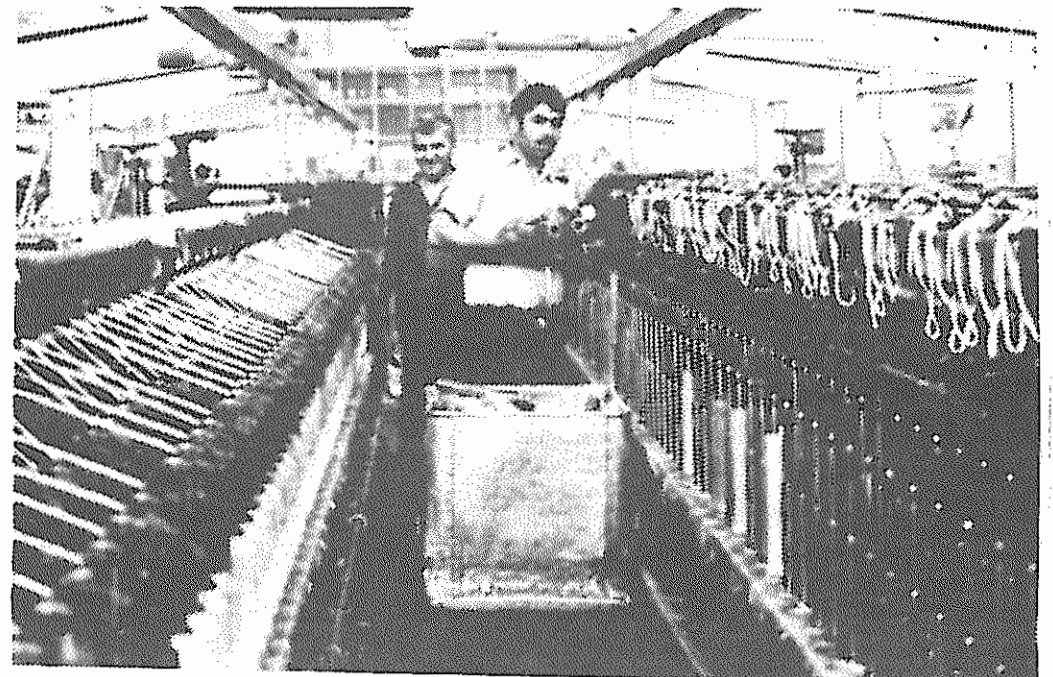


واریس! ارمغان ساعت ها ایستادن و کار کردن: کار فرساینده، یکنواخت و بی وقفه.

(تصویر، کارگر بافکاری را نشان می دهد که نه ساعت ها، بلکه سال ها و سال ها ایستاده کار کرده است.)

- تدوین یک قانون کار و تامین اجتماعی مترقی با مشارکت تشکل های کارگری خواست طبقه کارگر ایران است.

- تدوین یک طرح مترقی ارزشیابی مشاغل با تأکید بر سختی شرایط کار ضرورت انقلاب است.



کارگران بافکار استراحت درجا (ایستاده!)

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

جهان سرمایه داری و مبارزات کارگران

بحران گسترده نظام سرمایه داری جهانی و عواقب ناشی از آن، تشدید تورم، بیکاری، تشدید جریان نظامی گری، دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و... سبب اوج گیری مبارزه انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری شده است.

و در تظاهرات دیگری ۵۰۰۰ آمریکائی که عمدتاً از مخالفان جنگ ویتنام بودند به دخالت آمریکا در السالوادور اعتراض نموده و خواهان کاهش تولید تسلیحات و افزایش هزینه خدمات اجتماعی شدند.

انگلستان: تشدید تضادها و بسیج کارگران

وضعیت انگلستان نیز با تشدید تضادهای اجتماعی مشخص می شود. سیاست اقتصادی دولت تاجر که از همان آغاز، فشار روزافزون بر زحمتکشان و تامین منافع هرچه بیشتر سرمایه داران بزرگ را هدف خود قرار می داد و قصد داشت بحران اقتصادی را با تشدید استثمار کارگران و ایجاد اختلاف و کشمکش بین گروه های مختلف کارگری، دامن زدن به برخوردهای نژادی و مقصر جلوه دادن کارگران غیر سفید پوست، تخفیف دهد باعث شده است که نرخ تورم از میزان ۲۲٪ (اواخر سال ۱۹۸۰) تجاوز کند و میزان بیکاری از ۲/۳ میلیون نفر فراتر رود.

آغاز گر مبارزات حاضر کارگران انگلستان، تظاهرات روز ۱۴ مه سال ۱۹۸۰ بود که "روز عمل" نامیده می شد و از طرف مرکز اتحادیه های کارگری سازمان داده شده بود. علیرغم تحریم این تظاهرات از طرف تمام مطبوعات بورژوازی و انفعال بعضی از رهبران اتحادیه ها، این روز عمل و مبارزه نشان داد که کارگران انگلستان به هیچ وجه حاضر نخواهند بود نقش سپر بلای نظام سرمایه داری و بحران های آن را ایفاء نمایند و مصمم اند تا به این وضع خاتمه دهند. تظاهرات "روز عمل" هرچند که بخوبی انجام نگرفت، ولی خود این روز نقطه عطفی در زندگی سیاسی انگلستان بود چرا که این روز به عدم وجود بسیج توده ای سیاسی کارگران پایان داد و فصل نوینی را در مبارزات آنها آغاز کرد.

این مبارزه بعد نیز به صورت اعتصابات کارگری و تظاهرات توده ای ادامه یافت. علاوه بر این، دامنه بحران گسترده تر شد و سایر گروه های اجتماعی تحت تبعیض و استثمار را نیز به میدان مبارزه کشانید. از جمله این برآمدها می توان اعتصاب ۳۶۰۰۰ کارگر بنادر کشتیرانی انگلستان در دی ماه، اعتصاب ۵۰۰۰۰ نفر از کارمندان دولتی برای افزایش حقوق در اسفندماه، اعتصاب بیش از نیم میلیون کارمند دولتی انگلستان بخاطر افزایش ۱۵٪ حقوق و شورش های مداوم سیاهپوستان انگلستان را نام برد. اما دولت انگلستان نیز از آنجا که تنها حفظ تامین منافع صاحبان انحصارات را وظیفه خود می داند، برای مقابله با بحران، همان راه دولت آمریکا را برگزیده است و به تشدید نظامی گری و شرکت در اقدامات ماجراجویانه دولت آمریکا در عرصه جهانی می پردازد. جان نات وزیر دفاع انگلستان در این مورد گفت: "علیرغم افزایش مداوم قیمت ها، انگلستان نقش نظامی وسیع تری متقبل شده است."

یکی از مهم ترین تظاهراتی که علیه سیاست تشدید نظامی گری و افزایش بودجه نظامی انجام

بقیه در صفحه ۱۵

اروپای غربی و ژاپن) موقعیت آمریکا متزلزل شد. اگر در اولین دهه بعد از جنگ، امپریالیسم آمریکا "به حساب خود" و در واقع برای تامین هرچه بهتر منافع خود و تقویت جبهه کشورهای سرمایه داری در مقابل کشورهای سوسیالیستی به کشورهای سرمایه داری غربی کمک می کرد، امروزه خود از این کشورها کمک می طلبد و می خواهد تا هزینه های نظامی خود را افزایش دهند. اگر در سالهای ۱۹۵۰ آمریکا نصف سلاح ها، مهمات و ماشین آلات جنگی ژاپن را تامین می کرد. امروز ژاپن ۹۰٪ احتیاجات جنگی خود را تولید می کند و این عوامل باعث تضعیف موقعیت آمریکا در جهان سرمایه داری می شوند.

اما آمریکا برای مقابله با تمام این عوامل، به گسترش نظامی گری توسل می جوید. بودجه نظامی آمریکا برای سال ۱۹۸۱ که ۱۷۱/۵ میلیارد دلار بالغ می شود، مویذ این امر است. با این همه نه تنها از دامنه بحران سرمایه داری نمی گاهد بلکه آن را به میزان باز هم بیشتری تشدید می کند.

در این میان نیز بار اصلی تمام این اقدامات ضد خلقی به دوش زحمتکشان است. مطابق آمار، در سال ۱۹۸۰ قیمت مواد غذایی در آمریکا ۱۱٪ (از آوریل ۱۹۷۹ تا آوریل ۱۹۸۰، ۶٪)، اجاره بها به میزان ۹٪ افزایش یافت و هزینه بیمارستان به ۲۶۰ دلار در روز رسید. در همان سال نرخ بیکاری به ۹٪ رسید که حتی از میزان بیکاری در سالهای بحرانی ۷۵-۱۹۷۳ نیز بالاتر است. در اثر همین بحران فزاینده بود که در سال گذشته کارخانجات بسیاری با ورشکستگی مواجه شده و تعطیل شدند.

و بر چنین زمینه ای بود که موج اعتصابات کارگری که از همان سالهای آغاز بحران تشدید شده بود، در سال ۱۹۸۰ و ماه های اول سال ۱۹۸۱ بازهم اوج بیشتری گرفت و دامنه آن سایر اقشار زحمتکشان را نیز فرا گرفت. شورش های سیاهپوستان آمریکا در دی ماه سال گذشته و ادامه آن، اعتصاب ۱۶۰ هزار نفری کارگران معادن ذغال سنگ، مبارزات سرخپوستان آمریکا برای رفع تبعیض نژادی و به دست آوردن حقوق اجتماعی و سیاسی برابر با سفیدپوستان مویذ این واقعیت است.

بعلاوه مبارزات کارگران و زحمتکشان آمریکا در سال گذشته (از اول ماه مه ۱۹۸۰ تا اول ماه مه ۱۹۸۱) رنگ سیاسی مشخص تری به خود گرفته است. تنها در هفته آخر فروردین ماه امسال، بیش از سه تظاهرات ضد آمریکائی در آمریکا برگزار گردید. در یکی از این تظاهرات، تظاهرکنندگان آمریکائی به کمک ۹ میلیون دلاری دولت آمریکا به دولت نظامی فاشیست السالوادور اعتراض کردند.

جنبش بین المللی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری، یکی از سه نیروی عمده روند واحد انقلاب جهانی معاصر است. این جنبش که هدف نهائی نابودی سرمایه داری و برپائی جامعه سوسیالیستی را در پیش روی خود قرار می دهد، دلیل دیگری است بر این امر که دوران ما، دوران گذار جهانشمول از سرمایه داری به سوسیالیسم می باشد.

رونق نسبی اقتصادی در کشورهای سرمایه داری پس از جنگ جهانی دوم، در دهه های ۵۰ و ۶۰ که باعث شده بود توجه کارگران نظام ستم و استثمار سرمایه داری درباره "صلح اجتماعی"، "آشتی طبقاتی" و "از بین بردن بحران ها در درون نظام سرمایه داری" داد سخن دهند و به فریب زحمتکشان بپردازند، در دهه هفتاد جای خود را به بحران عمیقی داد. ویژگی های بحران حاضر، همزمان شدن رکود و تورم و طولانی بودن آن می باشد. بحران حاضر جهان سرمایه داری که از سال ۱۹۷۴ آغاز شده است، همچنان با نشیب و فرازهای جزئی ادامه دارد و هیچگونه دورنمایی برای پایان گرفتن آن در آینده ای نزدیک وجود ندارد. نرخ متوسط سالانه رشد اقتصادی در کشورهای سرمایه داری نسبت به سالهای قبل از ۱۹۷۴، بیش از دو برابر کاهش یافته است. بیکاری در این کشورها از مرز بیست میلیون نفر گذشته و حد متوسط تورم ۱۰٪ و میزان حداکثر آن ۲۰٪ است.

بحران گسترده نظام سرمایه داری جهانی و عواقب ناشی از آن، یعنی تشدید تورم، رشد بیکاری به میزانی بی سابقه، تشدید جریان نظامی گری، دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی، اقدام به ماجراجویی های نظامی در سراسر جهان و دخالت در امور کشورهای دیگر که بار اصلی هزینه تمام این اقدامات بر دوش زحمتکشان وارد می شود و استثمار آنها را تشدید می کند، سبب اوج گیری مبارزه انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری پیشرفته شده است. در آستانه روز اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران جهان، نگاهی داریم به وضعیت عمومی این کشورها و مبارزه طبقه کارگر در آنها:

آمریکا: ضعف و خشم

در اولین دهه بعد از جنگ، آمریکا قسمت اعظم ذخائر طلای جهان سرمایه داری را در اختیار داشت و از لحاظ تولید صنعتی و تجارت بین المللی، رقبای خود را پشت سر گذاشته بود. این امر به همراه برتری تکنیکی، منابع انسانی بسیار ورزیده و ماهر و در دسترس بودن مواد خام باعث شد که آمریکا سرکردگی جهان سرمایه داری را به خود اختصاص دهد.

اما با گذشت زمان و بخاطر (۱) تقویت و تحکیم هرچه بیشتر کشورهای سوسیالیستی (۲) اوج گیری مبارزات خلق های تحت ستم (۳) رشد کشورهای سرمایه داری اروپای غربی و ژاپن و در نتیجه کاهش شدید سهم آمریکا در تولید صنعتی و تجارت خارجی جهان سرمایه داری و به وجود آمدن سه مرکز عمده سرمایه داری جهانی (آمریکا،



تظاهرات علیه نژاد پرستی در آمریکا

بقیه از صفحه ۱۴

جهان ...

گرفت، تظاهرات گسترده‌ای بود که هم‌زمان با ورود الکساندر هیگ وزیر خارجه آمریکا به انگلستان در لندن برگزار گردید. تظاهرکنندگان به سیاست آمریکا در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و حمایت دولت آمریکا از دولت‌های جنایتکار السالوادور، شیلی و آفریقای جنوبی و مشارکت و همدستی دولت انگلستان در این سیاست اعتراض کردند و نیز نقش الکساندر هیگ در کشتارهای ویتنام، کره و رسوایی واترگیت را افشاء نمودند. شعارهای عمده این تظاهرات عبارت بودند از: "مرگ بر امپریالیسم آمریکا"، "مرگ بر امپریالیسم انگلیس" و "یانکی‌ها به کشور خودتان برگردید".

فرانسه: اتحاد عمل باز هم بیشتر کارگران

تقریباً هم‌زمان با "روز عمل" کارگران انگلستان، کارگران فرانسوی نیز به اقدام متحدانه‌ای برای دفاع از حقوق خود دست زدند. در ۱۳ مه سال ۱۹۸۰ چند میلیون کارگر فرانسوی برای مقابله با یکی از ضدخلفی‌ترین تدابیر دولت امپریالیستی فرانسه به تظاهرات پرداختند. دولت فرانسه برای انتقال بار بحران به دوش زحمتکشان تصمیم گرفته بود تا با به اجرا درآوردن رفرمی در سیستم تأمین اجتماعی، آزادی‌ها و حقوق اتحادیه‌های کارگران را از بین ببرد. کارگران فرانسه که سطح زندگی‌شان در اثر بحران بسیار پائین آمده بود، به دعوت مراکز اتحادیه‌های خود و برای دفاع از یکی از مهم‌ترین



پاریس - تظاهرات برای "بهداشت برای همه"

دستاوردهای خود به تظاهرات اعتراضی نیرومندی دست زدند. این مبارزه به شکل اعتصابات و تظاهرات دیگر ادامه یافت که از مهم‌ترین آنها می‌توان تظاهرات و اعتصاب ماهیگیران فرانسوی در شهر یورماه گذشته و اعتصاب دریانوردان فرانسوی در فروردین ماه امسال بخاطر افزایش دستمزد را نام برد. هم چنین در سال گذشته فرانسه شاهد چند تظاهرات ضدفاشیستی و ضد جنگ بود. در حال حاضر تعداد بیکاران در فرانسه از ۲ میلیون نفر متجاوز است. بر اثر یار فزاینده بحران و آگاهی فزاینده کارگران فرانسوی از سیاست‌های ضدخلفی دولت فرانسه، دورنمای وحدت عمل هرچه بیشتر، بسیار روشن‌تر شده است.

در سایر کشورهای سرمایه داری

ایتالیا در چند سال گذشته از لحاظ سیاسی و اقتصادی بی‌ثبات‌ترین کشور سرمایه‌داری عضو بازار مشترک اروپا بوده است. دو اعتصاب عمومی بزرگ سال گذشته که به وسیله فدراسیون اتحادیه‌های کارگری متحد سازمان داده شده بود ۱۳ میلیون نفر از کارگران را بسیج کردند. خواست‌های اعتصابیون عبارت بود از: سیاست اقتصادی جدید برای پیشرفت مناطق عقب‌مانده جنوب، تأمین شغل، تجدید نظر درباره مالیات‌های فزاینده کارگران، فوق‌العاده بیشتر برای کارگران صاحب خانواده و یکپارچه کردن سیستم بازنشستگی. این اعتصابات سرانجام پس از مباحثات زیاد بین نمایندگان اتحادیه‌ها و دولت در ۹ مه به پیروزی رسیدند و دولت خواست‌های عمده کارگران را پذیرفت پس از آن نیز ایتالیا شاهد اعتصابات روز - افزون‌تری بوده است: در مرداد ماه کارگران سراسر

شهرهای ایتالیا به عنوان اعتراض به انفجار بمب در ایستگاه راه‌آهن از طرف گروه‌های دست‌راستی، دست به یک اعتصاب دو ساعته زدند. در شهریورماه دهها هزار نفر از کارگران اعتصابیاتی به تظاهرات شدیدی دست زدند. در مهرماه ۱۸ میلیون کارگر ایتالیایی به عنوان اعتراض به اخراج همکاران خود دست به اعتصاب زدند و فعالیت‌های صنعتی و تجاری این کشور را متوقف ساختند.

جمهوری فدرال آلمان با ادامه بحران حاضر سرمایه‌داری مدتهاست که لقب "لکوموتیو" اروپای سرمایه‌داری را از دست داده است و در بحرانی تشدید یافته دست و پا می‌زند. بیش از ۳/۸٪ جمعیت فعال کشور بیکارند. سال گذشته بخش‌های مختلف اقتصاد آلمان غربی و به‌ویژه صنایع اتومبیل‌سازی با مشکلات بزرگی مواجه شدند. در چند ماه اول سال گذشته فروش اتومبیل به میزان قابل ملاحظه‌ای (۸٪) پائین آمد و در نتیجه بعضی از شرکت‌ها و از جمله شرکت اوپل و فورد چندین هزار نفر کارگر را اخراج کردند. تشدید فشار بر کارگران، اعتصابات متعددی را در سال گذشته سبب شد. علاوه بر اعتصابات کارگری، مخالفت با سیاست نظامی‌گری امپریالیسم آلمان در اتحاد با امپریالیسم آمریکا نیز گسترش می‌یابد. به عنوان مثال در فروردین ماه امسال صدها هزار نفر از مردم آلمان غربی با ترتیب دادن تظاهرات متعددی مخالفت خود را با استقرار موشک‌های هسته‌ای آمریکا در خاک آلمان اعلام داشتند.

در سوئد اعتصاب بیش از یک میلیون نفر از کارگران در آغاز ماه مه، اقتصاد این کشور را بطور کامل فلج کرد. این اعتصاب برای سوئد در دوره پس از جنگ یک نقطه عطف به‌شمار می‌آید و بزرگترین اعتصاب کارگران سوئد در ۷۰ سال گذشته بود. این اعتصاب هنگامی روی داد که کارفرمایان سوئد با ۱۱/۳ درصد افزایش حقوق مورد درخواست کارگران موافقت نکرده و تنها ۱/۱۳ درصد افزایش حقوق را پذیرفتند و علاوه بر آن به دنبال یک اعتصاب ۱۰۰هزار نفری، هزاران کارگر را اخراج نمودند. با فرا رسیدن

بحران عمومی حاضر، "مدل سوئدی" سرمایه‌داری که ظاهراً به نظر می‌رسید که "صلح اجتماعی" را بین طبقات متخاصم برقرار کرده است، از هم فروپاشید و اعتصاب فوق‌الذکر بهترین نمونه این جریان بود. در حال حاضر بحران عمیقی اقتصاد سوئد را متزلزل می‌سازد. کسری پرداخت‌های این کشور، متجاوز از ۱۷ میلیارد کرون سوئدی است و بیکاری، کارگران بازهم بیشتری را تهدید می‌کند.

همچنین نروژ نیز که در گذشته کشوری بدون برخورد‌های کارگری به حساب می‌آمد، در ماه مه سال گذشته شاهد موج اعتصاب نیرومندی بود.

در پرتغال ۲۰۰هزار نفر کارگر صنایع فولاد و



صحنه‌ای از تظاهرات کارگران در آلمان غربی

۴۰هزار تن از کارگران صنایع شیمیایی و داروئی دست به اعتصاب زدند. اعتصابیون خواهان تجدیدنظر در قراردادهای جمعی حرفه‌ای، افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار بودند.

در اسپانیا تورم و بیکاری ابعاد گسترده‌ای گرفت و این امر اعتصابات متعددی را به دنبال خود آورد. یکی از بزرگترین اعتصابات این کشور اعتصاب چندصد هزار نفری کارگران در اعتراض به شکنجه پلیس اسپانیا در بهمن‌ماه گذشته بود.



گسترش و تعمیق هرچه بیشتر سومین بحران عمومی نظام سرمایه‌داری که به همراه خود بیکاری تورم، خانه‌خوابی و شرایط بد زندگی دائم - التزایدی را برای زحمتکشان این کشورها به ارمغان آورده و در مقابل، انحصارات امپریالیستی با استفاده از سیاست نظامی‌گری دول امپریالیستی سودهای کلانی را عاید خود می‌سازند، گنبدی نظام سرمایه‌داری را بیش از پیش عیان ساخته و تبدیل به عاملی برای افشای هرچه بیشتر مبلغین بورژوازی و تبلیغات آنها مبنی بر "پیشرفت و رفاه" و... در جوامع گردیده است. در نقطه مقابل این اوضاع نامساعد و بحرانی، نظام سوسیالیسم جهانی که عاری از هرگونه استثمار بوده و جامعه با برنامه‌ریزی متمرکز و در خدمت پیشرفت، به سرعت سیر ترقی اجتماعی را طی می‌کند، فارغ از هر بحران اقتصادی و اجتماعی نمونه‌ای زنده، واقعی و ایده‌آل را در مقابل زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری قرار می‌دهد و کارگران و زحمتکشان این کشورها در بستر رشد تضادهای اجتماعی و اوج‌گیری مبارزه طبقاتی، هر روز بیشتر و بیشتر به سمت سوسیالیسم جذب می‌شوند و بر شمار اعضاء و طرفداران جنبش کمونیستی در این کشورها افزوده می‌شود. تمام این واقعیات بطور آشکار و واضحی نشان می‌دهند که عمر سرمایه‌داری به عنوان یک نظام اجتماعی به پایان رسیده است و آینده از آن سوسیالیسم است.





اخباری از مبارزات روستائیان کشور

ارگان‌های انقلابی باید در مقابل توطئه‌های جدید زمینداران بزرگ و فئودال‌ها هشیار باشند

کیم زمین و بی‌زمین علی‌د فئودال معروف منطقه حمید خان ذوالفقاری است. از بعد از قیام، مبارزات روستائیان علیه زمیندار مزبور و پیگیری و اتحاد آنها باعث فرار حمیدخان از روستا گردید. حمیدخان ذوالفقاری که وضع را چنین دید زمین‌های غصبی خود را به سه نفر از سرمایه‌داران کرج که دارای چندین کارخانه چرخ خیاطی موزائیک‌سازی و... هستند، فروخته و به اصطلاح روستائیان را در مقابل عمل انجام شده قرار داد. زحمتکشان بی‌زمین و کم زمین روستای تهم که وضع را چنین یافتند، مشترکا اقدام به مصادره زمین‌های مورد بحث نمودند و اعلام کردند: "زمینی که سالهاست بر روی آن کار می‌کنیم و زحمت می‌کشیم، متعلق به خود ماست."

و سپس به سرمایه‌داران تازه‌وارد اخطار می‌کنند که دست از این زمین‌ها بردارند و سپس خود اقدام به کشت زمین‌ها می‌نمایند.

بیجار: روستای نوشاد

دهقانان بی‌زمین روستای نوشاد از توابع بیجار با اتحاد و یکپارچگی در تاریخ ۹ فروردین ۶۰ اقدام به مصادره زمین‌های فئودال‌های فراری روستا که آنها را به فامیل‌هایشان و یا به اجاره واگذار کرده بودند، نمودند. "صاحبان" جدید زمین‌ها به مخالفت با این امر پرداخته و زحمتکشان بی‌زمین با هوشیاری برای جلوگیری از تشنج، نمایندگان خود را به جهادسازندگی بیجار اعزام داشتند و نتیجه این شد که هیئت هفت نفره منطقه، اطلاعاتی مبنی بر اینکه در صورتی که صاحبان زمین‌های مزبور که روستا را ترک

فئودال‌ها و زمینداران بزرگ که عمر خویش را پایان یافته می‌بینند، اخیرا در بیشتر نقاط کشور شیوه‌های دیگری برای ادامه استثمار زحمتکشان و دهقانان دست و پا نموده‌اند. آنان که اکثرا بر اثر اوج‌گیری مبارزات روستائیان مجبور به فرار شده‌اند، برای جلوگیری از مصادره و تقسیم زمین‌هایشان زمین‌های خود را به فامیل‌ها و اقوام خویش واگذار کرده و یا اجاره داده‌اند. اما روستائیان زحمتکش، دیگر به این دسائس کاملاً آگاه شده‌اند و با حرکات مشترک و همکاری با نهادهای انقلابی حقوق پایمال شده خویش را بازپس می‌گیرند. هیئت‌های هفت‌نفره، جهاد و سایر ارگان‌های انقلابی باید متوجه اینگونه توطئه‌های زمینداران بزرگ و فئودال‌ها باشند تنها این مورد مشخص نیست، درسراسر ایران ما شاهد آنیم که این ضدانقلابیون با اوج‌گیری مبارزات توده‌های روستائی برای مصادره زمین‌های بزرگ زمینداران و فئودال‌ها اقدام به قطعه‌قطعه کردن و فروش زمین‌ها، اجاره و یا انتقال و واگذاری آنها به اقوام خویش می‌نمایند.

باید مسئولین و نهادها با هوشیاری با این اقدام مزورانه مالکین و زمینداران بزرگ برخورد جدی نمایند و با اجرای هرچه سریع‌تر بند "ج" و "د" مانع از شکل‌گیری تضادهای جدید و اختلافات فرعی و ایجاد روابط و مناسبات جدیدی در عرصه روستاها گردند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

زنجان: روستای تهم

روستای تهم که در هفت کیلومتری زنجان واقع است عرصه مبارزات پیگیردهقانان

فئودال‌های ضدانقلاب خلع سلاح شده و توطئه و دسیسه علیه زحمتکشان و دهقانان خاتمه یابد.

قزوین: روستای زیاران

روستای زیاران در ۴۰ کیلومتری قزوین واقع شده و دارای زمین‌های قابل کشت بسیاری است که تقریباً بیشتر آن متعلق به آستان قدس رضوی می‌باشد و در اختیار اوقاف است. قبل از انقلاب مقادیر زیادی از این زمین‌ها توسط عده‌ای از اربابان زیاران و با همکاری آستان قدس رضوی به شرکت‌هایی مانند شرکت گوشت زیاران شرکت بوقلمون و غیره فروخته شد. علاوه بر این بعضی از سرمایه‌داران و امرای ارتش شاه نیز زمین‌هایی را با اعمال نفوذ از آستان قدس اجاره کردند و در حالیکه بسیاری از دهقانان زحمتکش به علت نداشتن زمین مجبور به ترک روستاهای منطقه گردیده و یا به مزدوری روی زمین‌های دیگران مشغول بودند، افرادی مثل تیمسار اخوان فراری و میناچی (وزیر ارشاد کابینه بازرگان) نیز با اجاره هزار هکتار از اراضی مورد بحث به استثمار زحمتکشان اشتغال داشتند. بعد از انقلاب و با اوج‌گیری جنبش دهقانی، دهقانان کم زمین و بی‌زمین مقادیری از زمین‌های اخوان و میناچی را مصادره کردند و اقدام به کشت آن نمودند. ولی چیزی نگذشت که نماینده تیمسار اخوان فراری از دفتر ریاست جمهور نامه‌ای مبنی بر اینکه "کسی حق مصادره زمین‌ها را ندارد" آورده و با کمک ژاندارمری و آستان قدس علیرغم ایستادگی دهقانان زمین‌های مصادره شده را از آنها پس گرفتند. دهقانان و زحمتکشان زیاران علیرغم شکایات و اعتراضاتشان تا کنون قادر نشده‌اند که حقوق خویش را بازیابند. آنان خواهان اجرای کامل اصلاحات ارضی، سلب مالکیت از زمینداران بزرگ و فئودال‌ها، افشاء حامیان آنها و اجرای بدون وقفه بند ج و د با شروع فعالیت همه‌جانبه هیئت‌های هفت نفره می‌باشند.

زابل: روستای قلعه نو

روستای قلعه نو در جنوب شرقی شهر زابل قرار دارد. در رژیم گذشته کلیه اراضی

کرده‌اند و زمین‌های زراعی را بلا تکلیف گذاشته و یا واگذار کرده‌اند تا تاریخ ۱۵ فروردین به روستای خود مراجعه و به کشت زمین‌ها اقدام نمایند، زمین‌های مورد بحث به افراد واجد شرایط و در درجه اول به دهقانان بی‌زمین واگذار خواهد شد، صادر کرد.

دهقانان بی‌زمین و کم زمین روستای نوشاد نیز از این تصمیم اصولی پشتیبانی کرده و به روستای خویش بازگشتند. آنها مطرح ساختند که هیئت هفت نفره با رسیدگی قطعی به وضع این فئودال‌ها و اجرای بند "ج" و "د" باید تکلیف زمین‌های غصبی این ارباب‌ها را یکسره کنند و شرایط مناسب را برای کشت و کار و در نتیجه افزایش تولید محصولات کشاورزی فراهم نمایند.

زنجان: روستای المکی

المکی یکی از روستاهای حومه بخش سلطانیه زنجان است که زحمتکشان مقیم آن از روزهای بعد از قیام جهت بازپس گرفتن ۱۲۰۰ هکتار از زمین‌های زراعی این روستا که توسط یکی از فئودال‌های بزرگ منطقه به نام بیوک آقا احمدی در گذشته به زور تصاحب شده بود، اقدامات فراوانی انجام داده‌اند ولی فئودال مزبور که برادر سرهنگ فاضل احمدی معدوم است که قبل از انقلاب تظاهرات مردم را چندین بار به خون کشیده و بعد از انقلاب اعدام گردید، با توطئه‌های گوناگون و همکاری پاسگاه ژاندارمری قره‌بلاغ تاکنون توانسته است علیرغم اعتراضات و شکایات، روستائیان، زمین‌های غصبی را حفظ کرده و در اواخر اسفندماه ۵۹ موقعی که قصد کاشتن زمین مورد بحث را داشت، با مقاومت روستائیان مواجه گردید. ولی متأسفانه بیوک احمدی توانست با اعمال نفوذ و همکاری پاسگاه قره‌بلاغ سه تن از روستائیان را بدون محاکمه بازداشت کند. روستائیان المکی که اوضاع را چنین یافتند و کوشش‌های خود را جهت احقاق حقوقشان بی‌نتیجه دیدند، بطور جمعی راسا اقدام به مصادره زمین‌های وی نمودند و به کشت آن نیز اقدام کردند.

روستائیان روستای المکی از مقامات مسئول می‌خواهند که با اعزام هیئت هفت نفره به این روستا و اجرای بندج

این روستا که حدوداً ۲۰۰۰ هکتار تخمین زده می‌شود، متعلق به محمدحسین‌خان نارویی یکی از خان‌های معروف منطقه بوده‌است. بعد از انقلاب دهقانان زحمتکش روستا که سالها تحت استثمار و فشار محمدحسین‌خان قرار داشتند، با مبارزات پیگیر و همکاری سپاه، جهاد و دادستان انقلاب (اکبری) زمین‌های خان را مصادره نموده و اموال آن را ضبط می‌نمایند.

اما در روز ۱۷ فروردین ۶۰ قره‌گوزلو دادستان فعلی زابل که به مخالفت با خط امام معروف است، حکمی مبنی بر بازپس دادن اموال محمدحسین‌خان نارویی به وارثینش صادر کرده و خود نیز به روستای مزبور جهت اجرای حکم صادر شده روانه می‌گردد. دهقانان لب به اعتراض می‌کشیند و با حرکات اعتراضی مخالفت خویش را بطور جمعی نشان می‌دهند ولی دادستان در مقابل اعتراض گسترده دهقانان به پاسگاه ژاندارمری متوسل شده و خوشخو رئیس پاسگاه ژاندارمری قلعه نو که سوابق درخشانی در نوکری و چاپلوسی رژیم گذشته و خوانین ضدانقلابی چون محمدحسین‌خان دارد برای مقابله با اعتراضات انقلابی روستائیان دستور تیراندازی به سمت دهقانان را می‌دهد. دهقانان آگاه و انقلابی که با هوشیاری متوجه توطئه شده بودند، آرامش خود را حفظ کرده و از تشنج و درگیری پرهیز می‌نمایند. دادستان نیز با سوء استفاده از برخورد متین و انقلابی روستائیان با همکاری رئیس پاسگاه پس از یک صورت جلسه‌فرمایشی بدون اعتنا به خواست و اعتراض دهقانان اموال خان مزبور را به وارثین او تحویل می‌دهد.

بجاست که به این مسئله رسیدگی عاجل شود. در شرایطی که سیستان و بلوچستان عرصه تاخت‌وتاز فئودال‌ها و خان‌های خائن به انقلاب است و در شرایطی که در منطقه انواع و اقسام توطئه و دسیسه توسط این ضدانقلابیون علیه زحمتکشان و دهقانان و نهادهای انقلابی تدارک دیده می‌شود آیا زمان آن نرسیده است که با اقدامی انقلابی نفوذ سیاسی و اقتصادی آنان از روستاهای منطقه برچیده شود

به جای رسیدگی به جنایات ملاحسنی، معبودی و شرکاء مخالفان آنان تصفیه می شوند

خواهد ماند. در مورد شهدای ایندرفاش جهت سرپوش نهادن بر جنایت این دار و دسته و در راس آن ملاحسنی که خود شخصا در این جنایت فجیع شرکت داشت، پس از چند هفته اعلام شد که در ایندرفاش تعدادی از افراد مسلح وابسته به باند قاسلمو کشته شده‌اند! در حالیکه همه می‌دانند که افراد مذکور همه از مردم بی‌دفاع روستا بوده و هیچ نقشی در درگیری‌ها نداشتند. آنها قربانی جنگی شدند که خود نمی‌خواستند. ما برای آنکه نشان دهیم که تا چه میزان ادعای فوق دروغ و پیاوه بوده و تنها برای سرپوش گذاشتن بر جنایات باند ملاحسنی و معبودی ساخته و پرداخته شده است اسامی ۳۴ نفر از این افراد را که بی‌گناه و وحشیانه قتل عام شده‌اند، منتشر می‌کنیم و بار دیگر از دولت جمهوری اسلامی دستگیری و مجازات عاملین این قتل عام جنایتکارانه را مصراتاً طلب می‌کنیم:

- ۱- علی معروفی ۴۰ ساله دارای ۶ فرزند و یکزن حامله - کارگر کوره پزخانه.
- ۲- خضر معروفی ۳۰ ساله دارای همسر و ۵ فرزند - کارگر کوره پزخانه.
- ۳- حسن معروفی ۴۵ ساله دارای همسر و ۶ فرزند - کارگر کوره پزخانه.
- ۴- محمود پیروتی ۵۰ ساله دارای همسر و ۱۱ فرزند - کشاورز - هنگامی که قصد کشتن او را داشتند، فریاد می‌زد: بخاطر خدا مرا نکشید چون بچه‌های زیادی دارم!
- ۵- رحمان مولودی ۳۰ ساله دارای همسر و ۱ فرزند خوش‌نشین
- ۶- ایرج پاکزاد ۲۵ ساله دارای همسر و ۱ فرزند - کارمند فرمانداری مهاباد.
- ۷- مادرا ایرج پاکزاد که در حال دفاع از فرزندش به شهادت رسید
- ۸- کریم گاران ۶۰ ساله کارگر کوره پزخانه.
- ۹- سلیمان گاران ۱۸ ساله کارگر کوره پزخانه.
- ۱۰- محمد کریمی ۳۵ ساله دارای همسر و ۴ فرزند - کارگر کوره پزخانه.
- ۱۱- سید علی حسینی ۲۵ ساله دارای همسر و ۱ فرزند.
- ۱۲- حاج مصطفی فقه‌زاده ۳۵ ساله دارای همسر و ۶ فرزند - کشاورز.
- ۱۳- عبدالله علائی ۵۴ ساله دارای همسر و ۶ فرزند - کارگر کوره پزخانه.
- ۱۴- کریم علائی ۱۸ ساله کارگر کوره پزخانه.
- ۱۵- حسین خضر حاجی ۸۰ ساله دارای همسر و ۷ فرزند - کارگر کوره پزخانه.
- ۱۶- عثمان دیواری ۲۲ ساله دارای همسر و ۲ فرزند - وی سرپرستی ۷ یتیم را نیز برعهده داشت.

از جمله مبارزینی که به فرمان ملاحسنی و معبودی به جوخه اعدام سپرده شدند، دو تن از رفقای ما به نام‌های فخری شیدائی و منصور خسروی بودند. دو روز پس از اعزام این رفقا به ارومیه، جسد تیرباران شده آنها به خانوادهای آنان تحویل شد.



رفیق شهید فخری شیدائی

اعدام سپرده شدند. دو تن از رفقای ما به نام‌های منصور خسروی و فخری شیدائی بودند. آنها در هیچ اقدام مسلحانه‌ای علیه جمهوری اسلامی شرکت نداشتند. با وجود این دو روز پس از اعزام این رفقا به ارومیه، جسد تیرباران شده آنها تحویل خانواده‌هاشان شد!! جالب است اگر خاطر نشان کنیم که چند هفته پس از این واقعه از جانب سپاه پاسداران سردشت به خانواده این رفقا ابلاغ شد که فرزندانشان هر یک به سه ماه زندان محکوم شده‌اند! و باز جالب است این حقیقت را بازگویم که هنگامی که سپاه اطلاع یافت رفقای ما را اعدام کرده‌اند، یکی از مسئولین سپاه از ناراحتی و شرم در حضور مردم فریاد کشید: وای بر ما... ما در همان روزها مصرا از دولت خواستیم به پرونده این قبیل جنایات رسیدگی نماید. به اعتقاد ما این دار و دسته که تحت پوشش مذهب و مبارزه با ضدانقلاب مرتکب چنین اعمالی می‌شوند، بسیار بیشتر از دستجات ضدانقلابی شناخته شده در منطقه به انقلاب ضربه می‌زنند. آنها خوراک تبلیغاتی لازم را برای ضد

مردم برانگیخته بود، بار دیگر در راس کمیته‌های نطقه قرار گرفتند و ملاحسنی نیز با حمایت دوستان بسیار متنفذ خود در حکومت همچنان بر مسند قدرت باقی مانده و بی‌محابا به یکتازی مشغول است. در عوض اقدامات دیگری صورت گرفته است. این اقدامات که خشم مردم و تمامی نیروهای پایبند به انقلاب را برانگیخته است، تصفیه مخالفان این باند جنایتکار است. بسیاری از افراد صادق و ترقیخواه سپاه پاسداران نطقه و ارومیه که با اعمال جنایتکارانه این دار و دسته به مخالفت برخاسته بودند، مشمول تصفیه شده و اخراج گردیده‌اند. ما از مسئولین امور و دست‌اندرکاران مسئله کردستان در دولت سؤال می‌کنیم که اگر مسائل طرح شده در روزنامه جمهوری اسلامی ایران در مورد این افراد صحیح بود - که تنها دهها هزار تن از مردم نطقه و ارومیه گواهی دهندگان صحت آن مطالب‌اند - چگونه چنین اقداماتی صورت گرفته است؟ آیا دولت با چنین اقداماتی موافق است و اگر نیست چه کسانی در ارگان‌های دولتی از این باند ضدانقلابی حمایت می‌کنند؟ آیا دولت احکام به اصطلاح دادگاه‌های انقلاب ارومیه را که به دنبال فاجعه ایندرفاش و درگیری‌هایی که متعاقب آن در مهاباد رخ داده در مورد دهها فرد بی‌گناه و کسانی که هیچ‌گونه دخالت و شرکتی در ایجاد این فاجعه نداشتند، صادر شده است مورد تأیید قرار می‌دهد؟ به عنوان مشت نمونه خروار یادآور می‌شویم که از جمله بی‌گانه‌هایی که در این رابطه به فرمان باند ملاحسنی و معبودی به جوخه

پس از قتل عام اهالی روستای ایندرفاش مهاباد توسط باند ملاحسنی و معبودی که در نتیجه آن ۴۶ نفر از مردم بی‌دفاع این روستا به نحو فجیعی قتل عام شدند و کشتار مردم روستاهای صوفیان و سروکائی و به آتش کشیدن تعدادی از روستاهای کردنشین منطقه توسط همین دار و دسته، اعتراضات بسیار گسترده‌ای علیه اعمال ضدانقلابی و جنگ‌افروزانه آنها صورت گرفت. از جمله سپاه پاسداران نطقه و ارومیه مخالفت آشکار خود را با اعمال جنایتکارانه باند معبودی، قطاری و محرر که از حمایت کامل امام جمعه ارومیه (ملاحسنی) برخوردار می‌باشند، اعلام داشته و خواستار رسیدگی به پرونده سپاه آنها شدند. همچنین روزنامه جمهوری اسلامی ایران طی چند شماره ضمن درج مقالاتی درباره مسائل کردستان، مسلح کردن دار و دسته عظیم معبودی و مراد قطاری و ملاابراهیم محرر در نطقه توسط ملاحسنی را محکوم نمود. روزنامه جمهوری اسلامی ضمن اشاره به گذشته معبودی و شرکاء که همه از وابستگی رژیم سابق می‌باشند، اعلام نمود که این افراد تحت پوشش دفاع از جمهوری اسلامی و مبارزه با ضدانقلاب قدرتی در منطقه به هم زده و با اعمال تحریک آمیز خود به خصومت میان کرد و ترک در منطقه دامن می‌زنند. و هر زمان فجایع بیشتری را باعث می‌شوند که قتل عام مزد ایندرفاش نمونه بارز آن است. به دنبال درج این مقالات که به عنوان گزاشی مثبت در مشی دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسئله کردستان ارزیابی گردید، تمام مردم منطقه منتظر اقدام عملی دولت در مورد رسیدگی به جنایات این دار و دسته بودند. این دار و دسته جنایتکار که برای مدتی تحت فشار مردم جرات ظاهر شدن در انظار عموم را نداشتند، غلیبرغم امیدهایی که اقدامات افشاگرانه اخیر در

درباره بودجه ۱۳۶۰ دولت رجائی

• بودجه سال ۶۰ پس از مدتی تاخیر هفته گذشته به مجلس برده شد. نخست وزیر هنگام تقدیم لایحه بودجه به مجلس، پس از اشاره به میراث شوم رژیم منفور گذشته و مشکلاتی که دولت رجائی از فردای روی کار آمدن با آن روبرو بوده است، به بحث پیرامون بودجه سال ۶۰ پرداخت. سخنان آقای نخست وزیر در مورد بودجه از یک طرف حاوی نکات مثبت و از طرف دیگر حاوی نکات نگران کننده ای بود که در زیر به بررسی آن می پردازیم:

ضرورت برنامه ریزی

آقای رجائی در قسمتی از سخنان خود به مسائلی اشاره کرد که می تواند حرکات مثبتی را نوید دهد. او گفت: تجربه نشان داده است که در غیاب یک برنامه ریزی مشخص و منسجم و نبودن ضابطه صحیح و در خور جمهوری اسلامی برای تشخیص اولویت ها و تخصیص بودجه، این قانون بلاک های شخصی و فردی اجرا شده و غالباً باعث بی نظمی در کار و افسردگی مسئولین اجرائی را فراهم می آورد.

(روزنامه جمهوری اسلامی ۳ اردیبهشت) این سخنان نشان می دهد که دولت سرانجام به اهمیت برنامه ریزی پی برده است اما باید متذکر شد که این تنها زمانی می تواند موثر باشد که بر زمینه های اصولی و به دور از تنگ نظری استوار باشد. تجربه نشان داده که برنامه ریزی به تنهایی و بدون آنکه با سیاستی مردمی، خواه در داخل و خواه در خارج از کشور همراه باشد، گرهی از کار نخواهد گشود. انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما نه تنها برنامه ریزی را ایجاب می کند، بلکه خواهان برنامه ریزی مبتنی بر تشخیص دوستان و دشمنان انقلاب ایران در داخل کشور و در عرصه جهانی و در جهت رفع

افزایش صادرات نفت نمی تواند چاره ساز نتایج مخرب ناشی از کسری بودجه باشد. چون گرانی و سایر مسائل، ناشی از کسری بودجه نیست بلکه ناشی از وضع نابسامان اقتصادی است و تا زمانی که سیاست اقتصادی همه جانبه ای در جهت مقابله با وابستگی و با بحران اقتصادی در پیش گرفته نشود گرانی، بیکاری و... کارگران و زحمتکشان را در چنگال خود خواهد فشرد.

آلمانی، فرانسوی، انگلیسی و... صورت گرفته است. همچنین باید خاطر نشان ساخت افزایش صادرات نفت در شرایطی که این گرایش در ارتباط با خریداران نفت ایران نیز عمل می کند، می تواند خطرات جدی برای انقلاب دربر داشته باشد.

*

اکنون که مجلس شورای اسلامی بررسی لایحه بودجه ۶۰ را آغاز کرده است، ما بار دیگر تکرار می کنیم که راه حل مقابله با مشکلات اقتصادی (و از جمله کسری بودجه) اتخاذ سیاست اقتصادی و سیاست خارجی منطبق بر انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما است. سیاستی که متضمن اجرای اقدامات زیر است:

* ملی کردن تجارت خارجی و صنایع وابسته ای که هنوز ملی نشده اند و قطع پیوندهای وابستگی صنایع وابسته.

* اصلاحات ارضی و اجرای بند "ج" و "د"

* کنترل قیمت های کالاهای صنایع داخلی.

* هر چه وسیع تر کردن سیاست جیره بندی کالاهای اساسی.

* کاهش مالیات های غیر مستقیم و افزودن بر مالیات های مستقیم به ویژه مالیات بر ثروت و سود ثروتمندان و سرمایه داران.

* گسترش روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای ترقی خواه مدافع استقلال ایران.

هرگونه تعلل و مسامحه در تدوین برنامه های اساسی و همه جانبه با توجه به نکات فوق، و نیز هرگونه تنگ نظری در مقابل مشارکت نیروهای انقلابی در تدوین و اجرای چنین برنامه های، زمینه ای مساعد برای رشد نیروهای ضد انقلابی و سازشکار فراهم می آورد. دولت آقای رجائی و مجلس شورای اسلامی وظیفه ای خطیر پیش روی دارند.

•

رجائی) باید از محل فروش نفت تامین شود. این یعنی افزایش صادرات نفت و این به ویژه در شرایطی که جمهوری اسلامی سیاستی روشن در زمینه سیاست اقتصادی خارجی اعلام نکرده است و با تکیه به سیاست به اصطلاح "دو ابر قدرت" عملاً صف دوستان و دشمنان انقلاب ایران را مخدوش می کند، سیاست به غایت نگران کننده ای است.

ابتدا باید توضیح داد که افزایش صادرات نفت نمی تواند چاره ساز نتایج مخرب ناشی از کسری بودجه باشد. چون گرانی و سایر مسائل ناشی از کسری بودجه به خودی خود ناشی از بودجه نیست بلکه ناشی از وضع نابسامان اقتصادی است و تا زمانی که سیاست اقتصادی همه جانبه ای در جهت مقابله با وابستگی و با بحران اقتصادی در پیش گرفته نشود گرانی، بیکاری و... کارگران و زحمتکشان را در چنگال خود خواهد فشرد. به علاوه باید گفت افزایش صادرات نفت تنها به دولت امکان می دهد تا نیازهای خود را (خرید مواد اولیه و مواد غذایی و...) از بازارهای خارج تامین کند. تامین این نیازها در شرایطی که جمهوری اسلامی هنوز به سیاست خارجی منطبق با انقلاب دست نیافته، در شرایطی که گستره نظریه به غایت ارتجاعی "دو ابر قدرت" در محافل جمهوری اسلامی وسعت یافته، می تواند خطری جدی برای انقلاب به شمار رود. به ویژه آنکه اخیراً مذاکرات نگران کننده ای در زمینه تجدید پیوندهای بعضی از صنایع وابسته با شرکت های ژاپنی،

بخصوص آنکه در دو سال گذشته به دلیل توقف بعضی از فعالیت های تولیدی، وجود معافیت های مالیاتی و تسهیلاتی که دولت بازرگان برای سرمایه داران قائل شد و همچنین فرار سرمایه داران از پرداخت مالیات، به گذشته وضع چندان خوبی نداشته است. به این ترتیب کاهش درآمد مالیاتی و همچنین کاهش صادرات نفت موجب افزایش کسری بودجه دولت و اتکای روزافزون وام از بانک مرکزی برای تامین کسری بودجه شده است. در عین حال جنگ تحمیلی رژیم صدام و هزینه نگهداری متجاوز از یک میلیون هم وطن جنگ زده، این وضع را وخیم تر کرده است.

حال ببینیم وقتی آقای رجائی می گوید امسال کسری بودجه نداریم، این به چه معنی است.

معنی

((کسری بودجه نداریم)) چیست؟

آقای رجائی گفته است بودجه ۳۳۰ میلیارد تومانی دولت از محل فروش نفت و اخذ مالیات تامین می شود. متأسفانه دولت تاکنون سیاستی را که حاکی از تغییرات اساسی در نرخ های مالیاتی و نحوه وصول مالیات باشد، دنبال نکرده است. اگر این وضع ادامه یابد، درآمد مالیاتی دولت در سال ۶۰ تفاوت قابل ملاحظه ای با سال گذشته نخواهد داشت و تنها قسمت کوچکی از بودجه ۳۰۰ میلیارد تومانی دولت را تامین خواهد کرد (حد اکثر ۵۰۰ الی ۶۰۰ میلیارد ریال) و بقیه آن (بنا به گفته آقای

نیازها و خواسته های زحمتکشان است.

بودجه ۶۰

آقای نخست وزیر درباره بودجه سال ۶۰ گفت بودجه امسال ۳۳۰ میلیارد تومان است که از محل فروش نفت و اخذ مالیات تامین می شود و دولت پیش بینی کرده که در سال جاری کسری بودجه نخواهیم داشت.

ما در شماره های گذشته کار درباره کسری بودجه و اثرات مخرب آن بر زندگی کارگران و زحمتکشان سخن گفته ایم و نشان داده ایم که تنها با درپیش گرفتن سیاستی در جهت مقابله با وابستگی اقتصادی و اتخاذ سیاست خارجی روشن در جهت گسترش روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای مدافع استقلال و انقلاب ایران می توان با مشکلات اقتصادی (از جمله کسری بودجه) مقابله کرد. اما آقای رجائی بدون آنکه به این الزامات مبارزه ضد امپریالیستی اشاره کند، گفت مسائل موجود "دولت را بر آن داشت تا نفت را به میزان مورد نیاز به بازار عرضه نماید."

(روزنامه جمهوری اسلامی ۳ اردیبهشت)

و به این ترتیب سیاست نگران کننده ای را مطرح کرد که باید از سوی نیروهای انقلابی به دقت مورد توجه قرار گیرد.

واقعیت آن است که در حال حاضر دولت برای پرداخت مخارج خود اساساً به فروش نفت و دریافت وام از بانک مرکزی متکی است.

با انقلاب یا علیه انقلاب

خویش را لمس کرده اند حاضر نیستند حقیقت را بپذیرند این اشخاص هر نیت و قصدی که داشته باشند باید بدانند که انکار آفتاب نه تنها روز را شب نمی کند بلکه تمسخر تاریخ و مردم را هم به دنبال خواهد آورد از این جمله است سخنان آقای پرورش نماینده اصفهان در نطق پیش از دستور مجلس در تاریخ یکشنبه ۳ فروردین ایشان طی سخنان خود اعلام کردند که گویا آقای هومر که از سرمایه داران بزرگ

صهیونیست و دوست راکفلر و همچنین یکی از سران حزب جمهوریخواه آمریکا است با برزنف ملاقات کرده و از او شنیده است که شوروی بیش از آمریکا مایل به سرنگونی حکومت ایران بوده و نمی تواند خمینی را تحمل کند .

اگر هیچکس دیگر نداند آقای پرورش در مقام نمایندگی مجلس باید بداند که گرفتار شدن دام امپریالیسم خبری و استناد به سخنان یک سرمایه دار بزرگ صهیونیست و دوست راکفلر کار هوشمندانهای نیست ، آن هم زمانی که اتحاد شوروی در طول انقلاب و پس از آن در عمل ثابت کرده است که از انقلاب ایران و دستاوردهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک آن پشتیبانی می کند آقای پرورش باید بداند که گل اندود کردن این واقعیت روشن ، حتی به مدد لجن های محافل خبری امپریالیستی نمی تواند از ارزش و قدر دوستی خلق شوروی نسبت به انقلاب ما بکاهد ، امامی تواند مایه خوشحالی و تفریح امپریالیست های دام گستر شود .

طبس ، نوژه و باز هم جای پای

ضد انقلاب در ارتش؟!

هر سال در ارتش بر اساس یک سنت مقداری شیرینی ، پسته و آجیل در بسته های به عنوان عیدی به پرسنل نظامی هدیه می شود . در نوروز امسال این سنت وسیله ای در دست عناصر ضد انقلاب و سلطنت طلب شده است تا به یاد روزهای خوش گذشته بیفتند . طبق اطلاعات واصله برخی از جعبه های مزبور در نوروز امسال همراه با پیام نوروزی ستاد بزرگ ارتشداران ! و عکسی خانوادگی از شاه معدوم بوده است . طبق خبری که از منبع دیگری به ما رسیده است از این جعبه ها برای پرسنل جعبه نیز ارسال شده است . اطلاعات فوق شاهد و دلیل گویایی از استمرار فعالیت عناصر ضد انقلاب در ارتش و بین پرسنل نظامی است . این اقدامات که در رابطه با مجموعه تبلیغات ضد انقلاب در بخشهای دیگر ارتش است قصدی جز ایجاد محیط تشنج و اشاعه تبلیغات گمراه کننده در جامعه ندارد . مقامات مسئول و نیز نظامیان ترقیخواه و میهن پرست می بایستی با پیگیری سرخ های موجود ، این عناصر خود فروخته را شناسایی کرده و به نهادهای انقلابی معرفی نمایند .

بیا ، ای ماه مه!

بیش از ۹۰ بار این روز را جشن گرفته ایم . جشن ؟ اگر بتوان به تظاهراتی که در رگبار گلوله سرمایه داران بخون می نشیند نام جشن نهاد . جشن ؟ اگر بتوان به یورش زاندارم ها و پلیس های استثمارگران و سرکوب خونین آنان نام جشن نهاد ؟ اگر بتوان به گلوله باران بورژوازی بر پیکر معدنچیان نام جشن نهاد . از شیکاگو تا کاستیلون پاریس ، از پترزبورگ تا تهران بیش از ۹۰ بار جشن گرفته ایم . آمده ایم تا " داغ لعنت " سرمایه را از چهره برکنیم ، آمده ایم تا " حقوق " خود را از استثمارگران روح و جان خویش بازستانیم . ما " اردوی بیشمار " کاریم " اردوی بیشماری " که هر روز جانش در زیر چرخ دنده های سرمایه ریز می شود ، اردوی بیشماری که چه بسیار چه بسیار جانها ، دستها و پاها را در لای دنده های چرخ بزرگ سرمایه فدا کرده است " اردوی بیشماری " که آبدیده گشته ، جنگیده و پیروز شده ، بر تارک همه تلاش های ما ، کارگران متحد جهان ، سوسیالیسم می درخشد و سرمایه داری معاصر فرو می پاشد . جدا از بیکاری بورژوازی جنگ بورژوازی قحطی و گرسنگی بورژوازی و دمکراسی بورژوازی ، ما سازندگان این عصر ، پرولتاریای از بند رسته و در ستیز ، همپا با خلقهای پیروز و در ستیز ، این روز را ، اول ماه مه را هر سال تا " روز نبرد قطعی " جشن خواهیم گرفت جشن !

هشدار به سیاق قطب زاده

بعد از یک دوره غیبت پس از ماجرای سرای دستمالچی ، صادق قطب زاده نیز در پیروی از " فتوا " های رنگارنگ و بیانیهای جور و اجور روحانیت مرتجع طرفدار اسلام آمریکایی و لیبرالهای آبرو باخته با صدور بیانییه شدیدالحنی ! مجددا پا به عرصه " سیاست " نهاده . قطب زاده که سیاست سانسور و اختناق و قیچی را با عدم موفقیت کامل روبرو دید از مدت ها پیش نقش ضد سانسور و ضد خفقان را پیشه کرده و امروز همچنان در هیئت یک " آزادیخواه " تمام عیار ظاهر می شود . ایشان در طی این بیانییه فشرده به همه عناصر " ضد آزادی " هشدار داده و آنها را از عواقب تصمیماتی که ممکن است شخص ایشان بگیرند هراسانده است !! با استفاده از ضمیر جمع ، به سیاق شخصیت های " بلند پایه " ، قطب زاده اعلام کرده است : " اینجانب صراحتا به دست اندرکاران اینگونه اعمال ... هشدار می دهم که اگر همچنان به

کوه به کوه نمی رسد بختیا ربه

بخت برگشته می رسد!

رادیو کلن گزارش کرده است که : " بختیار در دیداری که اخیرا به دعوت سادات از مصر به عمل آورد رسماً به جبهه سلطنت طلبان پیوست و پشتیبانی خود را از سلطنت پسر شاه یعنی رضا پهلوی اعلام کرد "

این سوسیال - دمکرات دو آتش که قبل از قیام بهمن می کوشید حمایتش را از پدر " شاه جوان " به لطائف الحیل از چشم مردم انقلابی ما پنهان کند ، امروز دیگر اینگونه پنهانکاریها را ضروری نمی بیند و آشکارا دست در دست ولیعهد ناکام و پدر خوانده هایش سادات کیسینجر و راکفلر می نهد . البته این نزدیکی بهیچوجه یک طرفه نیست چرا که ولیعهد بخت برگشته نیز جابجا در پیامهایی که برای سلطنت طلبان می فرستد و رادیو اسرائیل و صدای آمریکا آن را پخش می کنند سخن از بازگرداندن و اعاده دمکراسی ! در ایران می نماید . این همکاری چند جانبه بین سوسیال دمکراسی بختیاری ، سلطنت طلبان ، رادیوکلن و رادیو اسرائیل و صدای آمریکا اگر هیچ سودی عاید ضد انقلاب نکند (که نمی کند !) لااقل پیوند لیبرالهای آشکار و چهره ضد انقلاب سرنگون شده را با رادیوهای امپریالیستی به روشنی به نمایش می گذارد .

استناد به سخنان

یک صهیونیست !

معلوم نیست چرا برخی از شخصیت های سیاسی جمهوری اسلامی اصرار دارند بر روی پیشداری های مغلوط و سراپا اشتباه خود پافشاری لجوجانه کنند . روشن نیست چرا کسانی که در تجربه عملی عیب بودن پندارهای نادرست

استقلال - کار - مسکن - آزادی

اول ماه مه از زبان مادر جونز

تراژدی هایمارکت

دو اردوی متخاصم تقسیم شده بود: یک طرف کارگران یخزده از سرما، گرسنه و بیکار که چیزی داشتند جز مشت‌هایشان در برابر اسلحه و باطوم پلیس و از سوی دیگر کارفرمایان محفوظ از سرما و گرسنگی، تحت حمایت پلیس و نیروهای دولت مقتدر!

اول ماه مه فرا رسید. قرار بود در این روز مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه آغاز شود. روزنامه‌ها از مدتی پیش تبلیغات زهرآگین خود را علیه جنبش و برای ترساندن مردم شروع کرده بودند. اعتصابات و راهپیمایی‌ها از چهارسوی شهر آغاز شد. کارفرمایان شیخ انقلاب را جلوی چشم خود می‌دیدند. کارگران هر کس را که به اعتصاب نمی‌پیوست، "زرد" می‌خواندند. "زردها" که اعضای سندیکاها را زرد کارفرمایی بودند و با هر اعتصابی مخالفت می‌کردند، علیرغم شرایط مشابه زندگی با دیگر کارگران که چیزی بیش از فقر و فلاکت نبود، گوش به فرمان کارفرمایان خود بودند. آنها که هنوز به منافع طبقاتی خود آگاهی نیافته بودند، از جانب اعتصابگران تهدید می‌شدند. آجرها بود که پرتاب می‌شد و شیشه‌ها بود که می‌شکست. افراد پلیس حمله را شروع کردند. عده زیادی در تیراندازی کشته شدند. عده‌ای دیگر در زیر سم اسب‌ها لگدکوب گشتند و دختران و پسران بسیاری تا حد مرگ کتک خوردند.

بقیه در صفحه ۲۳

را که از نمونه‌های آموزنده ادبیات کارگری در خصوص کم و کیف مبارزه سندیکائی است، به همه مبارزان جنبش کارگری ایران توصیه می‌کنیم. آنچه که در زیر می‌آید، خاطره روز اول ماه مه ۱۸۸۶ شیکاگو از زبان مادر جونز است که خود در آن حضور داشت. مادر جونز این واقعه تاریخی را تحت عنوان "تراژدی هایمارکت" در کتابش شرح داده است:

"سالهای بعد از ۱۸۸۶ دوره اعتصاب‌های بزرگ بود. کارگران، مبارزه ۸ ساعته کار روزانه را آغاز کردند. سندیکاها از آنان حمایت می‌کردند. در این زمان گروه کوچک آنارشیستی شیکاگو نیز به جنبش ۸ ساعت کار روزانه پیوست و از این زمان به هر حرکت و صحبت اقتصادی برجسب آنارشیستی زده می‌شد. کارفرمایان واژه "آنارشی" را علم می‌کردند تا جنبش را خفه کنند. هر کس که طرفدار ۸ ساعت کار روزانه بود "دشمن وطن، خائن و نارشیست" نامیده می‌شد شور و هیجان شدت یافته بود. شهر (شیکاگو) به

● مادر جونز (ماری جونز) از زمره نخستین زنان پیشاهنگ و مبارز جنبش ۸ ساعت کار و از چهره‌های سرشناس جنبش سندیکائی آمریکا در نیمه دوم قرن نوزدهم بود. مادر جونز مبارزی ثابت قدم و پیگیر بود. او در سازماندهی حرکات اعتراضی و اعتصابات بسیاری شرکت فعال داشت و حتی در سنین کهولت نیز هیچ فرصتی را برای آموزش و انتقال تجارب سندیکائی خویش به کارگران جوان از دست نمی‌داد. بارها و بارها توسط پلیس بازداشت و زندانی شد. سرمایه‌داران حتی از نام او در هراس بودند. مادر جونز در سنین پیری خاطرات و تجارب دوران مبارزه‌اش را که در واقع گوشه‌ای از مبارزات کارگری در آمریکا بوده و سرشار از تجارب مبارزه سندیکائی است در کتابی تحت عنوان "خاطرات مادر جونز" به رشته تحریر درآورد. این کتاب با بیانی ساده و دلنشین، تصاویر روشنی از مبارزات و تاریخچه جنبش سندیکائی کارگران آمریکا و مشکلات و مصائب آن در بردارد. ما مطالعه این اثر انقلابی

یاد پواتیه سراینده سرود انترناسیونال را گرامی داریم

انترناسیونال سرود وحدت زحمتکشان

گورستان پرلاشز، جایی که کموناردهای شهید در آن آرمیده‌اند، به خاک سپرده شد.

آری، همچنانکه کارگران پاریس فریاد می‌زدند برآستی پواتیه زنده ماند. اگر در آن روزها، در روزهای کمون، در "هفته خونین" سرود او تنها بر زبان کارگران پاریس جاری بود، امروز میلیون‌ها کارگر و زحمتکش در سراسر جهان به زبان‌های مختلف "سرود انترناسیونال" را می‌خوانند. در اول ماه مه هر سال، کارگران و زحمتکشان سراسر جهان با طنین سرود انترناسیونال، پتک وحدت خویش را بر پیکر فرتوت سرمایه‌داری محتضر فرود می‌آورند. و این است آن پیام وحدت بخش:

بپاخیز ای انسان گرسنه
بپاخیز ای داغ خورده نیازها
بپاخیز و دگرگون کن،

پایان ده سالیان عجز و بندگی را.
و بدور ریز هر آنچه خرافات است
ای توده‌ها برخیزید! برخیزید!
تا این وضع را تغییر دهیم
و پیروزی را به دست آوریم
پس رفیقان گردآئیم و متحد شویم
و به نبرد آخرین بپردازیم
ما کارگران، دهقانان و دیگر یاران
باید از میان زحمتکشان سرباز گیریم
بگذاریم اکنون برای برادرانمان دعوی زمین‌نمائیم
و سستی و تنبلی را از روی زمین برگزینیم
دیرزمانیست که طعمه لاشخورها بوده‌ایم
ولی اکنون، بدرود ای روح ترسو و پست
که ما در آستانه روزهای درخشانی
نه! رهائی از آسمان به زیر نمی‌افتد
به ثروتمندان نیز، اعتماد نشاید.
این دستان خود ماست که باید زنجیرها را بگسلد
دورنیست که چپاولگران را طرد کنیم
و برای همه روزهای شادی و سعادت را نوید دهیم
پس، رفقا گردآئیم و متحد شویم
و به نبرد آخرین بپردازیم
که انترناسیونال به وحدت نژادهای انسانی می‌انجامد

در دومین روز "هفته خونین" اوژن پواتیه شاعر مردمی، که نجار نیز بود با قلبی آکنده از عشق به کمون و کموناردها و نفرت از سرمایه‌داران، شعری سرود که جاودانه ماند. این شعر که کمی بعد "سرود انترناسیونال" نام گرفت، به پیاده قهرمانی‌های کموناردهای رزمنده پاریس سروده شده بود.

اوژن پواتیه در سال ۱۸۱۶ در یک خانواده فقیر متولد شد و تا آخر عمر همچون دیگر کارگران در فقر و فلاکت به سر برد. در ۱۴ سالگی اولین شعرش را به نام "آزادی زنده می‌ماند" سرود. در سال‌های ۴۰ قرن نوزده با سرودن اشعار انقلابی و حماسی به روی دگرگونی‌های عظیمی که در راه بود، آغوش گشود و طنین فریادهای انقلاب ژوئن را در شعرهایش رساتر کرد.

اشعار پواتیه سرشار از جوش حماسه و درخشندگی آرمان‌های والا و شکوهمند پرولتاریای انقلابی است. اوژن پواتیه در سال ۱۸۴۸ در جبهه نبرد کارگران علیه سرمایه‌داری جنگید و در ۱۸۷۱ به صفوف کموناردها پیوست. پواتیه در انتخابات نمایندگان کمون از ۳۶۰۰ رای ممکن، ۳۵۵۳ رای آورد و در تمامی مبارزات کمون شرکت فعال داشت. پس از سقوط کمون، پواتیه مجبور به ترک فرانسه شد و به انگلستان عزیمت کرد و از آنجا نیز روانه آمریکا شد. ۹ سال بعد به فرانسه بازگشت و به صفوف حزب کارگران فرانسه پیوست. پواتیه در نوامبر ۱۸۸۷ با کارگران و مردمی که به آنها عشق می‌ورزید و برای آنها می‌سرود و مبارزه می‌کرد، وداع گفت. در جریان تشییع جنازه وی، پلیس به جمعیت شرکت‌کننده یورش برد و انبوه جمعیت در حالی که فریاد می‌زدند: "پواتیه زنده می‌ماند" مراسم را به پایان بردند. پیکر او به وسیله کارگران پاریس در

● "انترناسیونال" سرود وحدت است، وحدت صفوف میلیونی پرولتاریا، وحدت کارگران و زحمتکشان سراسر جهان، وحدت نژادهای انسانی. انترناسیونال بشارتگر رهائی است، رهائی پرولتاریا و فراتر از آن رهائی تمامی بشریت از قید استثمار، ستم، جهالت و بردگی مزدوری.

اول ماه مه، عید وحدت است، عید تجلی همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان.
اول ماه مه روزی است که طنین سرود انترناسیونال، زمین زیر پای سرمایه‌داری را می‌لرزاند. گرامی بداریم اول ماه مه را، بازو در بازوی هم، بکدل و یک‌زبان، با طنین سرود انترناسیونال. و گرامی بداریم خاطره پرشکوه رزمندگان به خون خفته اول ماه مه را، خاطره کموناردهای شهید را و یاد سراینده سرود انترناسیونال را...

*

پس از آنکه نخستین حکومت کارگری جهان (کمون پاریس) در اثر تهاجم وحشیانه سرمایه‌داری، سقوط کرد و کموناردهای قهرمان در خون غلتیدند، بورژوازی بر آن شد تا انتقام فجیعی از پرولتاریای رزمنده پاریس بازستاند. ترور سیاه بر پاریس حکمفرما شد و "هفته خونین" با نبردهای شدید خیابانی و حماسه‌آفرینی‌ها و شهادت صدها کارگر رزمنده، جهان را تکان داد. کمون در "پرلاشز" (گورستان کموناردها) آرام گرفت اما آرمان‌ها و آموزش‌های سترگ آن، عزم پرولتاریا را در مبارزه برای پیروزی نهائی استوارتر کرد. مارکس نوشت:

"پاریس کارگری و کمونش برای همیشه بمتابه طلایه‌دار جامعه نوین در یادها خواهد ماند و خاطره شهیدانش با عشق و احترام در قلب بزرگ پرولتاریا جاودانه خواهد زیست."

گرامی باد دهمین سالگرد شهادت کارگران مبارز جهان چیت

مسالمت‌آمیز کارگران قهرمان جهان چیت در خون غلتید و بیش از پیش چهره ضد بشری دیکتاتوری رسوای پهلوی را آشکار کرد. در آستانه دهمین سالگرد این راهپیمایی خونین، خاطره شهادت کارگرانی را گرامی می‌داریم که در خفقان‌بارترین دوره‌های تسلط دیکتاتوری پلیسی - نظامی شاه با مبارزه و شهادت قهرمانانه خویش، راه انقلاب بهمین را گشودند. گرامی باد خاطره شکوهمند کارگران شهید جهان چیت

کار گرفتند. اداره ساواک کرج که اوضاع را نامساعد دید، کارگران را تهدید کرد که "اگر پایتان را از کارخانه بیرون گذاشتید، هرچه دیدید، از چشم خودتان دیدید!" و کارگران مبارز جهان چیت در مقابل این تهدید پاسخ دادند:

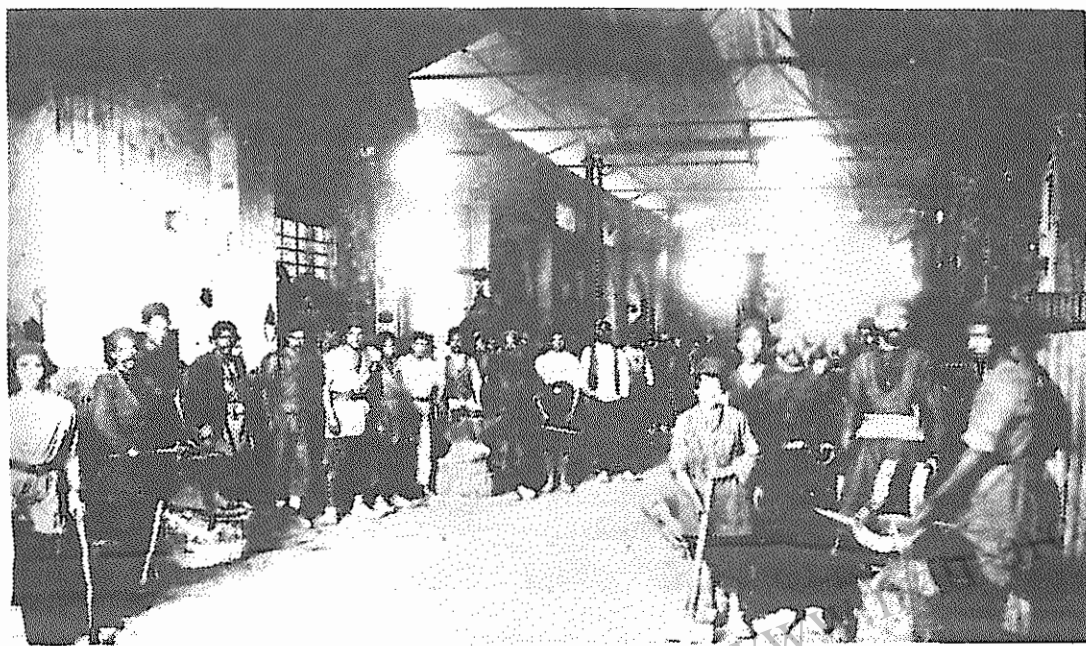
"اگر جلوی آتش گلوله هم برویم بهتر از آن است که این زندگی را تحمل کنیم." و بدنبال این تصمیم، کارگران، کارخانه را ترک کرده و به طرف تهران شروع به راهپیمایی کردند تا در مقابل وزارت کار اجتماع نموده و مطالبات قانونی خود را طرح کنند اما رژیم پلیسی شاه از این حرکت اعتراضی مسالمت‌آمیز به وحشت افتاده و در پاسخ به مطالبات صنفی کارگران، به منطق واقعی خود یعنی گلوله و چماق متوسل شد. کارگران در بین راه کرج و تهران (در حوالی کاروانسرا سنگی) با صفوف آماده ژاندارم‌های مسلح مواجه شدند. ژاندارم‌ها ابتدا با چوب و چماق به کارگران حمله بردند و برخی از کارگران را مجروح کردند. کارگران نیز با سنگ به مقابله ژاندارم‌ها رفتند و ولای فرماندهان مزدور دستور تیراندازی به سوی کارگران را دادند و به دنبال آن، رگبار آتش را به روی کارگران گشودند. در جریان این ترور سفاکانه و سیاه، دهها کارگر مبارز شهید و مجروح شدند. یکی از کارگران قهرمان در حالیکه سینه‌اش را سپر کرده بود، فریاد برآورد:

"من هفت بچه دارم ولی از مردن باکی ندارم، بزنید! بزنید!" طی این کشتار علاوه بر چندین شهید کارگر جهان چیت، یک راننده اتوبوس، یک کارگر نانوا و یک زن خانه‌دار نیز در اثر تیراندازی و حملات وحشیانه ژاندارم‌ها به شهادت رسیدند. بدین ترتیب حرکت اعتراضی

هشتم اردیبهشت ماه، یادآور خاطره پرشکوه مبارزه و شهادت کارگران جهان چیت است. کارگرانی که در سیاه‌ترین روزهای دیکتاتوری فاشیستی شاه، در جریان مبارزه برای تحقق مطالبات صنفی خویش سفاکانه به شهادت رسیدند.

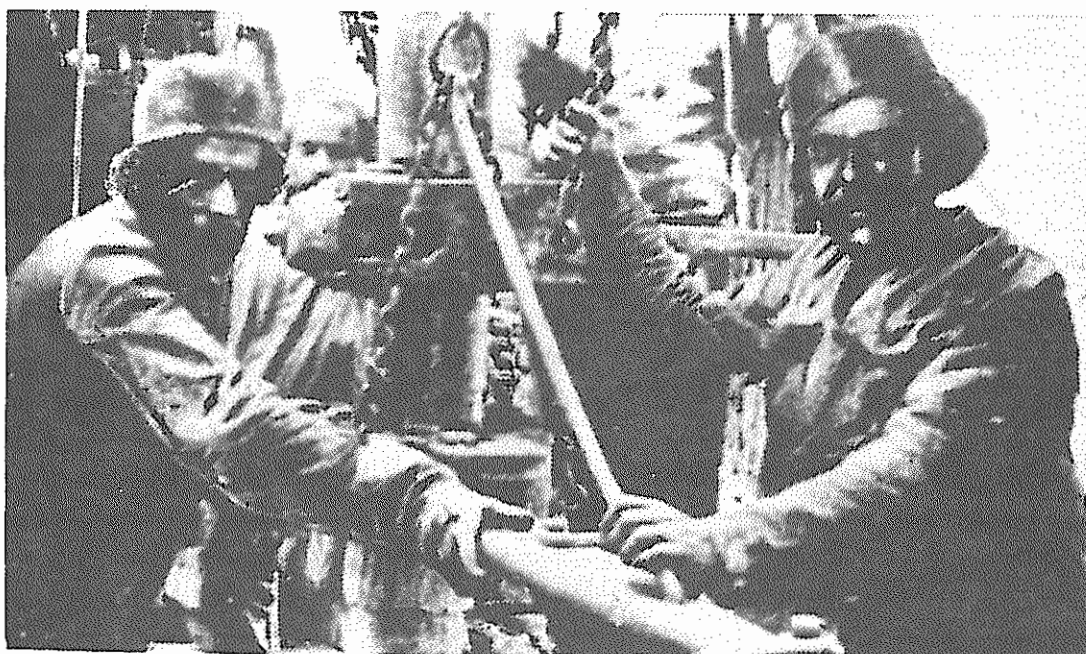
در روز ششم اردیبهشت ۱۳۵۰ کارگران مبارز جهان چیت به احکافات کارفرما (فاتح) اعتراض نموده و خواهان افزایش دستمزدها شدند. زیرا کارفرما حتی حاضر به پرداخت میزان حداقل دستمزد تعیین شده توسط وزارت کار (یعنی ۱۰۰ ریال) نیز نبود. در این روز کارگران بطور یکپارچه دست به اعتصاب زدند. این حرکت اعتراضی در آن روزهای سیاه که خفقان بر محیط کارخانه‌ها حاکم بود و سرمایه‌داران از کلیه وسائل ارباب و سرکوب علی‌گه اعتراضات برحق کارگران برخوردار بودند، بیانگر فشار افسارگسیخته و روز - افزونی بود که رژیم مزدور شاه بر توده‌های زحمتکش میهن ما اعمال میکرد. اداره ساواک کرج پس از اطلاع از خبر اعتصاب کارگران، ابتدا نماینده اداره کار کرج را نزد کارگران اعتصابی فرستاد تا با ارباب کارگران و تهدید آنان به اخراج، کارگران را بر سر کار بازگرداند ولی کارگران همچنان مصممانه در احقاق حقوق خویش پافشاری کردند و در برابر برخوردهای تهدیدآمیز نماینده اداره کار قاطعانه به افشای ماهیت اداره کار و عوام‌فریبی‌های این نماینده پرداخته و او را از کارخانه بیرون انداختند. کارگران که پاسخ مساعدی از اداره کار کرج نشنیدند، ناگزیر مسئله مراجعه به وزارت کار را طرح کردند و علیرغم تهدیدهای گروهان ژاندارم‌های کرج تصمیم به خروج از کارخانه و راهپیمایی دسته‌جمعی به طرف وزارت

تصاویری از نخستین سالهای شکل‌گیری طبقه کارگر ایران



طبقه کارگر ایران زیر سقف مانو فاکتور متولد می‌شود

برای اولین بار پیشه‌وران شهری ورشکست شده، زارعینی که تکه زمین‌هایشان را از کف داده‌اند و چوپان‌های بی‌خانمان شده لر، در زیر سقف واحدی به بزرگی دهها کارگاه گرد آمده‌اند تا نیروی کارشان را بفروشند. گرد آمده‌اند تا بشارت دهنده تولد نیروی تاریخی جدیدی باشند که بر استعمار زحمتکشان ایران نقطه پایان می‌گذارد.



اولین کارگران شرکت حفاری (در سالهای اول قرن بیستم) اسلاف گمنام نفتگران قهرمان ایران، طلایه‌داران جنبش ضداستعماری طبقه کارگر ایران، رزمندگان پیگیر سنگر کار.

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

پیرامون بیانیه اخیر کمیسیون خارجه مجلس شورای اسلامی

اعلام همبستگی و حمایت از انقلاب السالوادور اقدامی است در خور انقلاب ما

• کمیسیون خارجه مجلس شورای اسلامی طی بیانیه‌ای از مبارزات خلق السالوادور پشتیبانی کرده و جنایات امپریالیسم امریکا و رژیم دست‌نشانده نظامی حاکم بر این کشور را محکوم ساخته است. در بیانیه کمیسیون آمده است:

" امریکای جهانخوار که توسط مزدوران دست‌نشانده خود ملت مظلوم السالوادور را مورد هجوم قرار داده برای حفظ منافع خود از هیچ‌گونه فجایعی در این کشور دریغ ندارد و خون هزاران انسان آزاده السالوادوری دلیل وحشیگری امپریالیسم امریکا در جهان امروز است."

بیانیه خطاب به مردم السالوادور اعلام می‌دارد: " ما خود را در کنار شما مردم مبارز و استقلال‌طلب احساس می‌کنیم و حمایت کامل خود را از مبارزه ملت شریف السالوادور اعلام می‌داریم." مردم قهرمان السالوادور سالیان درازی است که علیه

سلطه امپریالیسم امریکا و رژیم‌های دست‌نشانده آن مبارزه می‌کنند. این خلق بی‌پایانسته طی سال گذشته شورانگیزترین حماسه‌های مبارزاتی را علیه امپریالیسم امریکا و رژیم دست‌نشانده آن آفریده و با دادن هزاران شهید و بی‌هراس از قربانی‌های فراوان چون کوهی تزلزل - ناپذیر در مقابل امپریالیسم قدرافراشته است. کمک‌های نظامی امریکا به رژیم حاکم، ارسال کارشناسان و مستشاران نظامی، اجرای آخرین متدهای شکنجه و ترور مخالفین دولت هیچکدام در اراده پولادین این خلق، تزلزل ایجاد نکرده که عزمش را برای پیروزی بیش از پیش

جزم نموده است. دولت‌های سوسیالیستی، انقلابی و ترقیخواه، سازمان‌ها و احزاب کارگری و کمونیستی در کشورهای سرمایه‌داری و همه خلقهایی که در راه استقلال و آزادی علیه امپریالیسم مبارزه می‌کنند، بارها و بارها حمایت خود را از انقلاب خلقی و دمکراتیک السالوادور اعلام نموده، جنایات امپریالیسم را محکوم ساخته‌اند. انقلاب مردم ما نیز در عرصه جهانی نبرد بین انقلاب و ضدانقلاب، از چنین سمت‌گیری پیروی می‌کند. بیانیه کمیسیون خارجه مجلس که اگرچه اندکی دیر

ولی بدرستی بر همبستگی و اتحاد خلقهای دو کشور در مبارزه علیه امپریالیسم جنایتکار امریکا تاکید داشت گامی بسیار مثبت در اجرای سیاست خارجی است. اساس این سیاست در قانون اساسی جمهوری اسلامی تحت عنوان همبستگی با "مستضعفین" جهان و " مبارزه علیه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری" تدوین شده است. این اقدام مثبت می‌تواند و باید که به وسیله اقدامات دیگری تکمیل گردد. برعهده گرفتن نقش فعال در مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد برای افشای مداخلات جنایات امریکا در السالوادور و حمایت فعال از مبارزات مردم

این کشور، اجرای برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در رادیو و تلویزیون و مطبوعات برای شناساندن بیشتر مبارزات خلق السالوادور و افشای جنایات امپریالیسم، دعوت از نمایندگان "جبهه آزادی-بخش خلق - فارابوندومارتنی و جبهه دمکراتیک انقلابی" به میهنمان و ایجاد رابطه نزدیکتر با رهبری مبارزات خلق السالوادور و برگزاری مراسم همبستگی مردم رزمنده میهنمان با مبارزات این خلق قهرمان از جمله این اقدامات می‌تواند باشد. حرکت در این راستا، گام‌نهادن در راه همبستگی عمیق‌تر بین دو ملت و دو انقلاب است.

سازمان ما بارها بر این امر مهم تاکید داشته و امروز همچنان اصرار می‌ورزد که گسترش روابط و همبستگی با کشورها و نیروهای انقلابی جهان یکی از شروط ضرور و اساسی پیشروی انقلاب است و دولت جمهوری اسلامی باید هرچه قاطع‌تر درصدد گسترش این روابط و همبستگی تلاش کند.

است. اما کیست که نداند شعار این حامیان کاخ سفید در جریان مبارزات مردم ایران برای سرنگونی رژیم شاه نیز چیزی جز این نبود! این لیبرالها می‌گفتند مردم ایران برای جلوگیری از خونریزی (!!) مبارزه را کنار بگذارند و به اصلاحات اهدائی شاه و اربابانش تمکین کنند و مملکت را بی‌خود دچار ویرانی نکنند! اینها اکنون نیز همین پیام را به مردم السالوادور می‌دهند.

این موضع‌گیری میزان نه تصادفی است و نه اتفاقی. واقعیت آن است که در عرصه نبرد جهانی انقلاب و ضد انقلاب، هر جا که خلقها برای براندازی نظام وابسته به امپریالیسم مبارزه می‌کنند دو نوع موضع‌گیری در مقابل هم قرار می‌گیرند. نیروهای اردوی انقلاب جهانی قاطعانه از مبارزات خلقها دفاع می‌کنند و نیروهای هوادار امپریالیسم از اردوی ضدانقلاب، نگاهی گذرا به مقالات و مواضع احزاب، گروهها و مطبوعات کشورمان این صف‌بندی را به وضوح روشن می‌سازد. در حالیکه اخیرا کمیسیون خارجه مجلس شورای اسلامی و بیشتر و بیشتر از آن سازمانها و احزاب ترقیخواه و ضد

لیبرالهای میزان نویس نقاشان چهره امریکا در السالوادور

• مدت‌هاست که جنایات فجیع و نفرت‌انگیز امپریالیسم امریکا و دست‌نشاندهانش در السالوادور موجی از خشم و نفرت در سراسر جهان ایجاد کرده است. در داخل السالوادور حتی برخی از لیبرالها که در آغاز چشم امید خود را به هیئت حاکم نظامی دوخته بودند و برای برقراری "آزادی" با آن همکاری می‌کردند و... پس از افشای وسیع جنایات این دولت امریکائی، یکی پس از دیگری از آن جدا شده و به "حمایت" جبهه انقلاب پرداخته‌اند. جنایات رژیم السالوادور و امپریالیسم امریکا آنچنان رسوای جهان است که حتی برخی محافل لیبرالی و مدافعان "حقوق بشر" سرمایه‌داری را نیز به اعتراض واداشته است. اکنون به جرات می‌توان گفت که تنها فاشیست‌ترین و راست‌ترین جناحها در داخل السالوادور و ریگان‌ها، تاچرها و دیگر سردمداران ارتجاعی‌ترین محافظان امپریالیستی در سطح جهان هستند که حامیان رژیم حاکم السالوادور به‌شمار می‌روند. اما لیبرالهای وطنی ما که در خط روی کار آمدن دولت "میانه‌رو" ریگان تقلا می‌کنند در تلاش مفتضحانه برای ریختن آب تطهیر بر دستان خون‌آلود امریکا و خارج

تحریف حقایق السالوادور از جوخه‌های ماسک "راست‌گرایان و چپ‌گرایان" صحبت می‌کند و بخشی از جنایات را منتسب به راست‌گرایان و بخشی دیگر را به چپ‌گرایان نسبت می‌دهد و آنگاه که دو طرف درگیر - هم خلق و هم رژیم حاکم - را عامل کشتار خلق معرفی کرد (البته میزان هرگز صحبتی از جنایات امریکا نمی‌کند) به طرح این سؤال می‌پردازد که "مهم نیست در این مبارزه چه کسی پیروز می‌شود (!!) بلکه از کشور چیزی باقی نمی‌ماند" و نتیجه "اخلاقی" مقاله این است که دو طرف خونریزی را متوقف کنند و تحت رژیم حاکم برای اینکه مملکت از بین نرود با هم همزیستی کنند (!!) میزان وقیحانه مبارزات مردم السالوادور را به‌لوث می‌کشد، به آن حمله می‌برد و به دفاع از جنایات امپریالیسم می‌پردازد و البته اگر یقینش گیر افتاد لابد مدعی می‌شود که مقاله فقط یک ترجمه ساده

افتاده است. پس از این رویدادهای ناخوشایند برای کشورمان چه خواهد ماند؟ مهم نیست که در این مبارزه چه کسی پیروز می‌شود (؟! واقعا!) برای ما چه خواهد ماند" (!!) برآستی آیا برای خبرنگار تایم، اسقف مورد بحث و نویسندگان لیبرال وطنی مهم نیست چه کسی در السالوادور پیروز می‌شود؟! یا این به اصطلاح شیوه بی‌طرفی!! در روزنامه نویسی! (بی‌طرفی به این معنی که مقالات ارگان‌های امپریالیستی را که یک طرف قضیه است چاپ می‌کنند و در مورد طرف دیگر سکوت!) که روزنامه میزان دنبال می‌کند، به دلیل بی‌اطلاعی است؟ اندکی دقت به این مقاله و تمام مقالات منتاژی میزان در زمینه مسائل جهان دم خروس را برملا می‌کند. مقاله تایم با زیرکی "سیاسی سعی می‌کند جنایات امریکارا به نسبت بین انقلابیون و وابستگان امریکا تقسیم کند. مقاله با

کردن امریکا از زیر ضرب توده‌های قهرمان میهنمان و نیز هراسان از انقلاب و هر آنچه که انقلابی و ترقی - خواهی نام دارد، تا بدانجا رسیده‌اند که به مردم بی‌پایانسته السالوادور ایراد می‌گیرند که چرا از این رویدادهای ناخوشایند دست بر نمی‌دارند؟! روزنامه میزان بلافاصله در اولین روز انتشار پس از توقیف اخیر، به درج مقاله‌ای ترجمه شده از مجله امپریالیستی "تایم" در مورد السالوادور دست زد. میزان نویسان با شیوه‌ای ردیالانه مواضع خود را از زبان خبرنگاران امریکائی آنچنانی و مدافعین رژیم السالوادور اعلام می‌کنند. به این جمله که بدون هیچ توضیح اضافی از قول یک اسقف السالوادوری "سوتیتر" شده و به عنوان پیام مقاله میزان به خواننده القاء می‌شود، توجه کنید: " جای تاسف و اندوه است که کشور عزیزمان در سراسیمه‌ی اضمحلال و نابودی

نخست وزیر و وزیر صنایع و معادن باید به مردم جواب دهند

صنعت اتومبیل سازی ایران چه راهی در پیش می گیرد؟

صنایع و معادن ایران می خواهیم سؤالهای زیر را به مردم ایرن پاسخ گویند:

- تاکنون چه برنامه‌ای در جهت مقابله با وابستگی صنعت اتومبیل به امپریالیسم و برپائی صنعت اتومبیل سازی مستقل تدوین و تهیه شده است؟

- تاکنون چه اقداماتی در جهت لغو قراردادهای اسارتبار و استثمارگرانه‌ای که این صنعت به انحصارات امپریالیستی پیوند می‌دهد صورت گرفته است؟

- با سهام انحصارات امپریالیستی در کارخانه‌های اتومبیل سازی ایران چه شده است؟ آیا از این سهامداران سلب مالکیت شده است و تحت چه شرایطی؟

- آیا سیاستها و اقدامات کارخانه‌های اتومبیل سازی رنوو ایران ناسیونال و از سرگیری مونتاژ وانت‌های ژاپنی جزئی از سیاستی است که دولت جمهوری اسلامی ایران درباره صنعت اتومبیل سازی به طور خاص و صنایع وابسته ایران، بطور عام، در پیش دارد؟

مردم ایران خواهان پاسخگویی صریح و روشن نخست‌وزیر و وزیر صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران هستند.

اعلام داشته (اطلاعات سه‌شنبه ۱- اردیبهشت) قرار است در ایران پیکان گالانت، یا پیکان پژو (توسط کارخانه ایران ناسیونال) تولید شود. بنا به اظهار مدیرعامل ایران ناسیونال مذاکراتی میان این شرکت و شرکت گالانت (انحصار ژاپنی امریکایی)، پژو (انحصار فرانسوی)، بنزو و فولکس واگن (انحصار آلمانی) و "کارخانه سواری سازی برزیل" (که از شرکت‌های وابسته به انحصارات امپریالیستی اتومبیل‌سازی است) در جریان است. ما سیاستی را که کارخانه اتومبیل سازی ایران ناسیونال در پیش گرفته است، گامی در جهت تحکیم پیوندهای وابستگی صنعت اتومبیل سازی ایران به امپریالیسم جهانی می‌دانیم. آن را خطری بزرگ در مقابل انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم ایران می‌دانیم و آن را شدیداً محکوم می‌کنیم.

۳- شرکت‌های اتومبیل سازی نپسان و تویوکیوگرام اعلام داشته‌اند مونتاژ وانت‌های ژاپنی را در ایران از سر خواهند گرفت (اطلاعات ۱۸ فروردین) از سرگیری مونتاژ وانت‌های ژاپنی نیز به معنای برقراری مجدد روابط وابستگی در صنعت اتومبیل سازی است. با توجه به نکات فوق ما از نخست‌وزیر و وزیر

بخش مهمی از صنایع ایران در شرایط وابستگی به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، قرار دارد. صنعت اتومبیل‌سازی ایران نیز صنعتی است وابسته که طی سال‌های رشد سرمایه‌داری وابسته ایران رشد و گسترش یافته و از طریق پیوندهایی که با انحصارات امپریالیستی برقرار ساخته، اقتصاد ایران را هرچه بیشتر در شبکه روابط امپریالیستی جهان قرار داده است. از این راه بخش عظیمی از ثروت مردم ایران و ثمره کار کارگران و زحمتکش‌ان میهن ما به جیب انحصارات امپریالیستی سرازیر شده است (ما وضع صنایع وابسته و نیز صنعت وابسته اتومبیل سازی را در مجموعه مقالات "چگونه می‌توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟" در شماره‌های پیشین "کار" مورد بحث مفصل قرار داده‌ایم).

مبارزه در جهت قطع وابستگی صنایع ایران به امپریالیسم جهانی و پیوندهای این صنایع با انحصارات امپریالیستی یکی از ارکان انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم میهن ما است. تاکید بر سیاست ملی کردن صنایع از جانب کارگران و زحمتکش‌ان میهن و نیروها و سازمان‌های انقلابی تاکید است بر آن که از سرمایه‌داران وابسته و سرمایه‌های امپریالیستی در صنایع ایران خلع ید شود تا بدین ترتیب زمینه برای پیشبرد سیاست‌هایی قاطع از جهت دولت، در جهت مقابله با وابستگی فراهم گردد.

هم اکنون صنعت اتومبیل سازی ایران در زمره صنایع ملی شده قرار دارد. ما بارها اعلام کرده‌ایم ملی کردن صنایع آنگاه می‌تواند به معنای گامی اساسی در جهت قطع وابستگی باشد که دولت پیگیرانه و قاطعانه در جهت قطع پیوندهای وابستگی گام بردارد. ما سیاست‌های مقابله با وابستگی در صنعت اتومبیل را به صورت مشروح و مشخص در شماره‌های پیشین کار مطرح کردیم. اما شواهد امر وجود و حتی قدرت‌گیری گرایشی بس خطرناک را در صنعت وابسته اتومبیل‌سازی ایران نشان می‌دهد:

۱- کارخانه مونتاژ اتومبیل رنو که در وابستگی کامل به انحصار اتومبیل‌سازی فرانسه است اخیراً ۶۱ هزار متقاضی را که جمعاً متجاوز از سه میلیارد تومان به این شرکت پرداخت کرده‌اند، به صف کرده‌است. مهندس کاتوزیان از شرکت رنو "از کلیه متقاضیان به خاطر حسن استقبال‌شان تشکر کرده‌است!"

۲- اخیراً کارخانه ملی شده ایران ناسیونال نیز به سیات پیش‌فروش کردن محصول این کارخانه که در وابستگی به انحصار هیلمن - کرایسلر انگلستان قرار دارد، روی آورده است. فوج دلالان و عاملان بازار سیاه از سیاست کارخانه ایران ناسیونال نیز "حسن استقبال" کرده‌اند. ما در این مورد نیز همچنان که در بالا گفتیم، این سیاست را سیاستی نه در جهت برپائی صنعت اتومبیل سازی مستقل، بلکه در جهت احیاء و حتی گسترش صنعت وابسته اتومبیل سازی ایران می‌دانیم.

کارخانه اتومبیل سازی ایران ناسیونال نه تنها در جهت قطع پیوندهای وابستگی به انحصارات امپریالیستی گامی به پیش ننهاده، بلکه آنچنان که مدیر عامل این شرکت ملی شده

بقیه از صفحه ۸

ویتنام: پایگاه صلح و ...

مجهز باشد و اصول انترناسیونالیسم پرولتری را رهنمون عمل خود قرار دهد، نشان می‌دهد. مردم ویتنام در تمام مراحل مبارزه خود، همواره بر همبستگی خود با کشورهای سوسیالیستی تاکید کرده‌اند، از کمک‌های بی‌شائبه آنها بهره - مند شده‌اند و با پیروزی خود، به تحکیم مواضع سوسیالیسم جهانی و جبهه انقلاب جهانی در مقابل امپریالیسم و ارتجاع یاری رسانده‌اند. جمهوری سوسیالیستی ویتنام در جریان ساختمان سوسیالیسم، از کمک‌های کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه اتحاد شوروی، در زمینه‌های مختلف از جمله تولید برق، ذغال سنگ، صنایع شیمیائی برخوردار بوده‌است.

جمهوری سوسیالیستی ویتنام امروزه یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد و یکی از اعضای فعال جنبش غیرمتعهدها است. بین ویتنام سوسیالیستی و دو همسایه آن، لائوس خلقی و

کامپوچپای نوین پیوندهای دوستی و همبستگی گسست‌ناپذیری وجود دارد. این دوستی و همبستگی به‌ویژه در شرایط حاضر که توسعه طلبان پکن پس از شکست خود در تهاجم به ویتنام در صدد ایجاد تشنج در مرزهای این کشور و دامن‌زدن به جنگ روانی ضد ویتنامی در منطقه و به‌وجود آوردن برخورد و کشمکش بین این سه کشور دوست است، از اهمیت بازم بیشتر برخوردار می‌شود.

مردم ویتنام که حق زندگی و حق انتخاب آزادانه راه خود را در جریان مبارزه‌ای دشوار و طاقت‌فرسا و در عین حال افتخار آمیز به دست آورده‌اند، در مقابل تحریکات امپریالیسم آمریکا و وابستگانش در منطقه و در مقابل تهاجمات برتری طلبان پکن تسلیم نخواهند شد. دفع تجاوز چین در فوریه سال ۱۹۷۹ یکبار دیگر به تمام جهانیان نشان داد که شهامت، شجاعت، اراده پولادین و تصمیم قاطع مردم ویتنام برای دفاع از استقلال خود و پیشروی در راه سوسیالیسم و حمایت جامعه کشورهای سوسیالیستی از آنها، ضامن محکمی برای پیروزی آنهاست.

نفر بازداشت شدند ولی تنها کسانی به دادگاه فرستاده شدند که برای ۸ ساعت کار روزانه مبارزه می‌کردند. آنها چند ماه بعد اعدام شدند.

جمعه ۱۱ نوامبر رهبران جنبش را به دار آویختند. روز یکشنبه مراسم تشییع جنازه انجام گرفت. هزاران کارگر جنازه‌ها را بدرقه کردند. صف آنان به کیلومترها می‌رسید. آن روز سرمایه‌داران شیکاگو از ترس بر خود لرزیدند. اجساد شهدا در گورستان شهر به خاک سپرده شد. اما هدف برجای خود همچنان باقی بود: مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه، مبارزه برای زندگی بهتر، مبارزه برای ایجاد روابط انسانی میان انسان‌ها و ... ادامه داشت و همچنان نیز ادامه دارد ...

بقیه از صفحه ۲۰

تراژدی ...

شب ۴ مه میتینگی در یک محله فقیرنشین شهر بر پا بود. این محله بعدها به میدان "هایمارکت" معروف شد. شخصی برای مردم سخنرانی می‌کرد. ناگهان بمبی از یک پنجره مشرف به میدان پرتاب شد و چندین مأمور پلیس کشته شدند. شهر عقل خود را از دست داد. روزنامه‌ها مثل همیشه در تشدید جو ناامنی و تشنج نقش خود را بازی کردند و در این میان فریاد حق طلبانه کارگران و حقانیت جنبش ۸ ساعت کار روزانه بود که زیر فراخوان‌های انتقام جویانه خفه شد! صدها

پروامون مصوبات شورای ملی فلسطین

گسترش پیکار نظامی علیه امپریالیسم و صهیونیسم

شورای ملی فلسطین از کمک‌های مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی به انقلاب فلسطین ستایش کرد.

و نظامی منطقه است. به همین جهت است که علاوه بر سفر "هیگ" به خاور - میانه و سفر "تاچر" نخست‌وزیر انگلیس هیئت‌های امپریالیستی عازم منطقه خاورمیانه و خلیج فارس شده‌اند.

با توجه به این توطئه‌ها مصوبات شورای نمایندگان خلق فلسطین متناسب بود با حجم خطراتی که انقلاب فلسطین را تهدید می‌کند و نیز متناسب بود با نقشی که خلقهای منطقه برای انقلاب فلسطین به عنوان پیشتاز جنبش‌های رهاییبخش و ترقیخواهانه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع منطقه قائل هستند این حقیقت ثابتی است که مرتجعین و واپسگرایان و مزدوران محلی این دشمنان خلقهای منطقه، به رغم تلاش‌های مذبحخانه‌ای که برای ایجاد شک و شبهه در مورد انقلاب فلسطین و هدف‌های عادلانه آن ویا حمله مشخص و مستقیم به رهبران و نهادهایش به عمل می‌آورند، نمی‌توانند آسیبی به آن برسانند.

اجلاس اخیر شورای ملی فلسطین در مصوبات خود رهبری دسته‌جمعی در کلیه نهادها و ارگانهای سازمان آزادیبخش فلسطین را در جهت تحقق اصل دمکراسی که به عنوان شرط اساسی موفقیت هر انقلاب ضد - امپریالیستی باید بکارگرفته شود، مورد تاکید قرار داد همچنین ضرورت وحدت ملی با شرکت گروه‌های انقلاب و نیروهای ملی فلسطین را به عنوان اساس یکپارچگی تلاش خلق تاکید کرد و در اجرای این تصمیم در ترکیب کمیته اجرایی جدید سازمان

برای آزادی فلسطین با هدف حمایت از منطقه در برابر توسعه‌طلبی صهیونیسم و سلطه‌گری آمریکا است. شورا همچنین کلیه طرح‌های آمریکا برای اسکان فلسطینی‌ها در لبنان و یا هر منطقه دیگر را محکوم کرد و خواستار پایان جنگ ایران و عراق شد تا امکانات هر دو کشور در راه کمک به مبارزه عادلانه علیه تجاوز امپریالیستی - صهیونیستی بکار گرفته شود شورا ضمن تاکید بر تحکیم و گسترش روابط و همبستگی با کشورهای سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی و نیز جنبش‌های آزادیبخش و نیروهای ضد امپریالیست و مترقی، از پیشنهاد لئونید

اجلاس پانزدهمین دوره شورای ملی فلسطین هفته گذشته در دمشق به کار خود پایان داد و مصوبات آن جهت اجرا به ارگان‌های مسئول و اجرایی ابلاغ گردید.

شورای ملی فلسطین که پارلمان خلق قهرمان فلسطین در تبعید است و ۳۵۰ عضو دارد، همه گروه‌های مبارز انقلاب فلسطین و همه اقشار خلق فلسطین در داخل و خارج سرزمین غصب شده را نمایندگی می‌کند.

پانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در شرایطی منعقد شد که انقلاب فلسطین به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده مشروع و قانونی خلق فلسطین در کلیه عرصه‌های مبارزه، نبرد بی‌امانی را علیه تجاوز صهیونیسم و امپریالیسم به پیش می‌برد و راه آزادی فلسطین و بازگشت خلق مبارز و آواره شده فلسطین به سرزمین خود به پیکار ادامه می‌دهد.

تجاوز دشمنان خلق فلسطین از زمین و هوا و دریا به جنوب لبنان و استفاده از مدرنترین سلاح‌های مخرب آمریکایی در این تجاوزات وحشیانه و سرکوب جنایتکارانه فلسطینی‌ها، و ایجاد یهودی‌نشین‌های جدید در سرزمین‌های اشغالی در روزهای اخیر به اوج خود رسیده است این عملیات و نیز تلاش‌های مذبحخانه آمریکا برای تحمیل سلطه خود به شیوه‌های گوناگون و به ویژه تاسیس پایگاه‌های نظامی متعدد در منطقه، ایجاد نیروهای واکنش سریع با همکاری اعضای پیمان ناتو و بستن پیمان‌های نظامی با رژیم‌های ارتجاعی به بهانه خطر موهوم شوروی، متجلی است. این تجاوزات در واقع بخشی تفکیک‌ناپذیر از استراتژی امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا برای درهم کوبیدن جنبش‌های آزادیبخش ملی و سرنگونی رژیم‌های ملی منطقه و مبارزه با انقلاب ایران است. هدف آمریکا از این کار به دست گرفتن مقدرات و ثروت‌های منطقه و تحکیم وابستگی سیاسی، اقتصادی

برژنف درباره بحران خاورمیانه که در کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح شده است، استقبال نمود. شورای ملی فلسطین از کشورهای عربی اسلامی و به ویژه کشورهای صادر کننده نفت خواست که همهمکانات خود را برای کمک به خلق فلسطین به کار گیرند و کشورهای صنعتی و امپریالیستی را وادار کنند سازمان آزادیبخش فلسطین و حقوق کامل خلق فلسطین را به رسمیت بشناسند.

شورای ملی فلسطین در آخرین جلسه پانزدهمین دوره خود با نثار درودهای انقلابی به همه نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه، که علیه امپریالیسم و صهیونیسم و تبعیض نژادی و فاشیسم در سراسر جهان می‌رزمنند، از کمک‌های آنان قدردانی کرد و پشتیبانی آنان را از انقلاب و خلق فلسطین مورد ستایش قرار داد.

بقیه از صفحه ۱۷

به جای رسیدگی...

- ۱۷- یکی از دوستان عثمان دیواری که هویتش نامعلوم است وی به هنگام دفاع از عثمان به ضرب گلوله مجروح شد و چند روز بعد در بوکان فوت کرد.
- ۱۸- عبدالله رحیمی ۸۰ ساله دارای همسر و ۵ فرزند - کشاورز
- ۱۹- حسن کریم اقدم ۳۰ ساله دارای همسر و ۲ فرزند - کارگر کوره‌پزخانه.
- ۲۰- مام سلطان تارا است ۸۰ ساله کشاورز.
- ۲۱- عبدالله تارا است ۲۱ ساله.
- ۲۲- علی بابائی ۷۰ ساله دارای همسر و ۱ فرزند - مغازه‌دار
- ۲۳- محمد بابگری دارای همسر و ۶ فرزند - کشاورز
- ۲۴- عصمت رحمتی ۶۰ ساله دارای شوهر و ۶ فرزند - این مادر را در حال دفاع از دختر جوانش که مورد تجاوز قرار گرفته بود، به شهادت می‌رسانند.
- ۲۵- خسرو مام موسی ۳۵ ساله دارای همسر و ۶ فرزند - کارگر کوره‌پزخانه.
- ۲۶- مهدی بیلار عجم - ترک‌زبان دارای همسر و ۶ فرزند - راننده تراکتور.
- ۲۷- محمود رسولیان ۵۰ ساله دارای همسر و ۶ فرزند - کارگر کشاورزی.
- ۲۸- رسول گاران ۶۰ ساله دارای همسر و ۳ فرزند - از کار افتاده.
- ۲۹- بایزید برخانه ۱۳ ساله محصل.
- ۳۰- محمود عزیزی ۱۴ ساله محصل و کارگر.
- ۳۱- احمد رسولی ۱۸ ساله کارگر کوره‌پزخانه.
- ۳۲- احمد رسولی ۱۴ ساله محصل.
- ۳۳- حامد آذربونه دارای همسر و ۴ فرزند.
- ۳۴- سید رحمان دارای همسر و ۴ فرزند - کارگر کوره‌پزخانه.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

اول ماه مه در...

بقیه از صفحه ۵

گذشت و بعد سه تا از لوله -
کشا که جلو یک چادر،
ایستاده بودند، راه افتادند
و از محاصره نگاه کارگرا
گذشتند و آخرین چادر را
پشت سر نهادند. پیشانیشان
توی آن هوای سرد از عرق
شروع به درخشیدن کرد.
نگاه استرحام آمیزشان به
زمین بود و جرات سربلند
کردن نداشتند. از ۱۲۰
کارگر، فقط هفت نفر رفتند،
از جوشکارها، هیچکس نرفت
"ناصر" گفته بود آنها با ما
می مانند. کافی بود
جوشکارها نروند. از دست
لوله کشها و "فولر" کاری
ساخته نبود و کار بدون ما
راه نمی افتاد.
بعد از مدتی که "فولر"
و "سوپروایزرها" دیدند
کارگرا حاضر نیستند کار را
شروع کنند، کمپرسورها و
موتورجوشها را که روشن
کرده بودند، خاموش کردند و

با گامهای بی‌رمق و
سرافکننده به طرف کاروان
برگشتند. "فولر" را خنجر
می زد، خوشی در نمی آمد
گونه ی گشتالودش متورم و
سرخ شده بود. وقتی "فولر"
و "سوپروایزرها" از میان
چادرها گذشتند، بدون آنکه
به درون چادر کارگرا نظری
بیندازند، یک راست به طرف
کاروان رفتند و در را پشت
سرشان به هم کوبیدند.
وقتی به طرف چادر "ناصر"
راه افتادم، کارگری با سوت،
سرود "انترناسیونال" را
نواخت. یک مرتبه از درون
چادرها صدای سوت بلند
شد. میدان مقابل چادرها،
خودش را برای تحلیل از اول
ماه مه آماده می کرد.

* پیپلین: خط لوله گاز یافت
* سوپروایزر: سرپرست
* هلیپر: شاگرد، کمک صنعتگر

کمکهای مالی دریافت شده

الف و آ	ب	ج	ز	ع	م	م	م
۱۰۳۰۰	۱۲۱۱	۱۳۰۴	۲۳۶۱۱	۱۱۱۴	۳۲۰۲	۲۲۰۲	۱۰۷۵
۹۳۳	۱۱۴۸	۱۰۱۲	۵۵۵۵	۴۰۷۲۷	۴۴۱۳	۴۴۱۳	۱۱۱۱
۱۰۲۲۲	۱۱۴۸	۱۲۸۱۰		۶۰۳۴۰	۲۴۱۳	۲۴۱۳	۲۱۲۳
۸۳۰۰	۱۱۴۸	۲۵۲۴		۴۶۱۱	۳۷۷۶	۳۷۷۶	۱۰۶۵۰
۵۵۲۳	۱۱۴۸	۷۴۸		۴۰۰	۲۷۳۵	۲۷۳۵	۵۰۵۰
۵۵۲۲	۱۱۴۸	۱۵۳۱۲		۲۴۱۲	۲۰۰	۲۰۰	۳۱۲۲
۵۴۹	۱۱۴۸	۱۵۳۱		۱۵۰۰	۵۲۳۲	۵۲۳۲	۵۲۳۲
۵۱۰۰	۱۱۴۸	۲۱۱۸		۵۲۰۱	۲۴۴۲	۲۴۴۲	۲۴۴۲
۲۱۷۸	۱۱۴۸	۵۱۱۸		۲۰۱۸	۱۰۳۲۷	۱۰۳۲۷	۱۰۳۲۷
۱۳۱۱	۱۱۴۸	۲۲۲۲		۲۰۸۵	۲۲۸۵	۲۲۸۵	۲۲۸۵
۲۵۰۱	۱۱۴۸	۵۰۵۳۵	۱۱۰۰۰	۲۳۰۲	۷۰۰	۷۰۰	۴۲۲
۵۴۰۰	۱۱۴۸	۲۳۵۵	۵۰۰۰	۲۳۰۲	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۵۲۰
	۱۱۴۸	۳۱۰۰	۱۴۵۵۵	۱۵۰۰	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۳۹
	۱۱۴۸	۵۱۱۸	۵۵۱۱	۵۲۰۱	۱۰۲۷	۱۰۲۷	۱۷۰۰
	۱۱۴۸	۵۲۳	۱۳۳۲	۲۰۱۸	۷۰۰	۷۰۰	۱۸۹۸۷
	۱۱۴۸	۸۶۱	۵۷۰۷	۲۰۸۵	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۱۸۹۰
	۱۱۴۸	۱۱۱۳	۲۳۰۱	۲۰۸۵	۸۱۴	۸۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۵۱۱۸	۸۴۵۶	۲۰۸۵	۱۰۰۶۰	۱۰۰۶۰	۱۷۰۰
	۱۱۴۸	۱۲۳۳۳	۵۵۵۵	۲۰۸۵	۹۸۲	۹۸۲	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۷۱۱۱		۲۰۸۵	۲۵۶۷	۲۵۶۷	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۵۱۵۵		۲۰۸۵	۵۳۴۵	۵۳۴۵	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۲۳۳۳		۲۰۸۵	۱۸۹۰	۱۸۹۰	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۵۵۸۰		۲۰۸۵	۱۸۰۳	۱۸۰۳	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۶۰۳		۲۰۸۵	۱۵۰۳۴	۱۵۰۳۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۵۰		۲۰۸۵	۵۰۳۵	۵۰۳۵	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۶۰۱۰		۲۰۸۵	۴۱۱	۴۱۱	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۰۰۳		۲۰۸۵	۲۸۰۰	۲۸۰۰	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۳۵۲۱		۲۰۸۵	۳۶۱۱	۳۶۱۱	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۳۳۳۳		۲۰۸۵	۴۱۲۳	۴۱۲۳	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۹۵۴۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۳۳۲۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۰۰۹		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۳۳۱۲		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۱۷۵		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۵۱۱۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۵۰۱۱۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۷۳۷۴		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۱۰۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۳۹۳۰۷		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۰۰۰۰۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۴۱۵		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۳۰۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۵۰۱۰۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۵۱۸		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۵۱۸۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۲۵۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۹۰۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۵۰۱۹		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۲۳۵		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۵۲۲		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۰۰۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۳۰۳۴۵		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۵۶۶۰۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۴۵۵۵		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۵۰۲		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۳۲۲۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۴۲۲۲		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۷۱۸۷		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۴۰۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۱۱۲		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۰۶۱۷		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۲۱۹		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۰۴۰۸		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۵۲۲۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۰۳۵۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۱۳۱۴		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۸۶۲۲		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۰۵۹۳		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۰۱۵		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۰۳۳۳		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۶۱۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۰۲۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۲۳۳۳		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۲۲۰۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۴۲۲		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۳۱۱۲		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۰/۰		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۷۲۹		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳
	۱۱۴۸	۱۰۰۰۱		۲۰۸۵	۱۱۳۱۴	۱۱۳۱۴	۱۸۰۳

لیبرالهای میزان نویس

امپریالیست میهنان موضع
قاطع خود را در حمایت از
مبارزه انقلابی و عادلانه
مردم السالوادور و محکوم
کردن جنایات امپریالیسم
امریکا و دست نشانگان آن
نشان داده اند، لیبرالهای
وطنی یا در مورد مبارزات
خلقها و من جمله خلق
السالوادور خفقان گرفته اند
و یا به درج مقالات ارگانهای
مطبوعاتی امپریالیستی اقدام
می کنند و بدین ترتیب از
جله نیروهای ضد انقلاب
حمایت می کنند.
نبرد انقلاب و ضدانقلاب
هم بعد ملی و میهنی دارد و
هم بعد جهانی. لیبرالهای
وطنی در هر دو بعد، در
دشمنی علیه خلقهای بیا -
خاسته و نیز علیه گردانهای
اردوی انقلاب جهانی موضع
گرفته اند.

هشدار!

درباره يك اقدام مشکوك

اخیرا دیده شده است که افراد مشکوک با رنگ
"اسپری" شعار "دروود بر فدائی" را بر روی
تعدادی از ماشینهای مردم نوشته اند که اعتراض
صاحبانشان را برانگیخته است.
ما ضمن محکوم کردن این عمل، اعلام
می داریم که نوشتن این "شعارها" بر روی بدنه
ماشینهای شخصی و عمومی هیچ ارتباطی با
سازمان ما ندارد.
سازمان هوشیاری همه هواداران را در این زمینه
بیش از پیش جلب می نماید.

زنان زحمتکش ایران،

متحداً از انقلاب دفاع می کنند

صدها هزار تن از زنان سراسر ایران در روز شنبه ۵ اردیبهشت ماه تظاهرات وسیع و پرشکوهی را برگزار کردند. در این تظاهرات که به ویژه در تهران از شکوه بیشتری برخوردار بود، زنان مبارز شرکت کننده در تظاهرات با شعارهای ضدامپریالیستی و با فریادهای کوبنده «مرگ بر آمریکا» عزم و اراده استوار خود را برای ادامه مبارزه علیه امپریالیسم جنایتکار آمریکا اعلام داشتند. در مراسم روز شنبه شعارهایی در حمایت از رهبر انقلاب، در محکوم ساختن اختلاف و دودستگی و به پشتیبانی از وحدت مردم داده شد.

تظاهرات غرورآفرین روز شنبه زنان ایران - که بخش اعظم آن را زنان زحمتکش تشکیل می دادند - نشان داد انقلاب، این توده عظیم را که بدون شرکت فعال آنان هیچ انقلابی نمی تواند به پیروزی برسد، به میدان مبارزه و حیات سیاسی جامعه کشانده است. در گذشته زنان ایران در جهل و ناآگاهی به سر برده و رژیم جنایتکار شاه و اربابان امپریالیستش به طرق گوناگون از شرکت آنان در حیات سیاسی جامعه - بجز مراسم شه ساخته - ممانعت به عمل می آوردند و با اشاعه فرهنگ فاسد - امپریالیستی سعی در به هرز بردن این نیروی عظیم انقلابی داشتند. اما انقلاب ما به زنان امکان داد تا دست در دست برادران زحمتکش خود به نبرد قطعی علیه امپریالیسم برخاسته و برای بنای ایرانی آزاد و آباد فداکارانه بکوشند. علیرغم دستاوردهای گرانبهایی که انقلاب ایران برای زنان میهنمان به ارمغان آورد، هنوز زن ایرانی نتوانسته است به بسیاری از حقوق واقعی خود دست یابد، هنوز

تبعیضها و محدودیت های فراوانی بر زنان ایران اعمال می شود. عملکرد پاره ای از تنگ نظری ها و محدودنگری ها و تعصبات خشک و ناروا مانع از آن شده که این انرژی عظیم آنطور که باید و شاید در خدمت تعمیق انقلاب قرار گرفته و خلاقیت ها و استعداد های آنان امکان بروز بیشتری یابد.

شرکت فعال زنان در تظاهرات روز شنبه تأیید این واقعیت است و مشت محکمی است بر دهان امپریالیست ها و ماشین تبلیغاتی شان که می گفتند و می گویند: انقلاب بندهای اسارت و بردگی را بر دست و پای زنان ایران محکم تر از پیش ساخته است! اما برخلاف تبلیغات ضد انقلابی امپریالیسم و لیبرالها زنان ایران متحداً از انقلاب خود دفاع می کنند.

در عین حال باید توجه داشت که انقلاب ایران جزئی از پیکار جهانی بخش خلق های سراسر جهان و همبسته با جبهه انقلاب جهانی است. این همبستگی باید به طرق گوناگون تقویت شود و از جمله در سالروزها و مراسم بین المللی تجلی یافته، اتحاد مردم ایران را با جبهه جهانی انقلاب تحکیم بخشد همانگونه که کارگران ایران با بزرگداشت روز جهانی کارگر همبستگی طبقاتی خود را با کارگران سراسر جهان به نمایش می گذارند، بجاست که زنان ایران نیز روز بین المللی زن را که روز همبستگی زنان زحمتکش سراسر جهان - صرف نظر از تعلقات مذهبی، عقیدتی، نژادی و ملی - در پیکار علیه امپریالیسم می باشد، نیز گرامی داشته و با استفاده از سنت های انقلابی این روز بین المللی اتحاد خود را با زنان پیکار - جوی سراسر جهان استوارتر گردانند.

کودگانی که در کارگاه های نمرور و تاریک با آفرینش زیباترین نقش ها طراوت و سلامتی خود را از دست می دهند کودکانی که از بام تا شام کار می کنند، نه نور خورشید را می بینند و نه رنگ مدرسه را. کار کودکان در قانون کار و تامین اجتماعی باید غیر قانونی شود. حداقل سن کار باید ۱۶ سال تعیین شود و همه کسانی که هنوز به سن قانونی کار نرسیده اند، باید زیر پوشش تامین اجتماعی قرار گیرند.

" بار استعمار بر شانه های کوچک کودکان " استعمار، حتی خردسالانی را که به جای کار طاقت فرسا و شبانه روزی، باید در مدرسه ها تحصیل کنند، در چنگال خود گرفته است.

قانون کار و تامین اجتماعی باید سن حداقل کار را ۱۶ سال تعیین نموده و همه کسانی را که هنوز به سن قانونی کار نرسیده اند، زیر پوشش خود قرار دهد.



تظاهرات هم میهنان ارمنی تجلی وحدت مستحکم همه خلقها

در برابر امپریالیسم و متحدان آن

پیوندتان مبارک پایگاه های ناتونا بود باید گردد میوینتون، بایکار، هاغتاناک (اتحاد، مبارزه، پیروزی) هم میهنان ارمنی ما در جریان این تظاهرات یکبار دیگر شرکت فعال خود را در مبارزه بخاطر طرد کامل امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و در راه تحکیم و گسترش انقلاب نوپای میهن به نمایش گذاشتند. این نقش شایسته و درخور هم میهنان مبارز ارمنی است. گذشته این را نشان داده است و تداوم آن در آینده بی شک نویدبخش تحقق حقوق و آمال دیرینه همه خلقهاست.

ما - فلسطین، فلسطین متحد راه ما اتحاد، اتحاد ضرورت انقلاب وحدت ناگسستنی خود را با مبارزات ضد امپریالیستی دیگر خلق های میهن و زحمتکش سراسر جهان اعلام کردند. هم میهنان ارمنی همچنین با شعارهای کوبنده سفاکی های رژیم عثمانی در گشتار ارمنه و تداوم مظالم آنان توسط دولت فاشیست ماب فعلی ترکیه را محکوم نمودند. در نظم چشم گیر راهپیمایی انبوهی از پلاکاردها با مضامین زیر به چشم می خورد: مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا مرگ بر دولت فاشیستی ترکیه کرد، ترک، ارمنی

هزاران نفر از هم میهنان ارمنی ما، هفته گذشته در راهپیمایی باشکوهی به مناسبت شصت و ششمین سالروز کشتار ارمنه ترکیه توسط دولت عثمانی (آوریل ۱۹۱۵) شرکت کردند. چهره های رنج دیده زنان و مردان زحمتکش که اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان در راهپیمایی را تشکیل می داد، به این مراسم صلابت خاصی می بخشید. آنها چه پیر چه جوان در صفوف منظم علیه مظالم امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و رژیم نظامی دست - نشانده اش در ترکیه فریاد اعتراض سردادند. راهپیمایان با شعارهای یکپارچه: آمریکا، آمریکا دشمن خونخوار

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

گرامی باد خاطره تابناک کارگران شهید در جبهه‌های مقاومت

۱ امیر حمزه علمداری	۷۵ مهین داسی	از راه هن در جبهه سوسکرد	۱ امیر حمزه علمداری
۲ ایرج زرآبادی	۷۶ بوروزی	از کارخانه مازنیخ البرز در سمک	۲ ایرج زرآبادی
۳ صمد کلینج	۷۷ اکبر بدلی	کارخانه جبرال تابر	۳ صمد کلینج
۴ مرضی صافزاده	۷۸ حسن سهران	کارخانه الیاف	۴ مرضی صافزاده
۵ اسما عیلا جعفرآبادی	۷۹ حسن خاکسار	کارخانه آردو	۵ اسما عیلا جعفرآبادی
۶ ابوالفضل آقابرگی	۸۰ مهدی حداد	کارخانه پارس سال در جبهه سومار	۶ ابوالفضل آقابرگی
۷ پرویز مومنی	۸۱ رحیم فوت‌آرا	از کارخانه لیلانده سور در جبهه هوار	۷ پرویز مومنی
۸ میکائیل حیدری	۸۲ صدق سرشت	کارخانه نیتوالکتریک	۸ میکائیل حیدری
۹ هاشم سرحدی	۸۳ یعقوب لامکان	کارخانه خوبا در جبهه آبادان	۹ هاشم سرحدی
۱۰ محمود چشمی	۸۴ داود مانی	کارخانه نمسفر	۱۰ محمود چشمی
۱۱ محمد کسروی	۸۵ حاجی شهبازی	کارخانه کیان تابر	۱۱ محمد کسروی
۱۲ غلامرضا کرد	۸۶ علی علی‌نژاد	کارخانه کیان تابر	۱۲ غلامرضا کرد
۱۳ ابراهیم ابراهیمی	۸۷ محمدرضا سلیمی	شهر صنعتی البرز، عضو سپاه پاسداران	۱۳ ابراهیم ابراهیمی
۱۴ اسبزمیراد مطلبی	۸۸ حسین محمدی	کارخانه بنز خاور	۱۴ اسبزمیراد مطلبی
۱۵ قاسم خواجهزاده مرون	۸۹ سلیمان خداوندلو	کارخانه ایران کج در جبهه آبادان	۱۵ قاسم خواجهزاده مرون
۱۶ احمد اسما عیلا پور	۹۰ احمد زرینی (شهید)	کارخانه جیت‌ری	۱۶ احمد اسما عیلا پور
۱۷ ولی‌الله شهبازی	۹۱ کریم آذروند	کارخانه آجر سفالین	۱۷ ولی‌الله شهبازی
۱۸ حسن عیسوند	۹۲ بهرام باباخانیلو	کارخانه بیونان در جبهه مههران	۱۸ حسن عیسوند
۱۹ غلامرضا بنی‌بری	۹۳ محمدحسین زارع	کارخانه گاشی و سرامیک شیراز	۱۹ غلامرضا بنی‌بری
۲۰ بهروز نوری	۹۴ محمد احمدی	کارخانه کفش ملی در جبهه سرپل ذهاب	۲۰ بهروز نوری
۲۱ کارگر قند بیستون	۹۵ سعید کوشش	کارخانه قند بیستون در اثر بمباران	۲۱ کارگر قند بیستون
۲۲ محمد صغیر رضانی	۹۶ مصطفی رضائی	کارخانه قند بیستون در اثر بمباران	۲۲ محمد صغیر رضانی
۲۳ علیرضا کاظمی	۹۷ هرمز زینویی	کارگر شهید نعت در آبادان	۲۳ علیرضا کاظمی
۲۴ عنایت‌الله رئیسی	۹۸ مجتبی وجدکوئی	کارگر شهید در جبهه جنوب	۲۴ عنایت‌الله رئیسی
۲۵ حمزه علی قنبری	۹۹ صاحب‌علی ارجی	آب‌وبرق خوزستان	۲۵ حمزه علی قنبری
۲۶ قاسم جراح زاده	۱۰۰ شمس‌علی محمدی	آب‌وبرق خوزستان	۲۶ قاسم جراح زاده
۲۷ علی عسکر برون	۱۰۱ غلامرضا صدر سرداسگری	آب‌وبرق خوزستان	۲۷ علی عسکر برون
۲۸ رحمت‌الله حجازی	۱۰۲ داریوش بیک‌اندیس	آب‌وبرق خوزستان	۲۸ رحمت‌الله حجازی
۲۹ حسن بغلانی	۱۰۳ امیر علائی	آب‌وبرق خوزستان	۲۹ حسن بغلانی
۳۰ حسن صالح‌نیا	۱۰۴ عزیزالدین بولادوند	آب‌وبرق خوزستان	۳۰ حسن صالح‌نیا
۳۱ ولی‌دیلیمی	۱۰۵ کمان روزی گلده‌کنی	آب‌وبرق خوزستان	۳۱ ولی‌دیلیمی
۳۲ نظام سلیمی	۱۰۶ رحیم مالکی	آب‌وبرق خوزستان	۳۲ نظام سلیمی
۳۳ جابر فرسانی	۱۰۷ احمد رفیعی	آب‌وبرق خوزستان	۳۳ جابر فرسانی
۳۴ اسحاق بابا زاده	۱۰۸ رجب کریمی دریس	در اثر اصابت ترکش خمسه خمسه	۳۴ اسحاق بابا زاده
۳۵ غلامرضا دهقان	۱۰۹ اسداله عبداللذاده	بندر خوبین شهر	۳۵ غلامرضا دهقان
۳۶ جمشید جیرانی	۱۱۰ محمد کریم نصیری	بندر خوبین شهر	۳۶ جمشید جیرانی
۳۷ علیخان رضائی	۱۱۱ داریوش سالاری	بندر خوبین شهر	۳۷ علیخان رضائی
۳۸ جمشید هیرانی پور	۱۱۲ عبدالامام سامری	بندر خوبین شهر	۳۸ جمشید هیرانی پور
۳۹ فاضل صبحی	۱۱۳ عباس زاهدی	بندر خوبین شهر	۳۹ فاضل صبحی
۴۰ علی اصغر میثمی	۱۱۴ جمیل جلیلی	بندر خوبین شهر	۴۰ علی اصغر میثمی
۴۱ علیخان جلیلیان	۱۱۵ علیرضا کاظمی حیرآبادی	بندر خوبین شهر	۴۱ علیخان جلیلیان
۴۲ صادق مهرزاد	۱۱۶ حبیبعلی جعفری	بندر خوبین شهر	۴۲ صادق مهرزاد
۴۳ مولا مرموری	۱۱۷ شیرزاد خانزاده بیرجانی	بندر خوبین شهر	۴۳ مولا مرموری
۴۴ فریدون مرتضی‌زاده	۱۱۸ غلامعلی کیایی فرد	کارگر شهید نعت در جبهه آبادان	۴۴ فریدون مرتضی‌زاده
۴۵ ابراهیم شکرچی	۱۱۹ ابراهیم ادیبی فرد	کارگر شهید نعت در جبهه آبادان	۴۵ ابراهیم شکرچی
۴۶ باقر دریس	۱۲۰ اسداله ارجمند	نفت در جبهه آبادان	۴۶ باقر دریس
۴۷ منصور صادقیان	۱۲۱ حیدر رودکی	نفت در جبهه آبادان	۴۷ منصور صادقیان
۴۸ علی ابراهیمی	۱۲۲ نعمت‌الله چراغی	نفت نکهبان در جبهه آبادان	۴۸ علی ابراهیمی
۴۹ محمود بم‌زاده	۱۲۳ غلامرضا سفاط	نفت در جبهه آبادان	۴۹ محمود بم‌زاده
۵۰ عبدالرحیم رحمانی	۱۲۴ خلف بجاری زاده	نفت در جبهه آبادان	۵۰ عبدالرحیم رحمانی
۵۱ غلامعباس بخرد	۱۲۵ محمد باروییان	نفت در جبهه آبادان	۵۱ غلامعباس بخرد
۵۲ مامری	۱۲۶ عبدالزهرا میقات	آتش‌نشانی در جبهه آبادان	۵۲ مامری
۵۳ اکبر مرادی	۱۲۷ کاظم علی‌اسدی	آتش‌نشانی در جبهه آبادان	۵۳ اکبر مرادی
۵۴ قربان‌علی پوردرویش نعت در جبهه آبادان	۱۲۸ فتح‌الله محمدی	آتش‌نشانی در جبهه آبادان	۵۴ قربان‌علی پوردرویش نعت در جبهه آبادان
۵۵ کیومرث پرویززاده	۱۲۹ خلف هلالی	آتش‌نشانی	۵۵ کیومرث پرویززاده
۵۶ علیرضا حاج‌خدا بخشی	۱۳۰ علیرضا عین‌بین	آتش‌نشانی	۵۶ علیرضا حاج‌خدا بخشی
۵۷ تنکستانی	۱۳۱ رسم کریمی	آتش‌نشانی	۵۷ تنکستانی
۵۸ عبدالرحیم رحمانیان	۱۳۲ مصطفی رضائی	تعمیرات پالایشگاه	۵۸ عبدالرحیم رحمانیان
۵۹ حسین صفائیان	۱۳۳ سعید بجاری	ساختمان	۵۹ حسین صفائیان
۶۰ موسی بم‌زاده	۱۳۴ مهین دانسیان	پالایشگاه	۶۰ موسی بم‌زاده
۶۱ عبدالحسین منفرد	۱۳۵ محمد سعید آزی	پالایشگاه	۶۱ عبدالحسین منفرد
۶۲ حمید عسکریان	۱۳۶ بابی	پروشمی	۶۲ حمید عسکریان
۶۳ علی‌قلی کیانی	۱۳۷ یعقوب تراکمه‌سامانی	تعمیرات پالایشگاه	۶۳ علی‌قلی کیانی
۶۴ بهروز فلکی	۱۳۸ رضاعلی حیدری	تعمیرات پالایشگاه	۶۴ بهروز فلکی
۶۵ محمد رنجبر	۱۳۹ سعید مولائی	تعمیرات پالایشگاه	۶۵ محمد رنجبر
۶۶ بهرام لشکوئی	۱۴۰ حسن منی	تعمیرات پالایشگاه	۶۶ بهرام لشکوئی
۶۷ مراد الماسی	۱۴۱ کاظم سمیعی	تعمیرات پالایشگاه	۶۷ مراد الماسی
۶۸ علی‌رحیم کریمیان	۱۴۲ رحیم عباسی	پالایشگاه	۶۸ علی‌رحیم کریمیان
۶۹ سعید جاسم موسوی	۱۴۳ حسن عظیمی	مخازن نفت کوره	۶۹ سعید جاسم موسوی
۷۰ قاسم قونی عفونی	۱۴۴ غلامعلی بیاب	تعمیرات پالایشگاه	۷۰ قاسم قونی عفونی
۷۱ اکبر مرادیان	۱۴۵ فرزاد شعبانی	اداره پخش	۷۱ اکبر مرادیان
۷۲ دریائی	۱۴۶ محمدحسن طاهری	تعمیرات	۷۲ دریائی
۷۳ نصیری	۱۴۷ حسین محمدی	نفت	۷۳ نصیری
۷۴ مجید بنی‌سمیه	۱۴۸ محمدرضا سنمی‌کیا	نفت	۷۴ مجید بنی‌سمیه

ما را سخن تو، گفتن آموخته است
 اینگونه شکوه رفتن آموخته است
 آواز شکوه تو، گل داد و شکفت
 جان همه را شکفتن آموخته است

گرامی باد خاطره تابناک کارگران شهید در جبهه‌های مقاومت

★ تاکنون صدها کارگر رزمنده و انقلابی میهنان در سنگرهای خونین مقاومت در برابر رژیم صدام، جان عزیز خود را از دست داده‌اند. صدها تن دیگر از این کارگران جان‌برگف نیز مجروح و یا اسیر شده‌اند.

طبقه کارگر با شرکت پیگیر و همه‌جانبه خود در تمامی عرصه‌های نبرد، از سنگر کار تا جبهه پیگار نشان داد که در حفظ و تعمیق دستاوردهای انقلاب نیز نقش تعیین‌کننده دارد. پرچم پیروزی آفرین طبقه کارگر ایران در دستان پرتوان هزاران کارگری که در جبهه‌های نبرد خونین، علیه تجاوزگران به مقاومت ایستاده‌اند، همچنان در اهتزاز است. با اعلام نام شهدای کارگر در جبهه‌های جنگ، یاد عزیزشان را گرامی می‌داریم:

در صفحه ۲۷

- ۱۳ ابراهیم شکرچی ★
- ۱۴ بهرام ورامینی ★
- ۱۵ ایرج حسین‌نیا ★
- ۱۶ محمدحسین صدرآبادی ★
- ۱۷ اسحاق بابازاده ★
- ۱۸ نوری نیاکان ★
- ۱۹ عنایت‌اله رئیسی ★
- ۲۰ حسین شریعتی ★

اسامی ۲۰ تن از رفقای کارگر فدائی از ۵۳ شهید سازمان در جبهه‌های جنگ

- ۱ اکبربدلی ★
- ۲ غلامعباس بخرد ★
- ۳ علیرضا کاظمی ★
- ۴ البرز یوسفی ★
- ۵ فریدون مرتضی‌زاده ★
- ۶ محمود اشرف‌آبادی ★
- ۷ علی ابراهیمی ★
- ۸ سعید کوشش ★
- ۹ تقی اسکویی ★
- ۱۰ عبدالحسین شاه‌میر ★
- ۱۱ حبیب‌الد فرحبخش ★
- ۱۲ اکبر فخور ★



برخیز و بیا، دوباره عید آمده است از جانب سبزه‌ها، نوید آمده است پائیز صنوبران سرسبز گذشت خوش باش که موسم امید آمده است

مزدوران امپریالیسم قصد حمله به سفارت شوروی را داشتند

امپریالیست‌ها و مزدوران و جاسوسان داخلی آنها از هر فرصتی برای پیش بردن صف ضدانقلابی خود استفاده می‌کنند و بدیهی است که حمله به سفارت شوروی در روز دوشنبه توسط مزدوران و جاسوسان امپریالیسم قابل پیش‌بینی بود.

دولت جمهوری اسلامی این بار با هشیاری و قاطعیت علیه مزدوران وارد عمل شد و با متفرق ساختن آنها و دستگیری برخی از آنها توطئه امپریالیسم را خنثی ساخت.

روز دوشنبه هفتام اردیبهشت، از ساعت ۹ صبح عده‌ای از مزدوران و اوباشان افغانی به کمک رنجبری‌ها و دیگر دوستان و جاسوسان امریکا به مناسبت به اصطلاح "کودتای روس‌ها در افغانستان" قصد حمله به سفارت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را داشتند.

پرواضح است که هدف امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان داخلی آنها، تخریب روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی به‌ویژه همسایه ما اتحاد شوروی است.

در صفحه ۲۲

پیرامون بیانیه اخیر کمیسیون خارجه مجلس شورای اسلامی اعلام همبستگی و حمایت از انقلاب السالوادور اقدامی است در خور انقلاب ما

بسط روابط اقتصادی با رژیم امریکایی ترکیه، به زیان انقلاب ایران است

در صفحه ۱۳

حمله به کانون نویسندگان را محکوم می‌کنیم

و تحریک شده از جانب باندهائی که عملاً در ضدیت با مصالح انقلاب فرار دارند، مرتکب می‌شوند، به شدت تقبیح و محکوم می‌کنیم و از مقامات مسئول می‌خواهیم برای پایان دادن به این‌گونه خودسری‌ها که ناقض حقوق و آزادی‌های تصریح شده در قانون اساسی است و هرگز به صلاح جامعه انقلابی ما نیست، به اقدامی موثر بپردازند.

تعدی خودسرانه مهاجمین تا ساعت ۱۰/۵ شب که آنها توسط مامورین کمیته مرکزی جلب و نویسندگان و مراجعین بازداشت شده، آزاد می‌شوند ادامه داشته‌است.

طبق اطلاع، این اقدام از سوی نماینده دادستانی انقلاب محکوم و از آنچه شده پوزش به عمل آمده است.

ما چنین هجوم‌های وحشیانه‌ای را که با حساب انجام می‌گیرد و عناصر ناآگاه

به‌قرار اطلاع ساعت ۴/۵ بعدازظهر روز سه‌شنبه اول اردیبهشت، کانون نویسندگان ایران توسط عده‌ای که خود را عضو کمیته منطقه معرفی می‌کردند، اشغال می‌شود. افراد مهاجم بعد از شکستن شیشه‌ها و به هم ریختن و ضایع کردن اوراق و نشریات و اسناد کانون، تنی چند از اعضاء و مراجعین را که آنجا بوده‌اند در اطافی محبوس می‌کنند.

پیام کمیته مرکزی سازمان

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگران

و

اطلاعیه اصلاح نام سازمان در میتینگ

اول ماه مه اعلام و انتشار می‌یابد

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر